







## اجتناب از جنگ جدید!

خبر استقرار ارتش عراق به همراه سیج مردمی این کشور در منطقه کرکوک و در اختیار گرفتن مراکز نفتی آن را اغلب رسانه‌های اطلاع داده‌اند. سرویس خارجی روزنامه اطلاعات شرح این خبر را که در بسیاری

از مراکز مهم خبری جهان انعکاس داشت، اینگونه گزارش کرده است:

«ارتش عراق به دستور حیدرالعبادی، نخست وزیر این کشور با ورود به استان کرکوک از سه محور با کنترل مناطق مهم و حیاتی این استان از جمله فرودگاه، پایگاه‌ها، پمپ‌ها و چاه‌های نفتی، کنترل کامل شهر کرکوک مرکز این استان را در کمتر از ۲۰ ساعت به طور کامل به دست گرفت و در میان استقبال مردمی وارد مرکز این شهر شد.

در همین رابطه، خبری غیر از در:کنند:حیدرالعبادی، نخست وزیر عراق سرانجام پس از کارشکنی مقامات اقلیم کردستان این کشور و ناآرامی تلاش‌های سیاسی برای حل مسالمت آمیز تنش‌ها، و از طرفی، پایان حربه الاجل ۷۲ ساعته به مقامات کردستان این کشور برای لغو نتایج همه‌پرسی، دستور لشکر کشی ارتش و نیروهای عراقی برای ورود به مناطق مورد مناقشه با اقلیم کردستان عراق را صادر کرد و متعاقب آن، نیروهای عراقی با صدها دستگاه رزه پوش، مناطق مهم و حیاتی از جمله فرودگاه، جاهای نفت، پایگاه‌های نظامی و تاسیسات مهم این استان و همچنین کنترل شهر کرکوک را در همان ساعات اولیه به دست گرفتند. طبق دستور حیدرالعبادی، نیروهای امنیتی عراق وظیفه دارند کنترل و امنیت پایگاه‌های نظامی، جاهای نفتی و گازی و تأسیسات متعلق به دولت مرکزی را تأمین و تضمین کنند.نخست‌وزیر و فرمانده نیروهای مسلح عراق همچنین با یک پیام توییتری این گروه‌ها خبر عمل کننده در کرکوک خواست تا امنیت شهر کرکوک را تا کمک مردم شهر و نیروهای پیشمرگه «که دهه‌ها در این منطقه، به‌عنوان پیشمرگین تصریح کرد: در کرکوک تنها به تکلیفی که قانون اساسی بر دوشمان نهاده است، عمل می‌کنیم. نخست‌وزیر و فرمانده کل نیروهای مسلح عراق همچنین از پلیس محلی و سرویس‌های اطلاعاتی کرکوک خواست تا از جان و مال شهروندان عراق دفاع کنند و با هوشیاری بالا مانع هرگونه فتنه‌انگیزی میان مردم و ساکنان این استان شوند.»حیدرالعبادی، همچنین طی حکمی، «راکاب‌الجبوری، ناز مقامات شیعه عراق را به سمت استاندار جدید کرکوک، که انتخاب کرد:دی‌مجمین به نیروهای عراقی دستور داد تا پرچم عراق را در تمامی مناطق به کنترل درآمده برافرازند.

منابع امنیتی همچنین از فرار گسترده نیروهای پیشمرگه از موضوع خود در جنوب کرکوک به سمت اقلیم کردستان عراق خبر دادند. از سوی دیگر برخی منابع گفتند: بین کردهای پیشمرگه به دلیل فرار گسترده آنها از میدان، درگیری‌های پراکنده رخ داده است و برخی از این پیشمرگه‌ها بازداشت شده‌اند. در همین حال، «سموعه بارزانی»، رئیس اقلیم کردستان عراق در اولین واکنش رسمی پس از درگیری‌های اخیر در کرکوک با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: پیشروی نیروهای عراقی در کرکوک به دلیل «خیانیت، برخی از پیشمرگه‌ها متحقق شده‌است.

فرمانده کل نیروهای پیشمرگه نیز، اتحادیه میهنی کردستان را به خیانت متهم کرد. در همین حال، تسلط نیروهای ارتش عراق بر استان کرکوک موجب حمله رسانه‌های اتحادیه میهنی کردستان عراق و حزب دموکرات کردستان عراق به همدیگر شد.درشانه‌های حزب دموکرات کردستان عراق نیروهای اتحادیه میهنی را متهم به توافق با دولت مرکزی و خیانت به کرکوک می‌کنند. در مقابل رسانه‌های اتحادیه میهنی کردستان عراق نیز اقدامات جدید کرکوک را به دلیل «خیانت، برخی از جنگ افروزی ذکر کردند».

نکاتی را درباره آینده‌نگری اقلیم کردستان عراق به اختصار می‌توان نقد و بررسی کرد:

۱-قبل و بعد از کنترل کرکوک از سوی ارتش عراق، همه طرف‌های درگیر از سقوط بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق و دولت مرکزی عراق خوانده‌اند. متفکران برای یافتن راه‌حل مسالمت‌آمیز اختلاف شدند. دولت‌های ایران، ترکیه، مصر، آمریکا و روسیه دوطرف را به اجتناب از جنگ فرار خواندند.درحالی‌که دولت اسرائیل و سموعی‌ها از وقوع جنگ جدید در عراق، خرسازی و تبلیغ سیاسی می‌کردند. اگرچه سموعه بارزانی خود را خوانده مذکور با دولت عراق در بغداد معرفی می‌کرد، اما این گفتگو را به شرط پذیرش نتیجه همه‌پرسی برای استقلال اقلیم در بغداد منوط کرده بود. در مقابل «حیدر العبادی» نخست‌وزیر عراق هرگونه مذاکره را مشروط به لغو همه‌پرسی کرد.فراتوانی بارزانی اعلام کرد: نیروهای تهدید بود که در مقابل ارتش عراق برای ورود به کرکوک ایستادگی خواهد کرد اما، اکنون ارتش عراق کنترل کامل کرکوک را در اختیار گرفته است. این حرکت معادله تقابل نظامی پیشمرگه با ارتش عراق را به ریخته است و شکاف در میان گروه‌های کرد عراقی نرنامه‌ریزی نظامی بارزانی را بهم ریخته است. حداقل پنج گروه مسلح کرد در کردستان عراق را می‌توان نام برد که سه گروه از آنها مخالف نظر جنگی و جدایی اقلیم را بغداد هستند. اما با این حساب بارزانی برای برداشتن گام بعدی مشکلات پیش‌رو و جدیدی پیدا کرده‌است.

۲-اجتناب از جنگ، در صورت دولت مرکزی عراق و همه مردم این کشور اعم از عرب، کرد، ترکمان و… است. دولت اقلیم کردستان، مردم مسیر طرخی بارزانی را زایناتیر می‌شمارند. اما آینده باید انتخابات جدید برای تعیین رئیس جدید اقلیم کردستان باشد. بارزانی فعلا اعلام کرده است که از انتخابات آینده شرکت نخواهد کرد. اما معلوم نیست اساساً انتخابات آینده نزدیک انجام پذیرد. با استقرار ارتش عراق در کرکوک، بسیاری در اعتدالات در حد جنگی در روابط گروه‌های عراقی کرد عراقی بهم ریخته است. خطر شعله‌ور شدن حمله همچنان در این منطقه باقی است. نماینده آمریکا در عراق، دو طرف را به آرامش و آغاز گفتگو برای یافتن راه حل مسالمت‌آمیز دعوت کرده است. در حالی که گروه‌های وهابی و رزمی اقلیم کردستان بسته یا محدود شده است پس‌اززهای انجام همه‌پرسی همچنان ادامه دارد. در کرکوک در اختیار ارتش عراق قرار گرفت اما هنوز راه‌حل روشنی برای پایان بحث‌ها و ماجرا دیده نمی‌شود. فرار کردن از اجتناب از جنگ هستند اما خطر آن همچنان دیده می‌شود. آینده نزدیک نشان خواهد داد مسیر این بحران به کجا هدایت خواهد شد.

## تخصیص ۶میلیارد و ۳۰۰میلیون دلار

## برای زیرساخت‌های آب

از سیاست درست است که ما در تعامل با جهان پیش

گرفته‌ایم.

نویخت با اشاره به این که ۸ میلیون و ۸۷۰ هزار

تن گندم از گندمکاران خریداری شده‌است، گفت: این مقدار بین ۱۱ هزار و ۵۵۱ میلیارد تومان بوده که تا اسینن لحظه ۸ هزار و ۵۲۵ میلیارد تومانش پرداخت شده‌است و مابقی هم پرداخت خواهد شد.

**رشد اقتصادی بدون نفت**

وی در ادامه، با بیان این که همه دولت درگیر موضوع ایجاد رونق اقتصادی است، گفت: می‌توانیم با فعال کردن طرح‌های عمرانی و واگذاری بخش‌های دولتی به خصوصی، چرخ اقتصاد را بچرخانیم و در این زمینه در شش ماهه نخست سال رشد اقتصادی بدون نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.

وی افزود: وقتی ما اعلام می‌کنیم نرخ رشد

اقتصاد ما چقدر است، عده‌ای در داخل می‌گویند این مقدار بر اساس فروش نفت است، ما اگر این حرف‌ها را از زبان خارجی‌ها می‌شنیدیم می‌کرد اما از هموطنان عزیزه که از نظر سیاسی با دولت زاویه دارند، انتظار نداریم که با بهتر شدن وضع مردم، خصمدار

نفت، مثبت ۷ درصد بود.



## اخبار داخلی



# لاریجانی: ایران بر نامه‌ای مدون برای ادامه فعالیت‌های هسته‌ای دارد



در مقطع فعلی به عنوان یک کشور درسراساز شناخته

می‌شوند، گفت: فقط ایران با آمریکا مشکل ندارد.

کشورهای دیگر هم معتقدند آمریکا رفتار خوبی با آنها نداشته‌است.

«**ترامپ خوشه‌شکنی کم تجربه**

» رئیس مجلس با اشاره به این که قبول دارم از زمانی

که ترامپ بر سرکار آمده‌است با نوع صحبت‌هایی که

مطرح می‌کند ، باعث ایجاد مساله‌ای در جهان می‌شود،

مذاکرات با روسای پارلمان‌ها متوجه شدم آمریکایی‌ها

**کمک ۱۰میلیارد ریالی وهبر معظم انقلاب**

**به آوارگان میانمار**

در پی نامه رئیس و نماینده ولی‌فقیه در جمعیت هلال احمر به رهبر

معظم انقلاب اسلامی در باره شرایط وخیم مسلمانان رویتگیها در اثر حوادث فاجعه‌آمیز میانمار، حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای مبلغ ۱۰میلیارد ریال به‌عنوان کمک

به آوارگان معلول و بی‌پناه میانمار اختصاص دادند.

در نامه رئیس و نماینده ولی‌فقیه در جمعیت هلال احمر به رهبر انقلاب

اسلامی، با اشاره به فاجعه انسانی در میانمار و آوارگی صدها هزار نفر از مردم

مسلمان، اقدامات و کمک‌های جمعیت هلال احمر در امدادرسانی به آوارگان

گزارش شده بود.

## حضور امیر سیاری در کنفرانس قدرت‌های دریایی مدیترانه؛ ایتالیا

نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در برقراری امنیت در خلیج عدن و مقابله با زردان دریایی اشاره به سخنان ضد ایرانی دونالد ترامپ گفت: نخست‌ان ناپردخانه رئیس جمهوری آمریکا تغییری در نام خلیج همیشه فارس ایجاد نمی‌کند. وی بیان کرد: «عمل می‌کنیم. نخست‌وزیر و فرمانده کل نیروهای ارتش با هر برقراری امنیت در خلیج عدن و مقابله با زردان دریایی اشاره به سخنان ضد ایرانی دونالد ترامپ دیداره خلیج فارس مورد خلیج همیشه فارس استفاده کرده است. ترامپ از کم فهمی و بی دانشی او نسبت به تاریخ است چرا که نام خلیج همیشه فارس در سوابق تاریخی و اسناد بسیار زیادی وجود دارد و سخنان وی تغییری در آن حاصل نمی‌کند.

از افزود: اگر جمع بندی مناسب از صحبت‌های رئیس جمهوری آمریکا آن چیزی بود که ما در دو شب پیش شنیدیم واقعاً جای شرمندگی است، او از مدت‌ها قبل اعلام کرده بود که در حال بررسی موضوع و راهبردهای واشنگتن درقبال جمهوری اسلامی ایران است.

ملت آمریکا بهتر است رئیس جمهوری خود را به کلاس تاریخ و جغرافیا بفراستد تا ترامپ بتواند که در شأن یک رئیس جمهوری صحبت کند. صحبت‌های او کاملاً ناپردخانه بود.

وی سپس با اشاره به سفر خود به این منطقه نوشت: ما از طرف نیروی دریایی ایتالیا به عنوان مهمان ویژه برای شرکت در بازدیدهمین همایش دریایی منطقه‌ای که در شهر ونیز در شمال ایتالیا برگزار می‌شود، دعوت ایمیم و در روزهای آینده، دعوت است و در این سفر قدرت دریایی و تجربیات

معاون وزیر امور خارجه در صفحه توییتر خود نوشت:

جنگ طلبان اعتراق می‌کنند که بیشتر از نقض برجام، از پایبندی ما به این

توافق نگران هستند. وی با اشاره به این که هیچ تغییر موضع و چرخشی این موضوع را

پنهان نخواهد کرد، افزود: آمریکا باید تلاش کند تا همچون ما به برجام

ببایندد.باشند.

کوکرب با بیان این که تلاش کرده

تا رویایی‌ها را بمقتاعد کند گزارشهای

افراد ایران چندان هم به نیست،

خود سعی کردم به آنها نیمه پر لیوان

را نشان دهم و این که ترامپ از

برجام خوار شده‌است.

این ستاندار اتحادیه جمهوریخواه،

اقدامات کنونی در کانگسفید را

مخارج شرکت‌مان برای حفظ توافق

تایید کردم، به همین دلیل من

انتیفا ما ناامیر به واشنگتن خواهم

برای تمام اعضای دولت و کنگره

آمریکا دیدار کنم.

همچنین وزیر امور خارجه ژاپن

در تماس تلفنی با دکتر محمود

طریف وزیر امور خارجه جمهوری

اسلامی ایران، حیران توکیو در برجام

و اعلام بر لزوم پایبندی همه

اطلاعات مالی و تروریسم ۴ هدف

را ترویج داده و «از تروریسم حمایت

کنند» را نیز هدف تبدیل کرده‌است.

او همچنین به تهاجم ایران در







## تمامی شهر ها امسال زیر پوشش نسل ۳ و ۴ تلفن همراه قرار می گیرند

پوشش شبکه نسل های س و چهار همراه اول در همه شهرهای کشور تا پایان امسال تکمیل می شود.

به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، مدیرعامل همراه اول در نشست تخصصی افزایش ۲/۵ برابری ICTدر برنامه ششم توسعه گفت: به ارائه توضیحاتی درباره سرمایه گذاری های صورت گرفته در همراه اول پرداخت و اظهار داشت: متأسفانه در درآمدهای ایجاد شده تناسب چندانای با حجم سرمایه‌گذاری‌ها ندارد و اگر قرار باشد به افزایش ۲/۵ برابری باز برسیم نیاز به سرمایه‌گذاری هزار میلیارد تومانی است.
وی با اشاره به بیان اینکه با توجه به رشد صنعت مخابرات و استفاده از سیستم های هوشمند در بخش های مختلفی مانند صنعت برق امکان صرفه جویی چشمگیر وجود دارد، گفت: به عنوان مثال در حوزه برق این امکان وجود دارد که با هوشمندسازی، حدود دو تا سه میلیارد تومان صرفه جویی کنیم و این هزینه به جای اینکه صرف توسعه نیروگاه‌ها شود، در بخش ICTمصرف شود.
وی با اشاره به سرمایه‌گذاری‌هایی که در کشور برای مختلف صورت می‌گیرد، گفت: چنین با جمعیتی معادل ۱/۴ میلیارد نفر از یک میلیون و ۷۵۰هزار سالت 4G دارد که اگر با این رقم قیاس کنیم تعداد سایت های ما هم باید به ۱۰۰هزار عدد برسد.
مدیرعامل شرکت ارتباطات سیارایران ادامه داد باید توجه داشت

## اجرای طرح کاداستر در یک میلیون هکتار اراضی منابع طبیعی استان تهران

یک میلیون و ۳۸ هزار هکتار از اراضی منابع طبیعی این استان در برنامه ششم زیر پوشش طرح کاداستر قرار خواهد گرفت.
حسن رحانی سرپرست معاونت حفاظت و امور اراضی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران با اعلام این مطلب افزود: اجرای این طرح برای امسال حدود ۱۲۴ هزار هکتار بیش بینی شده است که در صورت تأمین و تخصیص اعتبار به مرحله اجرا در می‌آید.
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران، وی اظهار داشت: با اجرای طرح کاداستر اراضی منابع طبیعی، نقشه‌های این اراضی از حیث ابعاد، مساحت و موقعیت تدقیق شده و با پیوست و ضمیمه‌شدن اطلاعات حقوقی (توصیفی) در سامانه کاداستر جامعی‌ای به ثبت می‌شود که در نهایت منتج به صدور اسناد کاداستری (تک برگی) خواهد شد.رحانی با اشاره به اینکه تاکنون برای حدود ۹۷ درصد اراضی ملی استان تهران سند مالکیت به نام دولت صادر شده است، تصریح کرد: برای طرح کاداستر اسناد مأخوذه این اراضی تبدیل به اسناد تک برگ‌ی می‌شود.

## کمیته امداد امام (ره) خواستار ساماندهی و حذف یارانه نقدی شد

کمیته امداد امام خمینی (ره) خواستار واپساری مسئولیت ساماندهی و حذف یارانه نقدی از دولت شد.
مهندس سپهرپور فلاح رئیس کمیته امداد امام خمینی(ره) که دیروز در جلسه صبحانه مشترک کاری با فعالان اقتصادی در نشست هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، معادن و صنایع ایران سخن می گفت، با اعلام این درخواست ضمن تأکید بر اینکه یارانه ملز به فقر باید به صورت ریشه‌ای وارد عمل شد، گفت: به طریقه محروم و فقیر نباید به چشم آسیب نگاه کرد؛ چراکه برخی از این فقرا نیاز هستند ولی درگیر فقر شده‌اند.

وی به موضوع یارانه های نقدی اشاره کرد و گفت: به آقای روحانی گفتم از چه می‌ترسید که یارانه‌ها را قطع نمی‌کنند، لابد که رای گرفته‌اید و بود بعدی ریاست جمهوری هم که نسبت به مسئولیت قطع یارانه‌ها را می‌پذیرد، بگذارید فحش آن را به من بدهند. کارهای بزرگ انجام دادن سختی هم دارد: به رئیس جمهوری گفتم شما بگویید هرکسی نیازمند است به کمیته امداد بردد، به سرسی می‌کنیم،رئیس کمیته امداد با اشاره به اینکه ۴۰ هزار میلیارد تومان پول را سالانه به عنوان یارانه پرداخت می کنند، گفت: کمیته امداد خمینی(ره) دیگر آن کمیته امداد قدیمی نیست که نان و آرد را بین مردم توزیع کند!ما همچنین به یارانه بیمه سلامت هم ترفیق و خود برای افراد تحت پوشش، بیمه تفریح کرده و دفترچه بیمه داده ایم! این در حالی است که ریه پشیم تحت پوشش، بیش از ۶ نفر حامی دارودی با بیان اینکه ما فراترچاهی عمل می کنیم، گفت: افراد تحت پوشش ما شیعه و سنی هستند و مذهب برای ما مهم نیست، ما فرامدیمی عمل می کنیم؛ ضمن اینکه ما ظرف مدت ۳ سال قرار بر این است که همه افراد تحت پوشش خانه دار شوند؛ البته اگر توانیم در کشور این افراد را خانه دار کنیم، باید مدارک مدارک اجتماعی خود را بپاره کنیم؛ این کار هم دشنی است، به سه سال هم در جهت تحصیلکردن عمران هستم و این کار را ساماندهی خواهم کرد.

فتاح با اشاره به حذف فقیقک اظهار داشت: شرکتی داریم که دو سال قبل به آن نقد نیاز کار خود را آغاز کرده است، این در حالی است که اکنون این شرکت ده هزار کارمند دارد.

شایان ذکر است: دیروز تفاهنامه همکاری کمیته امداد امام خمینی(ره) با اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران با موضوع "طرح رفع سوءتفاهیم کودکان نیازمند زیر سال ۶" به امضاء دو نهاد رسید. پیش از این هم دو نهاد مدعوقد برای واگذاری مسئولیت اداره بیمارستان زکاتان را به اتاق بازرگانی تهران به توافق رسیده بودند.

مهندس مسعود ابراهیمی رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران هم اعلام کرد: قصد داریم با تجهیز و نوسازی بیمارستان زکاتان، این مرکز درمانی به جنوب شرق تهران را به مجهزترین بیمارستان تخصصی پایتخت تبدیل کنیم.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای

تهران گفت: براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، حداکثر تا چهار سال آینده تمامی ساخت‌وسازهای غیرمجاز در بستر رودخانه‌های تهران

تخریب می‌شود. رودخانه‌های تهران

به گزارش ایسنا، محمدرضا

بختیار در حاشیه سیزدهمین

نمایشگاه بین‌المللی آب در نشست

خبریی بیان اینکه رودخانه‌های تهران،

مستویترین نادره و همه مستویترین

هتل برعهده محیط زیست است.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران

توجه به فلسفه کاربرد استاندارد منجر به مقابله با

هرگونه فساد رانت خورای و قانون گریزی می شود.

این مطلب را دکتر استانداردهای گنجیگری معاون اول رئیس جمهوری دیروز در همایش روز ملی استاندارد که با حضور شماری زار از صنعتگران در سالن اجلاس سران کشورهای غیر متعهد برابر با رشد، اعلام کرد.
همایش مذکور از سوی سازمان ملی استاندارد ایران به منظور تبجلیل از صنعتگرانی برگزار شد که در طول سال گذشته تلاش زیادی برای رعایت استانداردها در محصولات خود داشتند. در همایش امسال به نمایندگان ۹ واحد و شرکت تولیدی نمونه که موفق به اخذ همه الزامات استاندارد در تولید محصولاتشان شده بودند، لوح تقدیر اهدا شد.

معاون اول رئیس جمهوری در این همایش با اشاره به اینکه رمز و راز بقا و استمرار حیات بنگاه های تولیدی حضور در بازارهای ملی و المملی و در فضای رقابتی است، گفت: بنگاه های تولیدی برای حضور قدرتمند در بازارهای داخلی کشور نیازمند تولید محصولات قابل رقابت هستند. زیرا بازار امروز کشور بازاری ازبوه و انحصاری نیست که بتوان هر کالایی را با هر قیمت و کیفیت عرضه کرد و مردم مجبور به خرید آن باشند.

وی با اشاره اینکه اگر تولیدات بهتر و فضا مطلوب تر شود در سال های آینده قادر خواهیم بود اقتصاد کشور را از صادرات محصولات غیر نفتی اداره کنیم، اظهار داشت: در دو سال گذشته تراز تجاری کشور مثبت بوده و میزان صادرات غیر نفتی از واردات بیشتر بوده؛البته ممکن است در شرایط این تراز معکوس شود اما باید به دوره ای برسیم که تجارت منهای فتن خام مان شرایط مثبت داشته باشد.

دکتر جهانگیری با بیان اینکه شرایط اقتصادی کشور امروز در مسیر صحیحی قرار گرفته است، در برخی تفکدها که با بررسی وضع چند بنگاه اداره شده و فضای اقتصادی کشور بسیار نشان داده می شود، انتقاد کرد و گفت: متأسفانه در فضای رسانه‌ ای تفکدها با این نگه بیان می‌شود و پس از چند چند خبر درباره چند بنگاه اقتصادی نتیجه‌گیری می‌کنند که وضع صنعت بهم ریخته یا اقتصاد کشور از ریم رفته است در حالی که در ایران چندصد هزار بنگاه صنعتی مشغول فعالیت هستند.وی افزود: در همه کشورهای پیشرفته هم شاهد ورشکستگی برخی بنگاه های اقتصادی هستیم، اما کسی نمی گوید که اقتصاد آنها از هم پاشیده و وضع نامطلوبی دارند.

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به اینکه در سالهای گذشته ما مجبور بودیم ۲۲ میلیارد دلار از پول‌های کشور را در کشورهای سیرده گذاریم که با پشتیبانی آن پول ۱۹ میلیارد دلار فاینانس جلب کنیم، اظهار داشت: این اقدامات واقعا عجیب و غریبال پایر بود و خوشبختانه امروز ما فاینانس‌ها را با تنها با یک برک تضمین و ریسک افتادری اخذ می کنیم.

به این واقعیات میزان جذب فاینانس در دولت تدبیر و امید از سوی سوا مل می‌برند، گفت: در حال حاضر ۲۵ میلیارد دلار خط فاینانس جلب شده و چندین میلیارد دلار هم تفاهنامه امضا شده و ما این میزان را تا وقتی که نهایی نشده، اعلام نخواهیم کرد.

دکتر جهانگیری با اشاره به قرارداد ۵ میلیارد دلاری شرکت توتال در زمینه نفت و گاز و تبادل ۴۰ میلیارد

دلاری فناوری میان ایران و شرکت های خارجی گفت: رشد اقتصادی کشور بر اساس گزارش مرکز آمار ۹ درصد و براساس گزارش بانک مرکزی بیش از ۱۲ درصد بوده و اگر کسی به آمراهی مراکز رسمی کشور توجه ندارد، بر اساس گزارش صندوق بین المملی پول بیش از ۱۲ درصد بوده است. البته عده ای این میزان رشد در این کشور را به خاطر افزایش درآمدهای نفتی می دانند، اما در سه ماهه اول امسال هم رشد اقتصادی به عدد ۷۷ درصد رسیده است.

وی ادامه داد: رشد سرمایه گذاری خارجی که سالها منفی بود در سه ماهه چهارم سال ۹۵ به بیش از ۶ درصد و در سه ماهه اول سال ۹۶ به بالای ۷ درصد رسید. درصدم که روند تک رقمی اش تداوم داشته و بر اساس آمراها

معاون اول رئیس جمهوری در این همایش با اشاره به اینکه رمز و راز بقا و استمرار حیات بنگاه های تولیدی حضور در بازارهای ملی و المملی و در فضای رقابتی است، گفت: بنگاه های تولیدی برای حضور قدرتمند در بازارهای داخلی کشور نیازمند تولید محصولات قابل رقابت هستند. زیرا بازار امروز کشور بازاری ازبوه و انحصاری نیست که بتوان هر کالایی را با هر قیمت و کیفیت عرضه کرد و مردم مجبور به خرید آن باشند.

وی با اشاره اینکه اگر تولیدات بهتر و فضا مطلوب تر شود در سال های آینده قادر خواهیم بود اقتصاد کشور را از صادرات محصولات غیر نفتی اداره کنیم، اظهار داشت: در دو سال گذشته تراز تجاری کشور مثبت بوده و میزان صادرات غیر نفتی از واردات بیشتر بوده؛البته ممکن است در شرایط این تراز معکوس شود اما باید به دوره ای برسیم که تجارت منهای فتن خام مان شرایط مثبت داشته باشد.

دکتر جهانگیری با بیان اینکه شرایط اقتصادی کشور امروز در مسیر صحیحی قرار گرفته است، در برخی تفکدها که با بررسی وضع چند بنگاه اداره شده و فضای اقتصادی کشور بسیار نشان داده می شود، انتقاد کرد و گفت: متأسفانه در فضای رسانه‌ ای تفکدها با این نگه بیان می‌شود و پس از چند چند خبر درباره چند بنگاه اقتصادی نتیجه‌گیری می‌کنند که وضع صنعت بهم ریخته یا اقتصاد کشور از ریم رفته است در حالی که در ایران چندصد هزار بنگاه صنعتی مشغول فعالیت هستند.وی افزود: در همه کشورهای پیشرفته هم شاهد ورشکستگی برخی بنگاه های اقتصادی هستیم، اما کسی نمی گوید که اقتصاد آنها از هم پاشیده و وضع نامطلوبی دارند.

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به اینکه در سالهای گذشته ما مجبور بودیم ۲۲ میلیارد دلار از پول‌های کشور را در کشورهای سیرده گذاریم که با پشتیبانی آن پول ۱۹ میلیارد دلار فاینانس جلب کنیم، اظهار داشت: این اقدامات واقعا عجیب و غریبال پایر بود و خوشبختانه امروز ما فاینانس‌ها را با تنها با یک برک تضمین و ریسک افتادری اخذ می کنیم.

به این واقعیات میزان جذب فاینانس در دولت تدبیر و امید از سوی سوا مل می‌برند، گفت: در حال حاضر ۲۵ میلیارد دلار خط فاینانس جلب شده و چندین میلیارد دلار هم تفاهنامه امضا شده و ما این میزان را تا وقتی که نهایی نشده، اعلام نخواهیم کرد.

دکتر جهانگیری با اشاره به قرارداد ۵ میلیارد دلاری شرکت توتال در زمینه نفت و گاز و تبادل ۴۰ میلیارد

### اخبار داخلی

وی با بیان اینکه چندین ماه است که درباره سخنرانی رئیس جمهوری آمریکا تبلیغ می شود که ترابپ استراتژی جدیدی در خصوص ایران بیان خواهد کرد، گفت: افزایش این بود که این سخنان از سوی رئیس جمهوری آمریکا بتواند پیش از اجرایی شدن به لحاظ روانی آثار خود را در اقتصاد ایران بگذارد، اما اینگونه نشد .

معاون اول رئیس جمهوری گفت: ترامپ با بدترین لحن، توهین آمیزترین واژه ها و سبکخیز ترین کلمات علیه ایران صحبت کرد. برخی ها می سخنان می کنند اگر او برجام را پاره کند، قیمت ارز نجومی خواهد شد اما چرا اینگونه نشد و اتفاقی نیفتاد؟ چرا بازار سرمایه که سریع تر از سایر بخش ها از این تحولات متأثر می شود، واکنشی نشان نداد؟ زیرا ملت ایران به آینده امیدوار است.

وی گفت: تفکدهای منفی افرا روز، بومی سازی و توسعه تولید، توسعه واحدهای سی ان جی که سازمان ملی استاندارد هم وارد شده است در دستور کار ما قرار دارد.

شریعتمداری در حاشیه این مراسم با اشاره به زمان

یا شدن سایت ثبت سفارش خودرو به خبرنگاران گفت: تغییرات سایت ثبت سفارش خودرو به هیات دولت ارائه و پس از آن در کمیسیون زیربنایی مطرح شده است و برای باز شدن سایت ثبت سفارش خودرو باید منتظر طی شدن این مسیر باشیم.

همچنین دراین همایش، خاتم مهندس نیره پروروخت معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان ملی استاندارد ایران با اشاره به اهمیت موضوع استاندارد در جهان و ضرورت مدون سازی قوانین برای تولید ارایه خدمات و فرآیندهای تصریح کرد: فعالیت این سازمان به افزایش کیفیت کالا و خدمات تولیدی متتمرکز شده و برای هر حال حاضر بیش از هزار کالای تولید داخل ملزم به رعایت استاندارد هستند.

وی فعالیت های این سازمان در تطبیق استانداردها با صنایع و مراکز مرتبط با انرژی، هوای پاک، غذا و تولیدات رنگینک و بازرسی ها هم به منظور ایمنی و سالم سازی محیط زندگی مردم را برشمرد و گفت: تمام دستگاه ها باید مطابق مصوبات شورایعالی عالی کشور در خصوص تولیدات و نشانان با نظیر نشان "حلال" عمل کنند تا از موازی کاری پرهیز شود.

وی گفت: باید استانداردها را در همه سطوح تصمیم گیری و اجرای

رئیس جمهوری آمریکا تبلیغ می شود که ترابپ استراتژی

جدیدیی در خصوص ایران بیان خواهد کرد، گفت: افزایش این بود که این سخنان از سوی رئیس جمهوری آمریکا بتواند پیش از اجرایی شدن به لحاظ روانی آثار خود را در اقتصاد ایران بگذارد، اما اینگونه نشد .

معاون اول رئیس جمهوری گفت: ترامپ با بدترین لحن، توهین آمیزترین واژه ها و سبکخیز ترین کلمات علیه ایران صحبت کرد. برخی ها می سخنان می کنند اگر او برجام را پاره کند، قیمت ارز نجومی خواهد شد اما چرا اینگونه نشد و اتفاقی نیفتاد؟ چرا بازار سرمایه که سریع تر از سایر بخش ها از این تحولات متأثر می شود، واکنشی نشان نداد؟ زیرا ملت ایران به آینده امیدوار است.

وی گفت: تفکدهای منفی افرا روز، بومی سازی و توسعه تولید، توسعه واحدهای سی ان جی که سازمان ملی استاندارد هم وارد شده است در دستور کار ما قرار دارد.

شریعتمداری در حاشیه این مراسم با اشاره به زمان

یا شدن سایت ثبت سفارش خودرو به خبرنگاران گفت: تغییرات سایت ثبت سفارش خودرو به هیات دولت ارائه و پس از آن در کمیسیون زیربنایی مطرح شده است و برای باز شدن سایت ثبت سفارش خودرو باید منتظر طی شدن این مسیر باشیم.

همچنین دراین همایش، خاتم مهندس نیره پروروخت معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان ملی استاندارد ایران با اشاره به اهمیت موضوع استاندارد در جهان و ضرورت مدون سازی قوانین برای تولید ارایه خدمات و فرآیندهای تصریح کرد: فعالیت این سازمان به افزایش کیفیت کالا و خدمات تولیدی متتمرکز شده و برای هر حال حاضر بیش از هزار کالای تولید داخل ملزم به رعایت استاندارد هستند.

وی فعالیت های این سازمان در تطبیق استانداردها با صنایع و مراکز مرتبط با انرژی، هوای پاک، غذا و تولیدات رنگینک و بازرسی ها هم به منظور ایمنی و سالم سازی محیط زندگی مردم را برشمرد و گفت: تمام دستگاه ها باید مطابق مصوبات شورایعالی عالی کشور در خصوص تولیدات و نشانان با نظیر نشان "حلال" عمل کنند تا از موازی کاری پرهیز شود.

وی گفت: باید استانداردها را در همه سطوح تصمیم گیری و اجرای

رئیس جمهوری آمریکا تبلیغ می شود که ترابپ استراتژی جدیدیی در خصوص ایران بیان خواهد کرد، گفت: افزایش این بود که این سخنان از سوی رئیس جمهوری آمریکا بتواند پیش از اجرایی شدن به لحاظ روانی آثار خود را در اقتصاد ایران بگذارد، اما اینگونه نشد .

معاون اول رئیس جمهوری گفت: ترامپ با بدترین لحن، توهین آمیزترین واژه ها و سبکخیز ترین کلمات علیه ایران صحبت کرد. برخی ها می سخنان می کنند اگر او برجام را پاره کند، قیمت ارز نجومی خواهد شد اما چرا اینگونه نشد و اتفاقی نیفتاد؟ چرا بازار سرمایه که سریع تر از سایر بخش ها از این تحولات متأثر می شود، واکنشی نشان نداد؟ زیرا ملت ایران به آینده امیدوار است.

وی گفت: تفکدهای منفی افرا روز، بومی سازی و توسعه تولید، توسعه واحدهای سی ان جی که سازمان ملی استاندارد هم وارد شده است در دستور کار ما قرار دارد.

شریعتمداری در حاشیه این مراسم با اشاره به زمان یا شدن سایت ثبت سفارش خودرو به خبرنگاران گفت: تغییرات سایت ثبت سفارش خودرو به هیات دولت ارائه و پس از آن در کمیسیون زیربنایی مطرح شده است و برای باز شدن سایت ثبت سفارش خودرو باید منتظر طی شدن این مسیر باشیم.

همچنین دراین همایش، خاتم مهندس نیره پروروخت معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان ملی استاندارد ایران با اشاره به اهمیت موضوع استاندارد در جهان و ضرورت مدون سازی قوانین برای تولید ارایه خدمات و فرآیندهای تصریح کرد: فعالیت این سازمان به افزایش کیفیت کالا و خدمات تولیدی متتمرکز شده و برای هر حال حاضر بیش از هزار کالای تولید داخل ملزم به رعایت استاندارد هستند.

وی فعالیت های این سازمان در تطبیق استانداردها با صنایع و مراکز مرتبط با انرژی، هوای پاک، غذا و تولیدات رنگینک و بازرسی ها هم به منظور ایمنی و سالم سازی محیط زندگی مردم را برشمرد و گفت: تمام دستگاه ها باید مطابق مصوبات شورایعالی عالی کشور در خصوص تولیدات و نشانان با نظیر نشان "حلال" عمل کنند تا از موازی کاری پرهیز شود.

وی گفت: باید استانداردها را در همه سطوح تصمیم گیری و اجرای

## جهانگیری: توجه به استاندارد منجر به مقابله با فساد، رانت خواری و قانون گریزی می شود

وی با بیان اینکه چندین ماه است که درباره سخنرانی رئیس جمهوری آمریکا تبلیغ می شود که ترابپ استراتژی جدیدی در خصوص ایران بیان خواهد کرد، گفت: افزایش این بود که این سخنان از سوی رئیس جمهوری آمریکا بتواند پیش از اجرایی شدن به لحاظ روانی آثار خود را در اقتصاد ایران بگذارد، اما اینگونه نشد .

معاون اول رئیس جمهوری گفت: ترامپ با بدترین لحن، توهین آمیزترین واژه ها و سبکخیز ترین کلمات علیه ایران صحبت کرد. برخی ها می سخنان می کنند اگر او برجام را پاره کند، قیمت ارز نجومی خواهد شد اما چرا اینگونه نشد و اتفاقی نیفتاد؟ چرا بازار سرمایه که سریع تر از سایر بخش ها از این تحولات متأثر می شود، واکنشی نشان نداد؟ زیرا ملت ایران به آینده امیدوار است.

وی گفت: تفکدهای منفی افرا روز، بومی سازی و توسعه تولید، توسعه واحدهای سی ان جی که سازمان ملی استاندارد هم وارد شده است در دستور کار ما قرار دارد.

شریعتمداری در حاشیه این مراسم با اشاره به زمان یا شدن سایت ثبت سفارش خودرو به خبرنگاران گفت: تغییرات سایت ثبت سفارش خودرو به هیات دولت ارائه و پس از آن در کمیسیون زیربنایی مطرح شده است و برای باز شدن سایت ثبت سفارش خودرو باید منتظر طی شدن این مسیر باشیم.

همچنین دراین همایش، خاتم مهندس نیره پروروخت معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان ملی استاندارد ایران با اشاره به اهمیت موضوع استاندارد در جهان و ضرورت مدون سازی قوانین برای تولید ارایه خدمات و فرآیندهای تصریح کرد: فعالیت این سازمان به افزایش کیفیت کالا و خدمات تولیدی متتمرکز شده و برای هر حال حاضر بیش از هزار کالای تولید داخل ملزم به رعایت استاندارد هستند.

وی فعالیت های این سازمان در تطبیق استانداردها با صنایع و مراکز مرتبط با انرژی، هوای پاک، غذا و تولیدات رنگینک و بازرسی ها هم به منظور ایمنی و سالم سازی محیط زندگی مردم را برشمرد و گفت: تمام دستگاه ها باید مطابق مصوبات شورایعالی عالی کشور در خصوص تولیدات و نشانان با نظیر نشان "حلال" عمل کنند تا از موازی کاری پرهیز شود.

وی گفت: باید استانداردها را در همه سطوح تصمیم گیری و اجرای رئیس جمهوری آمریکا تبلیغ می شود که ترابپ استراتژی جدیدیی در خصوص ایران بیان خواهد کرد، گفت: افزایش این بود که این سخنان از سوی رئیس جمهوری آمریکا بتواند پیش از اجرایی شدن به لحاظ روانی آثار خود را در اقتصاد ایران بگذارد، اما اینگونه نشد .

معاون اول رئیس جمهوری گفت: ترامپ با بدترین لحن، توهین آمیزترین واژه ها و سبکخیز ترین کلمات علیه ایران صحبت کرد. برخی ها می سخنان می کنند اگر او برجام را پاره کند، قیمت ارز نجومی خواهد شد اما چرا اینگونه نشد و اتفاقی نیفتاد؟ چرا بازار سرمایه که سریع تر از سایر بخش ها از این تحولات متأثر می شود، واکنشی نشان نداد؟ زیرا ملت ایران به آینده امیدوار است.

وی گفت: تفکدهای منفی افرا روز، بومی سازی و توسعه تولید، توسعه واحدهای سی ان جی که سازمان ملی استاندارد هم وارد شده است در دستور کار ما قرار دارد.

شریعتمداری در حاشیه این مراسم با اشاره به زمان یا شدن سایت ثبت سفارش خودرو به خبرنگاران گفت: تغییرات سایت ثبت سفارش خودرو به هیات دولت ارائه و پس از آن در کمیسیون زیربنایی مطرح شده است و برای باز شدن سایت ثبت سفارش خودرو باید منتظر طی شدن این مسیر باشیم.

همچنین دراین همایش، خاتم مهندس نیره پروروخت معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان ملی استاندارد ایران با اشاره به اهمیت موضوع استاندارد در جهان و ضرورت مدون سازی قوانین برای تولید ارایه خدمات و فرآیندهای تصریح کرد: فعالیت این سازمان به افزایش کیفیت کالا و خدمات تولیدی متتمرکز شده و برای هر حال حاضر بیش از هزار کالای تولید داخل ملزم به رعایت استاندارد هستند.

وی فعالیت های این سازمان در تطبیق استانداردها با صنایع و مراکز مرتبط با انرژی، هوای پاک، غذا و تولیدات رنگینک و بازرسی ها هم به منظور ایمنی و سالم سازی محیط زندگی مردم را برشمرد و گفت: تمام دستگاه ها باید مطابق مصوبات شورایعالی عالی کشور در خصوص تولیدات و نشانان با نظیر نشان "حلال" عمل کنند تا از موازی کاری پرهیز شود.

وی گفت: باید استانداردها را در همه سطوح تصمیم گیری و اجرای رئیس جمهوری آمریکا تبلیغ می شود که ترابپ استراتژی جدیدیی در خصوص ایران بیان خواهد کرد، گفت: افزایش این بود که این سخنان از سوی رئیس جمهوری آمریکا بتواند پیش از اجرایی شدن به لحاظ روانی آثار خود را در اقتصاد ایران بگذارد، اما اینگونه نشد .

معاون اول رئیس جمهوری گفت: ترامپ با بدترین لحن، توهین آمیزترین واژه ها و سبکخیز ترین کلمات علیه ایران صحبت کرد. برخی ها می سخنان می کنند اگر او برجام را پاره کند، قیمت ارز نجومی خواهد شد اما چرا اینگونه نشد و اتفاقی نیفتاد؟ چرا بازار سرمایه که سریع تر از سایر بخش ها از این تحولات متأثر می شود، واکنشی نشان نداد؟ زیرا ملت ایران به آینده امیدوار است.

وی گفت: تفکدهای منفی افرا روز، بومی سازی و توسعه تولید، توسعه واحدهای سی ان جی که سازمان ملی استاندارد هم وارد شده است در دستور کار ما قرار دارد.

شریعتمداری در حاشیه این مراسم با اشاره به زمان یا شدن سایت ثبت سفارش خودرو به خبرنگاران گفت: تغییرات سایت ثبت سفارش خودرو به هیات دولت ارائه و پس از آن در کمیسیون زیربنایی مطرح شده است و برای باز شدن سایت ثبت سفارش خودرو باید منتظر طی شدن این مسیر باشیم.

همچنین دراین همایش، خاتم مهندس نیره پروروخت معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان ملی استاندارد ایران با اشاره به اهمیت موضوع استاندارد در جهان و ضرورت مدون سازی قوانین برای تولید ارایه خدمات و فرآیندهای تصریح کرد: فعالیت این سازمان به افزایش کیفیت کالا و خدمات تولیدی متتمرکز شده و برای هر حال حاضر بیش از هزار کالای تولید داخل ملزم به رعایت استاندارد هستند.

وی فعالیت های این سازمان در تطبیق استانداردها با صنایع و مراکز مرتبط با انرژی، هوای پاک، غذا و تولیدات رنگینک و بازرسی ها هم به منظور ایمنی و سالم سازی محیط زندگی مردم را برشمرد و گفت: تمام دستگاه ها باید مطابق مصوبات شورایعالی عالی کشور در خصوص تولیدات و نشانان با نظیر نشان "حلال" عمل کنند تا از موازی کاری پرهیز شود.

وی گفت: باید استانداردها را در همه سطوح تصمیم گیری و اجرای رئیس جمهوری آمریکا تبلیغ می شود که ترابپ استراتژی جدیدیی در خصوص ایران بیان خواهد کرد، گفت: افزایش این بود که این سخنان از سوی رئیس جمهوری آمریکا بتواند پیش از اجرایی شدن به لحاظ روانی آثار خود را در اقتصاد ایران بگذارد، اما اینگونه نشد .

معاون اول رئیس جمهوری گفت: ترامپ با بدترین لحن، توهین آمیزترین واژه ها و سبکخیز ترین کلمات علیه ایران صحبت کرد. برخی ها می سخنان می کنند اگر او برجام را پاره کند، قیمت ارز نجومی خواهد شد اما چرا اینگونه نشد و اتفاقی نیفتاد؟ چرا بازار سرمایه که سریع تر از سایر بخش ها از این تحولات متأثر می شود، واکنشی نشان نداد؟ زیرا ملت ایران به آینده امیدوار است.

وی گفت: تفکدهای منفی افرا روز، بومی سازی و توسعه تولید، توسعه واحدهای سی ان جی که سازمان ملی استاندارد هم وارد شده است در دستور کار ما قرار دارد.

شریعتمداری در حاشیه این مراسم با اشاره به زمان یا شدن سایت ثبت سفارش خودرو به خبرنگاران گفت: تغییرات سایت ثبت سفارش خودرو به هیات دولت ارائه و پس از آن در کمیسیون زیربنایی مطرح شده است و برای باز شدن سایت ثبت سفارش خودرو باید منتظر طی شدن این مسیر باشیم.

همچنین دراین همایش، خاتم مهندس نیره پروروخت معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان ملی استاندارد ایران با اشاره به اهمیت موضوع استاندارد در جهان و ضرورت مدون سازی قوانین برای تولید ارایه خدمات و فرآیندهای تصریح کرد: فعالیت این سازمان به افزایش کیفیت کالا و خدمات تولیدی متتمرکز شده و برای هر حال حاضر بیش از هزار کالای تولید داخل ملزم به رعایت استاندارد هستند.

وی فعالیت های این سازمان در تطبیق استانداردها با صنایع و مراکز مرتبط با انرژی، هوای پاک، غذا و تولیدات رنگینک و بازرسی ها هم به منظور ایمنی و سالم سازی محیط زندگی مردم را برشمرد و گفت: تمام دستگاه ها باید مطابق مصوبات شورایعالی عالی کشور در خصوص تولیدات و نشانان با نظیر نشان "حلال" عمل کنند تا از موازی کاری پرهیز شود.

<span><span>📄</span></span>	
<p>چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۶ - ۲۷ محرم ۱۴۳۹ - ۱۸ اکتبر ۲۰۱۷ - سال نو د و دم - شماره ۲۸۴۵</p>	

نفت ، طلا ، سکه و ارز	
<b>بازار جهانی</b>	
بر بشکنه نفت سبک آمریکا (وست تکزاس)	۵۱/۹۱دلار
بر بشکنه نفت دریای شمال (برنت)	۵۸/۱۲دلار
متوسط سبک نفت کشورما لوپک	۵۲/۴۲دلار
هر اونس (۳۱/۱ طلا)	۱۲۸۹/۲۰دلار

بازار داخلی	
سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۲۷۰۰۰۰تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۳۰۷۰۰۰تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۶۵۷۰۰تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۷۵۰۰تومان
سکه گرمی	۲۵۲۰۰تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مژد ساخت)	۱۲۳۰۰۰تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۳۳۴/۲تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۲۰۲۰تومان
یورو(نرخ بانکی)	۲۰۳۳/۲تومان
یورو(نرخ آزاد)	۲۷۹۸تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۲۵۷۸/۲تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۵۳۵۰تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۹۲۲/۲تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۹۲۲تومان

اگهی های کوتاه اقتصادی	
<p><b>یارانه نقدی ماه مهر امشب واریز می شود</b></p> <p>یارانه نقدی ماه مهر ساعت ۲۴ امروز به حساب سربزرگان خانوار واریز خواهد شد.</p>	

به گزارش ایسنا، یارانه نقدی که دولت برای ماه مهر واریز می کند، هشتادمین مرحله از پرداخت‌های یارانه‌ای برای توزیع بین خانوارها و ابتدای اجرای قانون هفدهمادی یارانه‌ها است.یارانه نقدی این دوره هم به رول گذشته برای هر خانوار ۲۵هزار و ۵۰۰تومان است. یارانه‌های نقدی هر ماه برای دولت ۱۰ میلیارد تریلیون هزینه به همراه دارد.

**ظرفیت حمل ناوگان ملی دریا ی افزایش می یابد**

با ورود ۱۰ شناور ساخته شده در کره جنوبی، ظرفیت ناوگان ملی به میزان ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت.

احمد شهباز بیگی معاون مالی کشتیرانی جمهوری اسلامی دیروز با بیان این مطلب گفت: فرآیند ورود کشتی های جدید از کره آغاز شده و تاکنون تعدادی از کشتی های سفارش داده شده به کره جنوبی وارد ناوگان ملی دریای ایران شده اند.

**رقابت تولیدکنندگان جهانی طلا و جواهر در جزیره ابیبا،**
صدراعظم گویا گفت: تولیدات داخلی و خارجی از کشورهای ترکیه، ایتالیا، تایلند، هند و هنگ کنگ از اول تا پنجم از زیربناترین و جدیدترین طرح های تولیدی در دو سومین نمایشگاه بین المملی طلا جواهر، نقره و طلا کیم قیمتی و نیمه قیمتی جزیره ششم در معرض دید علاقمندان قرار می دهند.در این نمایشگاه انواع سربرسی های مختلف طلا و جواهر، انواع سنگ های قیمتی، انواع جواهرات، انواع فیروزه ها، دستگه های مدرن تولید داخل طلا و جواهر، انواع شیشه های ضد آلودگی و مقاوم در برابر رزله، انواع دستگه ها و سیستم های حفاظتی، دستگه های جدید ریخته گری، دستگه های پرش و حالت دهنده طلا دستگه های میکرو جوش نقطه ای طلا و جواهرات، دستگه های مدل سازی با حجم تولید بسیار بالا، گروه های دوب طلا، ابزارآلات و دستگه های ساخت زیورآلات در معرض دید علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

### اختصاص ۲۰ هزار میلیارد تومان اعتبار برای اشتغال فراگیر

وزارت صنعت و معدن و جهاد کشاورزی اهمیت دارد این است که با مجموعه افراد شغلسال ۳۷/۷ درصد کارفرما هستند. یعنی تعداد کارفرمایان کم است. همچنین تعداد زیادی از مشاغل خوش‌فرما هستند و بزرگ نمی‌شوند. نسبت بازار کار در زمینه این است که آمار کارفرمایان را راسه ۲۰ درصد افزایش دهد که به گزارش ایسنا، علی ربیعی در جلسه شورای عالی اشتغال با اشاره به آمار اشتغال ایجاد شده در این زمینه گفت: اول اشتغال به طوری که تمام بخش های اشتغال، در آیی‌سی‌ی هم همین‌طور؛ این موارد نشان دهنده یک ظرفیت است.

وی با اشاره به بازار ریزش نیروی کار اظهار داشت: مورد دیگری که تجزیه و تحلیل آماری نشان می دهد، تیزریش و تحلیل آماری نشان می دهد نیروی کار است. در کشور حدود ۲۳۰ هزار ریزش نیروی کار داریم و به توجه به اینکه تولید تمام کشور به ۱۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان است، وقتی شغلی ریزش کند برای ما سخت است. این ساله نشان می‌دهد که باید به سمت تربیت شغل برویم.

ربیعی با بیان اینکه ریزش نیروی کار ما در صنایع بزرگ، است؛ افزود: باید روی اندازه بنگاه و نوع صنعت و جغرافیای تمرکز کنیم و اشتغال برای تیرغلیا باشد. همچنین به عنوان نمونه، صنعت فولاد، به یارانه اشتغال امسال ۲۲۷ هزار درجه‌ای می‌بیمه داشتیم، اما ریزش هم در آن بوده. به یارانه اشتغال امسال ۲۲۷ هزار درجه‌ای می‌بیمه داشتیم، اما ریزش هم در آن بوده. به یارانه اشتغال امسال ۲۲۷ هزار درجه‌ای می‌بیمه داشتیم، اما ریزش هم در آن بوده. به یارانه اشتغال امسال ۲۲۷ هزار درجه‌ای می‌بیمه داشتیم، اما ریزش هم در آن بوده.

وی با اشاره به اهمیت ایجاد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان اظهار داشت: موضوع دیگر این است که فارغ‌التحصیلان کمتر به شغل دست پیدا می کنند. برخلاف تصور عموم افراد که تحصیلات دارند باید بیشتر به شغل مشغول می شوند، این به دلیل انتظار از شغل است که در فارغ‌التحصیلان وجود دارد و جایگاهی شغلی برای فارغ‌التحصیلان به بیشتر</







## اهمیت فردوسی

**بحث حسنین هیکل یا علی جواهر کلام** **فردجواهر کلام**



تاریخ دقیق ملاقات جواهر کلام و هیکل به خاطر نمیست؛ ولی ظاهراً در سالهای دهه ۱۳۳۰ بود؛ زمانی که جمال عبدالناصر با ایران روابط خصمانه نداشت. در آن زمان سبهای جمعه در منزل مجلس روضه‌خوانی ترتیب می‌داد و همه حاضران زن و مرد، جمع می‌شدند، سپس روضه‌خوان می‌آمد. پس از آن صحبت‌های دوستانه شروع می‌شد، باره‌ای اوقات هم در ویشی به‌نام مولوی یا صدای خوش مثنوی می‌خواند.

گاه و بیگاه که مرحوم صبحی مهنّدی می‌آمد، خواندن مثنوی را او انجام می‌داد، به جز او شادروانان صادق سرمد، دکتر شماعی، دکتر غیاث‌الدین جزایری، شهر آشوب شاعر و ترانه‌سرا و عده‌ای از هنرمندان و بسیاری از سرشناسان آن زمان نظیر عبدالرحمن فرامرزی می‌آمدند و از حاضران با جای و شیرینی و مکالمات دوستانه پذیرایی می‌شد.

یک روز خبر دادند که این شب جمعه دکتر حسنین هیکل سردبیر روزنامه مصری الاهرام که به ایران آمده است، به منزل ما می‌آید. شب موود فرا رسید، مهمان‌ها همه آمدند و چشم‌به‌راه ورود حسنین هیکل شدند، تا آنکه خبر دادند مهمان محترم به اتفاق دو نفر دیگر رسیده است. پدر

به احترام وی به سوسی در ورودی منزل شستافت، من هم به دنبالش. مردی ظریف با چهره‌ای جذاب و خندان، شکیبوش و بسیار آراسته، همراه دو نفر دیگر، به محض مشاهده پدر، با لهجه عربی گفت: «سلام علیکم، احوال شما ای دوست».

مصافحه کردند، بعد هم‌اهاش را معرفی کرد. آنگاه از همان آستان در، هر که را دید، با او سلام و علیک کرد و دست داد، بسیار خودمانی، فروتن، با حرکات و رفتاری موزون و موقر، به طوری که توجه هر کس را به خود جلب می‌کرد. به همین ترتیب خوش و بش کان وارد اتاق پذیرایی شد. ظاهراً این بار دوم بود که با پدرم ملاقات می‌کرد؛ فارسی را شکسته بسته و به لهجه عربی حرف می‌زد؛ در همان آغاز صحبتش چند شعر هم از سعدی خواند. پدر به او خوشامد گفت و با جای و قهوه از وی پذیرایی

شد. آنگاه هیکل از جیب خود قوطی سیگار زیبایی را آورد، یک سیگار برگ از آن بیرون کشید و روشن کرد. بوی عطر لایمی از دود سیگارش فضای اتاق را پر کرد. چند یک به سیگار زد. بعد خواهش کرد حاضران در مجلس را معرفی کنند تا با او صحبت را به آنها باز کنند.



هیکل سخنان خود را به زحمت اول به فارسی می‌گفت و هنگامی که به اصطلاح عامیانه کم می‌آورد و گیر می‌کرد، به انگلیسی و عربی می‌گفت و بعد به چهره پدر نگاه می‌کرد که ترجمه کند. پدر هم پرسش‌های حاضران را به عربی و انگلیسی برای او تشریح می‌کرد تا شاهدان حاضران پرسش‌و پاسخ‌ها را خوب درک کرده باشند.

هیکل شروع کرد به پرسش از آثار باستانی ایران: تخت جمشید، طاقستان، شوش، کرمان، یزد و غیره. اظهار تمایل می‌کرد که بتواند آثار فراخ بال همه اینچاه را ببیند و خیلی هم از شکوه و جلال این آثار ستایش کرد.

سپس به سراغ آثار باستانی مصر رفت و داد سخن می‌داد که:

–بله، اهرام مصر پنج هزار سال پیش ساخته شد، شاهکار علم و هنر و معماری است… الان با همه امکانات صنعتی نمی‌توانند مانند آن را بسازند. ما پنج هزار سال پیش بی‌وسيله آن را ساختیم… درون آن سراسر اعجاب و شگفتی است… اما آثار با شکوهی دارد؛ دره شاهان، معبد ابوسمبل… ما در آن دوران در علم پزشکی پیشرفت‌های شگفت‌انگیزی داشتیم؛ جراحی مغز انجام می‌دادیم…

ظاهراً حرف‌های هیکل به حاضران گران آمده بود. جوان روزنامه‌نگار سخنان او را قطع کرد و به پدر گفت: «استاد، آقا همه پیشرفت‌های مصر باستان را به‌حساب خودشان می‌گذاراد؛ حاضران خندیدند و گفتند: «همین طور است… مصری‌ها که قبطی بودند، دره شاهان، معبد ابوسمبل… ما گفت: «مولانا پس شما با این همه پیشرفت‌ها چطور شد که کلهم اجمعین عرب شدید و زبان مادری‌تان عربی شد؟»

هیکل بدون کج چکرتن درنگ پاسخ داد: «برای اینکه ما یکی مثل فردوسی نداشتیم… اگر ما هم مثل شما فردوسی داشتیم… الان زبان ما عربی نبود… فردوسی به شما زبان مادری، غرور ملی و همه چی داد… اگر آن نبود… شما هم الان طوطی پاره‌د و گفت: «مهرچا»

سکوتی سنگین و با شکوه بر مجلس حکمفرما شد و همه حاضران با چهره‌های گشاده با تمجید و تحسین اسبابی هیکل را برانداخت می‌کردند. یکی از حاضران طاق‌ت پاره‌د و گفت: «استاد، هر چه می‌خواهی»

باز سکوت برقرار شد. هیکل تبدیل شده بود به یک فرمان باگذشت و بی‌طرف می‌شد. برانجام پدر سکوت را شکسته گفت: Tanks Your Excellency

و متشکرمان عالیجناب، و به همین کیش کرد. در حقیقت این تشکری بود از جانب همه حاضران در مجلس و حتی تمام ملت ایران.

«خاطرات علی جواهر کلام» (با تلخیص)

**درآمد**
مولانا جلال‌الدین محمدبی‌گمان سرآمد عارفان ایران‌زمین است و آثار جاودانش به‌ویژه مثنوی معنوی گنجینهٔ عظیم و بی‌بدیل معارف الهی و دقائق عرفانی، به‌رغم این تمرکز و استراق دل و الهیات و مباحث عرفانی، مولانا از توجه و پرداختن به دیگر موضوعات نیز غافل نمانده است؛ تا آنجا که کمتر مسئله‌ای در زمینهٔ مسائل و مباحث گوناگون انسانی مخصوصاً در حیطهٔ خدشناسی و کشف و دریافت ناشناخته‌ها و ناپیداهای روح آدمی می‌توان یافت که از نگاه ژرف‌کاو و تیزبین وی دور و مغفول مانده باشد.

در این نوشتار بر آنیم تا به بررسی یکی از این مباحث که با انسان‌شناسی و نیز دانش و حِرَف سیاسیات از تاطبیی تنگاتنگ دارد، بپردازیم: قدرت و آسیب‌های ناشی از آن.

در حاشیهٔ این موضوع اصلی و محسوری، از دو مسئله بسیار مهم دیگر نیز که با موضوع قدرت دارای روابط بسیار نزدیک و مناسبات متقابل و درهم تنیده‌ای است، به‌عنوان مقدمه و زمینهٔ بحث، سخن خواهد رفت: شهرت جویی و جاه‌طلبی، ضمناً در جای‌جای مقاله به بررسی نقش بسیار مؤثر و تعیین‌کنندهٔ ستایشگری (مدح) ناپاجا در ایجاد و تقویت خودپرستی و روحیهٔ غرور و تفرعن در ارباب قدرت پرداخته خواهد شد:

**۱-شهرت‌جویی**
دشمن طاووس آمد پُر او
ای بسا شه را بکشته فرّ او

از نظر مولانا شهرت‌طلبی و نام‌جویی از جملهٔ موانع اساسی آسایش و آرامش آدمی و در بسیاری از موارد، ریشه و منشأ عمدهٔ مصیبت‌ها و گرفتاری‌های اوست. از این‌رو، شگفت نیست که وی از شهرت یا به تعبیر او «اشتهار» به «بندی آهنین» تعبیر می‌کند که دست و بال طالب شهرت را می‌بندد و سد راه خوشبختی و پیشرویی و مانع نجات و سسداد او می‌شود تا آنجا که برای رهایی از آن، باید رنجها و مرارت‌های بسیاری را متحمل شود.

خویش را رنجور سازی زار زار

تا تو را بیرون کنند از اشتهار
کاشتهار خلق، بند محکم است
دشمن طاووس آمد پُر او
ای بسا شه را بکشته فرّ او
(مثنوی، دفتر یکم، ۲۰۸)

از نظر مولانا شهرت‌طلبی و نام‌جویی از جملهٔ موانع اساسی آسایش و آرامش آدمی و در بسیاری از موارد، ریشه و منشأ عمدهٔ مصیبت‌ها و گرفتاری‌های اوست. از این‌رو، شگفت نیست که وی از شهرت یا به تعبیر او «اشتهار» به «بندی آهنین» تعبیر می‌کند که دست و بال طالب شهرت را می‌بندد و سد راه خوشبختی و پیشرویی و مانع نجات و سسداد او می‌شود تا آنجا که برای رهایی از آن، باید رنجها و مرارت‌های بسیاری را متحمل شود.

**۱-۱-اظهار امتیاز و ارائهٔ کوکبهٔ غالی غالباً بالای جان آدمی می‌شود؛**
مولانا در نخستین حکایت مثنوی قصهٔ پادشاه و کنیزک ضمن ابیاتی چند، از مخصصه‌ها و بلایایی یاد می‌کند که خشن شهرت و صاحب امتیاز بر بدن بر سر موجودات مختلف می‌آورد. شگفتنا که هر یک از ابیات مزبور، به تنهایی، تمثیلی مستقل محسوب می‌شود:

ای بسا شه را بکشته فرّ او
گفت: من آن آقوام کر ناکم
ریخت از این صیاد خون صاف من
ای من آن رویاه صحرَا کر کمین
سسر بریدندش برای پوستین
ای من آن پیلسی که زخم بیلان
ریخت خونم از برای استخوان
(همان دفتر: ۱۵۶، ۱۵۵)

ذیلا از برخی از آفات شهرت جویی یاد می‌شود:
۱-۱-اظهار امتیاز و ارائهٔ کوکبهٔ غالی غالباً بالای جان آدمی می‌شود؛
مولانا در نخستین حکایت مثنوی قصهٔ پادشاه و کنیزک ضمن ابیاتی چند، از مخصصه‌ها و بلایایی یاد می‌کند که خشن شهرت و صاحب امتیاز بر بدن بر سر موجودات مختلف می‌آورد. شگفتنا که هر یک از ابیات مزبور، به تنهایی، تمثیلی مستقل محسوب می‌شود:

ای بسا شه را بکشته فرّ او
گفت: من آن آقوام کر ناکم
ریخت از این صیاد خون صاف من
ای من آن رویاه صحرَا کر کمین
سسر بریدندش برای پوستین
ای من آن پیلسی که زخم بیلان
ریخت خونم از برای استخوان
(همان دفتر: ۱۵۶، ۱۵۵)

مولانا در جای دیگری از همان دفتر، اواخر حکایت طوطی و بازگاز آن زبان طوطی رهیده از قفس به انسانها درس گمنامی می‌دهد و آنان را از عرضهٔ هنرها و نمایش امتیازها و برجستگی‌های خود بر سر دیگران:
گفت طوطی: کو به لغلم پند داد
خویشتمن مرده، پی این پند کرد
یعنی‌ای مطرب‌شده‌با عموخاص
مُرشدچونم‌کن که تاپایی خلاص
دانه باشی، مرغکانت برچند
غلجه باشی، کودکانت برکنند
دانه پنهان کن، بکنی دلم دشو
غنجچه پنهان کن، گیاه یام شو
(همان دفتر: ۱۸۴، ۱۸۳)

۲-۱-شهرت موجب برانگیختن رشک و حسد نسبت به صاحب شهرت می‌شود. دلیل این امر کاملاً روشن است: تا زمانی که فردی به هنر و یا فضل و فضیلتی مشهور و انگشت‌نما نشده باشد، کمتر کسی بدو توجه می‌کند و بنابراین، مورد حسدات و بغضی هم قرار نمی‌گیرد؛ ولی به محض اینکه برتری و برجستگی او در دنیای مردم آشکار شود، به‌نگاه دیگران تبدیل شده است.
شکایت‌های هیکل در این باره به این شکل است: «برای اینکه ما یکی مثل فردوسی نداشتیم… اگر ما هم مثل شما فردوسی داشتیم… الان زبان ما عربی نبود… فردوسی به شما زبان مادری، غرور ملی و همه چی داد… اگر آن نبود… شما هم الان طوطی پاره‌د و گفت: «مهرچا»

سکوتی سنگین و با شکوه بر مجلس حکمفرما شد و همه حاضران با چهره‌های گشاده با تمجید و تحسین اسبابی هیکل را برانداخت می‌کردند. یکی از حاضران طاق‌ت پاره‌د و گفت: «استاد، هر چه می‌خواهی»

باز سکوت برقرار شد. هیکل تبدیل شده بود به یک فرمان باگذشت و بی‌طرف می‌شد. برانجام پدر سکوت را شکسته گفت: Tanks Your Excellency

و متشکرمان عالیجناب، و به همین کیش کرد. در حقیقت این تشکری بود از جانب همه حاضران در مجلس و حتی تمام ملت ایران.

«خاطرات علی جواهر کلام» (با تلخیص)

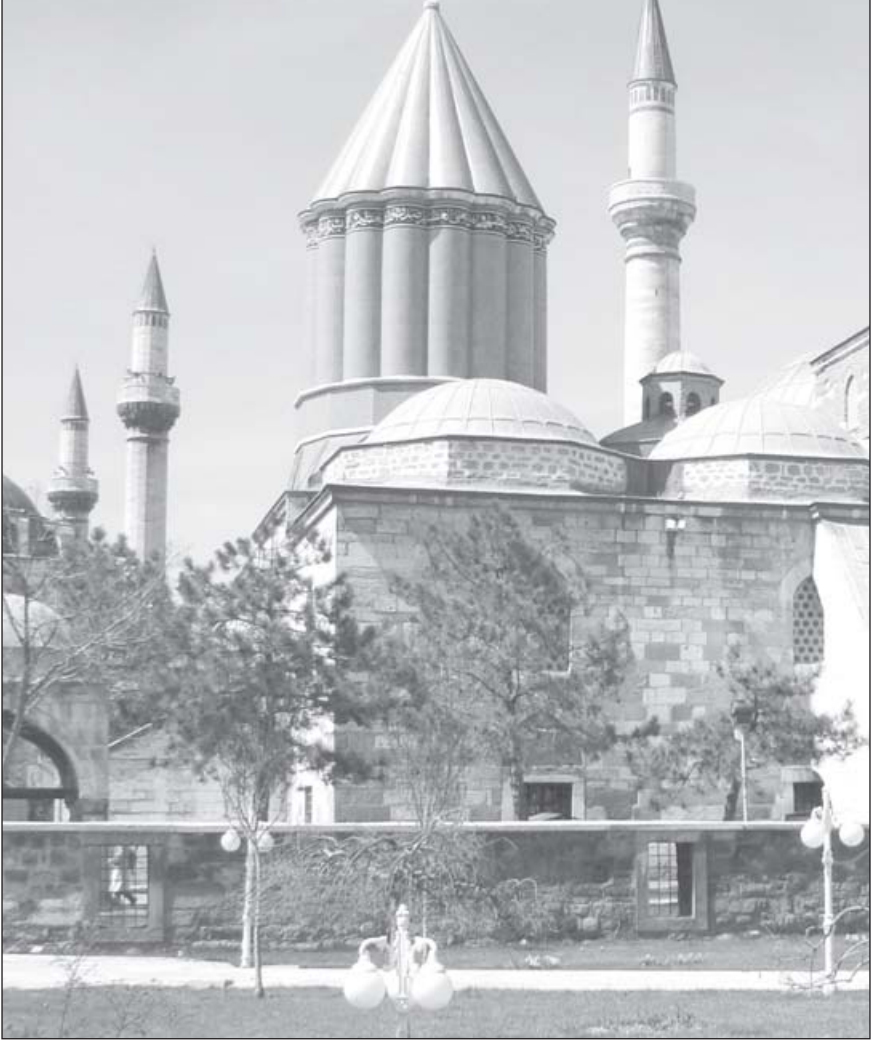
«خاطرات علی جواهر کلام» (با تلخیص)

دشمنی با او و آزاررسانی به وی برمی‌آیند؛ و از آنجا که ارباب فضل و هنر نوعاً نازک دل و زودرنجند، از حسد و بدخواهی دیگران سخت ملول و آزرده‌خاطر می‌شوند و درنتیجه، مقدار زیادی از وقت و توان روحی و جسمی آنها مصروف دفاع از خود و دفع حيله‌گری‌ها و بدگویي‌های حسودان و بدخواهان می‌گردد.

از دیگر سسو، دوستداران و ارادتمندان صاحب شهرت هم، از سرخ‌خواهی و ارادت‌ورزی، خویشتن را موظف و ملزم به تحسین و تمجید او می‌شمارند و اوقات وی را به ستودن ستایش‌ها و احسنت‌گویی‌ها و سپاسگزاری از حقوق محبت وی هدر می‌دهند. افزون بر این، این تحسین‌ها و تمجیدها غالباً در روحیهٔ صاحب

دشمنی با او و آزاررسانی به وی برمی‌آیند؛ و از آنجا که ارباب فضل و هنر نوعاً نازک دل و زودرنجند، از حسد و بدخواهی دیگران سخت ملول و آزرده‌خاطر می‌شوند و درنتیجه، مقدار زیادی از وقت و توان روحی و جسمی آنها مصروف دفاع از خود و دفع حيله‌گری‌ها و بدگویي‌های حسودان و بدخواهان می‌گردد.

از دیگر سسو، دوستداران و ارادتمندان صاحب شهرت هم، از سرخ‌خواهی و ارادت‌ورزی، خویشتن را موظف و ملزم به تحسین و تمجید او می‌شمارند و اوقات وی را به ستودن ستایش‌ها و احسنت‌گویی‌ها و سپاسگزاری از حقوق محبت وی هدر می‌دهند. افزون بر این، این تحسین‌ها و تمجیدها غالباً در روحیهٔ صاحب



شهرت اثر نامطلوبی می‌گذارد و دیر بسا زود، وی را به عجب و تکبر مبتلا می‌سازد. بنابراینچه گفته شد، صاحب شهرت نه تنها از جانب دشمن که از جانب دوست هم، آسیب و زیان می‌بیند (فروزانفر، ۱۳۴۵، ص۷۳، ۷۳۵). مولانا ضمن قصهٔ بازگازان و طوطی، این معنی را با شیوایی تمام بیان کرده است:

دشمنان او را از غیرت می‌دزد
دوستان هم روزگارش می‌برند
(همان دفتر: ۱۸۳۷، ۱۸۳۵)

در دفتر پنجم مثنوی نیز حکایت عبرت‌الکبیر دیگری وجود دارد که کم و بیش متضمن همین معانسات و عنوان طولانی‌اش گویای مخلص آن: «قصهٔ آن حکیم که دید طاووس‌وی را که پر زیبایی خود را می‌کند به منقار، و می‌انداخت و تن خود را کل و زشت می‌کرد. [حکیم] از تعجب پرسید که در رفعت نمی‌آید؟ (طاووس در پاسخش] گفت: [درینم] می‌آید؛ اما پیش من جان از پر عزیزتر است و این عدوی جان من است» (شهرت آفت است پرتخودی‌مکن‌طاووسی‌به‌دشت

گفت: طاووسا، چنین پر سنی
بی‌دریغ از بیخ چون برمی‌کنی؟
خوددل‌ت‌چون‌می‌هدت‌این‌خلل
برکنی، اندرآتش‌اندل و حل؟
… برمکن آن پر که نپذیرد رفو
رویی مخراش از غزای خوبرو
آنچنان‌درویی‌که‌چونش‌ضمضت
آنچنان‌درخ‌راش‌یدن‌خطاست
(دفتر پنجم: ۵۵۹، ۵۳۶)

طاووس پس از فراغت از گریه، حکیم را پاسخی بس شایسته می‌دهد:
آن نمی‌بینی که هر سو صد بلا
سوی منم آید پی ایسن بال‌ها؟

قدیم بر او رشک می‌برند و بر پوستین می‌ایستاده و درصدد

### ایران شناسی

ای بسا صیباد بی‌رحمت مدام
بهر این برها نهد هر سوسم دام
چند تیرانداز بهر بال‌ها
تیر سوی من کشند اندر هوا؟
چون‌ندام زور و ضبط‌خویشتن
زین قضا و زین بلا و زین فتن
آن به آید که شوم زشت و کریه
تا بوم آیم در این کهسار و تیه
(همان دفتر: ۴۶۶، ۴۶۲)

به‌رآنجام جواب‌خود را با بیئی حکیمانه‌حسن ختام می‌بخشد که ضمن آن، زیبایی پرهایش را عامل بروز تکبر و تفرعن و به تبع آن موجب ابتلای به صد بلا و مصیبت

دشمنی با او و آزاررسانی به وی برمی‌آیند؛ و از آنجا که ارباب فضل و هنر نوعاً نازک دل و زودرنجند، از حسد و بدخواهی دیگران سخت ملول و آزرده‌خاطر می‌شوند و درنتیجه، مقدار زیادی از وقت و توان روحی و جسمی آنها مصروف دفاع از خود و دفع حيله‌گری‌ها و بدگویي‌های حسودان و بدخواهان می‌گردد.

از دیگر سسو، دوستداران و ارادتمندان صاحب شهرت هم، از سرخ‌خواهی و ارادت‌ورزی، خویشتن را موظف و ملزم به تحسین و تمجید او می‌شمارند و اوقات وی را به ستودن ستایش‌ها و احسنت‌گویی‌ها و سپاسگزاری از حقوق محبت وی هدر می‌دهند. افزون بر این، این تحسین‌ها و تمجیدها غالباً در روحیهٔ صاحب



شهرت اثر نامطلوبی می‌گذارد و دیر بسا زود، وی را به عجب و تکبر مبتلا می‌سازد. بنابراینچه گفته شد، صاحب شهرت نه تنها از جانب دشمن که از جانب دوست هم، آسیب و زیان می‌بیند (فروزانفر، ۱۳۴۵، ص۷۳، ۷۳۵). مولانا ضمن قصهٔ بازگازان و طوطی، این معنی را با شیوایی تمام بیان کرده است:

دشمنان او را از غیرت می‌دزد
دوستان هم روزگارش می‌برند
(همان دفتر: ۱۸۳۷، ۱۸۳۵)

در دفتر پنجم مثنوی نیز حکایت عبرت‌الکبیر دیگری وجود دارد که کم و بیش متضمن همین معانسات و عنوان طولانی‌اش گویای مخلص آن: «قصهٔ آن حکیم که دید طاووس‌وی را که پر زیبایی خود را می‌کند به منقار، و می‌انداخت و تن خود را کل و زشت می‌کرد. [حکیم] از تعجب پرسید که در رفعت نمی‌آید؟ (طاووس در پاسخش] گفت: [درینم] می‌آید؛ اما پیش من جان از پر عزیزتر است و این عدوی جان من است» (شهرت آفت است پرتخودی‌مکن‌طاووسی‌به‌دشت

گفت: طاووسا، چنین پر سنی
بی‌دریغ از بیخ چون برمی‌کنی؟
خوددل‌ت‌چون‌می‌هدت‌این‌خلل
برکنی، اندرآتش‌اندل و حل؟
… برمکن آن پر که نپذیرد رفو
رویی مخراش از غزای خوبرو
آنچنان‌درویی‌که‌چونش‌ضمضت
آنچنان‌درخ‌راش‌یدن‌خطاست
(دفتر پنجم: ۵۵۹، ۵۳۶)

طاووس پس از فراغت از گریه، حکیم را پاسخی بس شایسته می‌دهد:
آن نمی‌بینی که هر سو صد بلا
سوی منم آید پی ایسن بال‌ها؟

قدیم بر او رشک می‌برند و بر پوستین می‌ایستاده و درصدد

قدیم بر او رشک می‌برند و بر پوستین می‌ایستاده و درصدد

قدیم بر او رشک می‌برند و بر پوستین می‌ایستاده و درصدد

قدیم بر او رشک می‌برند و بر پوستین می‌ایستاده و درصدد

در بازار تاریک و دلگیر صدها چکش بر ورقه‌ای مسی کوبیده می‌شود. ظروف مسی در این بازار برای فروش عرضه شده‌اند است. طرف راستی شامل سینی، تابه، کلان و کوزه می‌شود که در بازار مسگری ساخته می‌شود. صداای چکش کاری زمین و سسگران گوش را کر می‌کند. دربار دست با آیدا کردند. او از چشم شاه افتاد صداای چکش مسگران هیچ نظم و تناوبی و به فین کاشان پیرش شد. با تعید او به دستور شاه میرغضبان راهی فین شدند تا او را بکشند. این ظروف مسسی با تزئینات ساخته می‌شوند، اما کارشان ساده‌اند. در تمام کشور ایران از بادن رن به زیلا فرستاده شد. بخش مهمی از محصولات دیگر کاشان عمداً تا به روسیه صادر می‌شود.

مرد کاشان جزو پیشه‌وران‌اند و پیشه‌وران در کاشان کارشان ساده‌اند. در تمام کشور ایران از بادن رن به زیلا فرستاده شد. بخش مهمی از محصولات دیگر کاشان عمداً تا به روسیه صادر می‌شود.
مرد کاشان جزو پیشه‌وران‌اند و پیشه‌وران در کاشان کارشان ساده‌اند. در تمام کشور ایران از بادن رن به زیلا فرستاده شد. بخش مهمی از محصولات دیگر کاشان عمداً تا به روسیه صادر می‌شود.
مرد کاشان جزو پیشه‌وران‌اند و پیشه‌وران در کاشان کارشان ساده‌اند. در تمام کشور ایران از بادن رن به زیلا فرستاده شد. بخش مهمی از محصولات دیگر کاشان عمداً تا به روسیه صادر می‌شود.
مرد کاشان جزو پیشه‌وران‌اند و پیشه‌وران در کاشان کارشان ساده‌اند. در تمام کشور ایران از بادن رن به زیلا فرستاده شد. بخش مهمی از محصولات دیگر کاشان عمداً تا به روسیه صادر می‌شود.

و همهٔ گریزانی من از خلق، شومی دستبوس و سجدۀ ایشان است. خود همواره از تقبیل دست و سر نهادهن مردم به‌جسد می‌رنجید و به هر آحادی و نامردی تواضع عظیم می‌نمود، بلکه سجده‌ها می‌کرد» (افلاکی، ۱۹۶، ص۱۹).

**۲-جاه‌طلبی و منصب دوستی**
بیخ شاخ این ریاست را اگر
باز گویم، دفتری باید دگر
(دفتر پنجم: ۵۲۳)

حَبّ جاه و منصب از جملهٔ نیرومندترین و در عین حال، خطرناکترین انگیزه‌ها در زندگی آدمی است. مولانا در دفتر قوت، این انگیزه را بیست برابر قدرت میل به خوراک و تمایل جنسی که بطر ما مظهر هر دو آنها می‌داند، برآورد می‌کند:

حرص بط از شهوت خلق است و فرج
در ریاست بیست چندان است درج
(همان دفتر: ۵۱۸)

و در بیئی دیگر، این نسبت را به مراتب بیشتر می‌داند و در مقام مقایسه، شهوت جنسی را به منزلهٔ «آره» و «ریاست‌طلبی» را به مثابهٔ «ژدها» تلقی می‌کند:

حرص بط یکسات این پنجاه تامت
حرص شهوت مار و منصب ازدهامت
(همان دفتر: ۵۱۷)

و به‌هر تقدیر حَبّ منصب و ریاست را، از نظر شرانگیزی و دزدس‌آفرینی مطلقاً با حرص مال و میل به خوراک و شهوت جنسی قابل قیاس نمی‌شمارد:

حرص و خلق و فرج هم خود بدرگی است
لیک منصب نیست، آن آشکستگی است
(همان دفتر: ۵۲۱)

مولانا، در یک‌جا، گمراهی ابلیس را که موجب طرد او از بارگاه الهی شد، ناشی از احساس تکبر و جاه‌طلبی او می‌داند:

زلست آدم ز اشکم بسود و بیاه
ابلیس از تکبر بسود و جاه
لاجرم او زود استغفار کرد
وان لعین از توبه استکیار کرد
(همان دفتر: ۵۲۱–۵۲۰)

و در جایی دیگر، ریاست‌جویی را اساسی سرکش قلمداد می‌کند که در زبان عربی (شیطان) خوانده می‌شود و سپس، آن را مستحق لعنت می‌شمارد:

اسب سرکش را عر ب شیطانش خواند
نی سئوری را که در مرعی بماند
شیطنت گردن‌کشی پد در لغت
مستحق لعنت آمد ایسن صفت
(همان دفتر: ۱۵۶۶، ۱۵۵۵)

پس از این توضیحات کلی، اینک به بررسی بعضی از خصایص اساسی حَبّ جاه و منصب از دیدگاه مولانا، به‌ویژه در حوزهٔ سیاست و حکمرانی، پرداخته می‌شود: شگفتنا که مولانا جملهٔ این خصایص را که عصاره و نمرهٔ تجرّیات و یافته‌های خردمندان و فرزاتگان بشریت طی قرون و اعصار متمادی است، ضمن فقط چند بیت خلاصه و ارائه کرده است که ذیل عناوینی ارائه می‌شود:

**۱-۲-انحصارجویی و تمایت‌طلبی**
جاه‌طلبان و منصب‌دوستان نوعاً انحصارطلب و تمایت‌خواه هستند و وجود شریک و رفیقی را بر نمی‌تابند:

صد خورنده گنجد اندر گرد خوان
دو ریاست‌جو ننگجد در جهان
(همان دفتر: ۵۲۶)

که یادآور سخن حکیمانهٔ سعدی در گلستان است که: «ده درویش در گلبهی بخیسند و دو پادشاه در اقلیمی ننگجند.» در همین زمینه، مولانا ضمن داستان مربوط به حضرت موسی<sup>ؑ</sup> و فرعون، متذکر نکتهٔ بسیار مهمی شده است: صاحبان قدرت و سلطنت چه بسا ممکن است ذاتاً و فطرتاً انسان‌هایی ز نرف و نیکو کار باشند، اما همین که مسئلهٔ دستیابی به قدرت و یا حفظ آن پیش می‌آید، یکپاره

♦♦♦

**بهرغم تمرکز و استغراق در الهیات و مباحث عرفانی، مولانا از توجه و پرداختن به دیگر موضوعات نیز غافل نمانده است؛ تا آنجا که کمتر مسئله‌ای در زمینهٔ مسائل و مباحث گوناگون انسانی مخصوصاً در حیطهٔ خودشناسی و کشف و دریافت ناپیداهای روح آدمی می‌توان یافت که از نگاه ژرف‌کاو او دور مانده باشد**

♦♦♦

تغییر ماهیت می‌دهند و چنان به خشونت و بی‌رحمی گرایش می‌یابند که به‌راحتی طومار زندگی رهپار را، حتی بدون اینکه کمترین گناهی از او سرزده باشد، درهم می‌پیچند:

چونک شاهی دست باید بر شهی
بُکشندش یا باز دارد در چهی
(دفتر پنجم: ۷۷۵)

اما:
و ریابد خستهٔ افتاده را
مرمش سازد شه و بدهد عطا
(همان دفتر: ۷۵۲)

مولانا سپس درصدد توجیه و تعلیل این دو برخورد متناقض می‌برمی‌آید و خشونت معمول از طرف پادشاه در حق رقیبش را نتیجهٔ تأثیر زهر تکریر و تفرعن می‌شناسد: گر نه زهر است آن تکریر، پس چرا
کشتش شه ای گیاه و بی‌خطا؟
وین‌دگرایی ز خدمت‌چونلوات؟
زین‌دوچشش زهرش‌نایلدناخت
(همان دفتر: ۷۷۵، ۷۷۳)

بازی این همه فساد و تباهی، چالگانی، از تقصّل اربّ

قدرت است و از عواقب نایمون آن.

فرمود که: شما تنها بایید که من غلبه را دوست نمی‌دارم



که همه به سمت کاشان روانند. مرّای این جویبارها امتداد دارد.

بعد از طی یکسرایلانی تند از تنگهٔ گرب‌آباد

کوهِ برآمدگی‌هایی وجود ندارد، و وجود این

زبهار و در این مسیر به ما کمک کند. آن

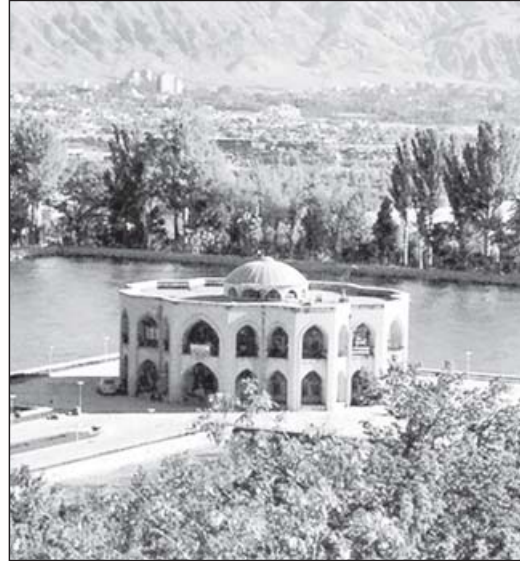
در پسای هر کوهِ جویبارهایی زیباروان است

چهارشنبه ۲۶مهر ۱۳۹۶ - ۲۷ محرم ۱۴۳۹ - ۱۸ اکتبر ۲۰۱۷ - سال نو، دوم - شماره ۲۶۸۴۵

## تبریز بزرگ، شهر زیباست

**مرحوم سید ابراهیم ادیبی**

ای نغمهٔ ساز عشق، تبریز
ای گلشن نوزگلان زیبا
ای مهد‌شان ماه رخسار
ای مسکن عاشقان رخسار
بیهبه ز هوای شهر تبریز!
قربان نسیم عتربنش
ای چشم و چراغ ملک ایران
در سینهٔ تو اگر شکافند
ای خاک تو جایگاه اسرار
برگو به من آنچه دیدی از دور
بگشای زبان به گفتار
زین راز نهفتهٔ پسرده برادر
زین راز نهفتهٔ پسرده برادر
برگو به من آنچه دیدی از دور
بگشای زبان، حکایت کن
هر گه که ز غم ملول گردی
یاد از غم بی‌نهایت کن
ای مبدأ انقلاب ایران
ای آبادکن خراب ایران
تو چون سه و آفتاب ایران
تو چون سه و آفتاب ایران
ایرانبه‌ضد دست خشم اتی
سازند سهر به هر زمانی
پروردهٔ توست خان «ستار»
افکنده شُرب به جان اشترار
پا بر سر قرن‌ها نهاده
باروی «کبود» پر غم و آه
وان ریشز خاک گاه و بیگاه
نامانده به جای، چیزی از آن
از دورهٔ شوم ترک‌زنان
مانده‌ست دو پایهٔ برج بر جا
تن رفته به کام غول دنیا
بر چرخ رود چو دود، اَهم
ز ایام گذشته تباهم
خوش‌منظر و دل‌با و زیباست
در لطف و صفا، سپهر میناست
جان می‌مدت به تن، همیشه
بر ریشهٔ هر غم تو تیشه
همواره روان به دامت، آب
این لحظه زدن ت با به «مشاب»
هر جا که روم، گل و گلستان
آموختم‌ام در این دبستان



جز باغ تو نیست آشنایم
سازند به خاک، خاک‌دام
هستم به خیال‌گلسنات
تنها هنم چنین غزل‌خوان
دراده دودست هزاردمستان
«صائب» به تو شد چو مادرشان
«فطران» ز تو یافت قدر شایان
خاک تو بهشت جاودانی
تو مهد نشاط دوستانی
و آن دل به غم بستی گرفتار
تبریز عزیز هست لصدار
تبریز عزیز من! از چه دانی؟
آن دورهٔ دلکش جوانی
نالد به زاری، آشنایان
بر خاک تو زان چکد ز مژگان
در راه تو صادفانه سرباز
چون مهر فلک شوی سرفراز
آسپب خزان ز نه‌نیم تا تو
ای باغ تو رشک‌نهم تا تو
بر خاک تو چشم بد گر افتد
بگذشت زمان، تو مانده بر جای
باشی به زمانه تا به جا هست
ای مانده به پادگار خاکت
هر کس به بدی نظر فکندت
کوه تو به پشت دشتت بار
از دور فلک نبینی آسپب
تو خاک تو زشت در این باد باد
باشی به زمانه تا زسان باد
تأب، روان به کوهِ و صحر است
تبریز بزرگ، شهر زیباست

می‌شود، دیوار بلندی بین دو کوه ساخته شده است که آب پشت آن جمع شده و دریاچه‌ای به وجود می‌آورد. بعد از آن با ساکنان کاشان می‌فرشند. اگر آب را به تیرازند، جریان آب با بستن سوراخی که در وسط سد ایجاد شده، متوقف می‌شود. بستن آب باعث گشفتن در میان آن کوهستان، مزارع کشاورزی خوبی قابل مشاهده بود. سیزه‌ها خرم و باغ‌ها پر از درختان میوه بود. میوه‌های کاشان عالی است. سبزی، آلو، زردآلو، گردو و سیب‌زمینی قهردو معروف است. مردم قهردو می‌گویند سبزی‌بزی که در این منطقه به عمل می‌آید، بهترین سبزی‌بزی نیست. نکتهٔ جالب توجه در مورد کشاورزی در کاشان این است که کشاورزی این منطقه و ارداتی است. کاشان شگفتنا، این مسئله و کوهستانی، برای اینکه خاک بر اثر آبیاری پالوده نشود، زیباروی روستا در متن کوه‌های خارق‌العاده، به دلیل اینکه در دامنه کوه ساخته شده‌اند روی می‌سوارند به‌طوری که در هر خانه روی پشت‌بان خانه دیگر باز می‌شود.

ساکنان این روستا بسیار مژدب و صمیمی‌اند. در آنها خود خشن و تند که در همه نقاط دیگر ایران دیده می‌شود مشاهده نمی‌گردد. هنوز در حال بالا رفتن از کوه‌ها بودیم، دره‌ای که در شمال غرب واقع بود شرق کوه‌های تخت زیادی مشاهده شد. \* ایران در آستانهٔ مشروطیت (انتشارات اطلاعات، با تلخیص)

۱- در کاشان به ایسن بخندان باخچال

می‌گویند.



**آنچه در پی آمده، کنکاشی است پیرامون ریشه یابی مشکلات بخش مسکن که بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم و پایانی را می خوانید:**

بسه گفته وی، در ایران نه فقط از اجرای چنین سیاست هایی خبری نیست که حتی نهادهای قدرت وارد تولید و ساخت و ساز شده اند و به دلیل نفوذی که دارند مانع کاهش قیمت ها می شوند. بنابراین اگر دولت می خواهد مسکن از رکود خارج شود باید زمین و مسکن را زانقیمت در اختیار مردم بگذارد. در شرایط حاضر ۵۰ درصد قیمت خانه متعلق به زمین آن است. البته در تلافیهاها دیگر زمین ارزاقیت و به مقدار زیاد وجود دارد مگر اینکه دولت مناطقی که با مسکن بد مواجه اند، زمین آنها را به واحدهای مسکونی تبدیل کند در غیر این صورت تا زمانی که حباب در مسکن هست نباید انتظار رونق داشته باشیم.

کلی خسروی اما وجود این تعداد واحد خالی را رد می کند و می گوید: مسئولان ادعا می کنند چند میلیون واحد خالی داریم اما من این را یک ادعای فاقد منطق می دانم. آخر چه کسی در این رکود با خرید خانه سرمایه خود را بلوکه می کند؛ این در حالی است که برخی از مسئولان دائما این ادعا را تکرار می کنند.

توصیه می کنم مسئولان خودشان را سرگرم خانه های خود نکنند، بلکه به جای آن به فکر افزایش تسهیلات باشند. کشورمان هنوز با رشد مولید و ازدواج مواجه بوده و به افزایش واحدهای مسکونی نیاز دارد، بنابراین دولتسردان به جای تمرکز بر واحدهای خالی، به فکر تامین نیاز تقاضای بازار باشند.

حتی ضروری است در بافت های فرسوده سرمایه گذاری بسیار زیادی صورت بگیرد و چون دولت به تنهایی نمی تواند از عهده این کار بر آید، می توان از مشارکت نوع مردم هم استفاده کرد.

**فقدان قدرت خرید در مصرف کننده واقعی**

رئیس اسبق سازمان های نظام مهندسی ساختمان تهران و البرز اما دلایل رکود بازار مسکن را بر خلاف عرف دنیا دانسته و می گوید:برخلاف بسیاری نقاط دنیا، در ایران مسکن با دو هدف خریداری می شود. اولی اقامت و دوم سرمایه گذاری و حفظ ارزش دارایی. با توجه به قیمت بین ۳ تا ۳ میلیون تومان بر مترمربع ساختمان نوساز، مصرف کننده( بهره بردار) واقعی تهانی به ۲۱۰ تا ۲۸۰ میلیون تومان برای خریداری یک واحد ۷۰ متری( مطابق الگوی مسکن تهران) نیاز دارد.

ولی او عموما دست خالی است و به فرض درآمد خالص ۲/۵ میلیون تومان(ی خط فقر در تهران) و خرخته وام ۸۰ میلیون تومانی، باید ۵ تا ۵ سال تمامی درآمد خود را پس انداز و خورد و خوراک، تحصیل، تفریح و ... را بگذراند و پس از آن هم با پرداخت اقساط وام به زیر خط فقر برود. بدیهی است که چنین مفروضاتی هیچ راه واقع نمی شود و بنابراین طبیعی است که مصرف کننده واقعی قادر به خریداری مسکن نباشد.
کامیار بیات ماکو می افزاید: از سویی دیگر آنان که برای مسکنهای گلزاری و حفظش ارزش دارایی های خود مسکن می خریدند، چشم انداز سود سرمایه خود را روشن نمی بینند و بنابراین، خریداری را با امید به رونق محتمل آینده به تأخیر می اندازند. بدین ترتیب، رکود( سیاست و ساز و فروش) مسکن، امری بسیار منطقی و ناشی از فرآیندی طبیعی است.

ولی علت تعداد زیاد واحدهای خالی و راهکار دولت

برای استفاده از آنها را چنین بر می شمارد: توان مالی و انگیزه عموم مردم برای خرید مسکن کافی نیست و حاشیه نشینان، ساکنان بافت های فرسوده و مستاجران(مهمترین نیازمندان و خریداران بالقوه) یعنی حدود ۶ میلیون خانوار

از حدود ۲۰ میلیون خانوار ایرانی از بازار مسکن کنار گذاشته شده اند و بقیه مبدلانی که بازار مسکن نیمه جان را حفظ کرده است، هم عمدتا توسط ۱۴ میلیون خانوار دیگر(که نیاز واقعی به خریداری مسکن شخصی جدید ندارند) صورت می گیرد و در حقیقت بیشتر همان پس انداز روز میاداست.

بنابراین با وجود تقاضای انباشته و عرضه بسیار،



واحدهای بسیاری بدون خریدار مانده است.در عین حال مالسکان این واحدها هم عموما تمکن مالی کافی دارند و ترجیح می دهند که ملکشان خالی بماند و به قیمت پایین فروخته شود.

نایب رئیس اسبق نظام مهندسی کشور همچنین درباره علت تعدداز زیاد خانه های لوکس خالی هم می گوید: ایسن خانه ها عموما با هدف تبدیل به دیگر انواع دارایی ساخته شده و طبیعتا مالکشی نیاز فوری به فروش یا اجاره آن ندارد. برای مالک، ترجیح بر این است که خانه خالی بماند تا در فرصت مناسب بتوان آن را تبدیل به نقدی کرد و طبیعی است که چنین مالکی، دردمر آسیب دیدن خانه به هنگام اجاره و پرداخت مالیات بر اجاره و مشابه آن را بسر خود نمی خرد و ترجیح می دهد که خانه اش را خالی نگاه دارد.

**فوق عرضه و تحریک تقاضا**

به رغم افزایش چند برابری وام مسکن در دولت یازدهم و ثبات نسبی اقتصاد ولی بازار مسکن نتوانست روی رونق را ببیند و این موضوع همچنان دغدغه دولتمردان و

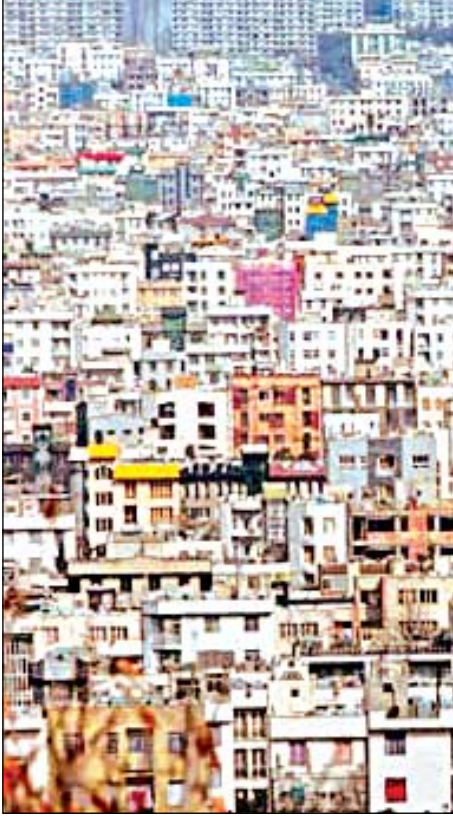
کارشناسان است. دولت باید چه بستریایی را فراهم آورد و چه تحولاتی ایجاد کند تا گرایش و قدرت خرید ایجاد و تقاضا تحریک شود.

عضو هیات رئیسه اتحادیه مشاورین املاک افزایش عرضه و تحریک تقاضا را در رونق مسکن بسیار موثر می داند و می افزاید: ارائه تسهیلات به متقاضیان خرید مسکن و انبوه سازان باید در دستور کار قرار بگیرد. همچنین اعطای تسهیلات برای نوسازی و بهسازی از جمله در بافت فرسوده دیگر عامل تحریک تقاضاست.

در سال ۸۴-۸۵ بانک های خصوصی یک بار تسهیلات برای خرید خانه دادند که گروهی نتوانستند با آن خانه دار

که شده چنین رکودی هستیم. وی می افزاید: دولت همچنین باید مسکن قابل عرضه ارائه کند. در کشورهای صنعتی میانگین سطح مسکن در بسیاری از مناطق خیلی کم و کوچک است، اما در چند سال گذشته میانگین واحدهایی که در کشور ساخته شده حدود ۱۲۰ متر و البته خارج از توان بسیاری از خریداران است.

**نقش ۸۵ درصدی وام در قیمت مسکن**
راغفر در پایان خاطرنشان می کند: بنابراین دولت باید حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد قیمت واحد مسکونی را به خریدار به خصوص متقاضیان در نوبت اول وام بدهد و



شوند، اما این کار ادامه نیافت.مورد دیگر اینکه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تا ۸۰ درصد قیمت خانه را تسهیلات می دهند، اما در ایران اینطور نیست. همچنین برورکاری اداری از جمله در شهرداری ها باید کاهش شود و تعدیل یابد.

قلی خسروی یادآور می شود: بنابراین باید نظام بانکی اصلاح و از انباشت سرمایه در بانک ها جلوگیری شود، در عین حال اعطای تسهیلات متناسب با نیاز طبقات مختلف جامعه در دستور کار قرار بگیرد. اگر این اقدامات انجام نشود، نباید انتظار رونق داشته باشیم.

دکتر راغفر در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود افزایش ۴۰۰ درصدی وام مسکن در دولت یازدهم بازهم گره رکود باز نشده است، می گوید: برای اینکه هنوز هم نسبت این وام ها به کل قیمت مسکن و در حد ۱۵ درصد است و قدرت خریدی برای متقاضیان به خصوص طبقات متوسط و پایین جامعه ایجاد نمی کند و اقساط آن هم خارج از توان طبقات مذکور است. در واقع طبقه متوسط و پایین از حوزه تقاضا برای مسکن خارج شده اند

رئیس اسبق سازمان های نظام مهندسی ساختمان تهران و البرز می افزاید: اگر هدف توسعه باشد که یکجانبه شدنی نیست و باید در تمامی بخش ها و ازجمله بخش ساختمان و مسکن صورت گیرد. کمک موثر، فقط به این بخش نه میسر است و نه مفید.

**آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص یارت کلینیک ثبت شده به شماره ۱۴۲۴ و شناسه ملی ۱۰۰۵۰۳۲۷۱۸-۱**
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت سهامی خاص یارت کلینیک با نمایندگان قانونی این دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که در ساعت ده صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۱ در محل شرکت به آدرس: خیابان سنترال خروین روی برق اتشوم پلاک ۷۴ طبقه دوم درملاکه شایبهریزی پارت اتاق هیتمدیره تشکیل می شود حضور به هم رسانند.
**دستور جلسه:**
۱-تغییر مدیره
۲-تغییر مدیره
۳-تغییر هیئت مدیره
۴-تغییر هیئت مدیره
۵-تغییر مدیره
۶-تغییر مدیره
۷-تغییر مدیره
۸-تغییر مدیره
۹-تغییر مدیره
۱۰-تغییر مدیره
۱۱-تغییر مدیره
۱۲-تغییر مدیره
۱۳-تغییر مدیره
۱۴-تغییر مدیره
۱۵-تغییر مدیره
۱۶-تغییر مدیره
۱۷-تغییر مدیره
۱۸-تغییر مدیره
۱۹-تغییر مدیره
۲۰-تغییر مدیره
۲۱-تغییر مدیره
۲۲-تغییر مدیره
۲۳-تغییر مدیره
۲۴-تغییر مدیره
۲۵-تغییر مدیره
۲۶-تغییر مدیره
۲۷-تغییر مدیره
۲۸-تغییر مدیره
۲۹-تغییر مدیره
۳۰-تغییر مدیره
۳۱-تغییر مدیره
۳۲-تغییر مدیره
۳۳-تغییر مدیره
۳۴-تغییر مدیره
۳۵-تغییر مدیره
۳۶-تغییر مدیره
۳۷-تغییر مدیره
۳۸-تغییر مدیره
۳۹-تغییر مدیره
۴۰-تغییر مدیره
۴۱-تغییر مدیره
۴۲-تغییر مدیره
۴۳-تغییر مدیره
۴۴-تغییر مدیره
۴۵-تغییر مدیره
۴۶-تغییر مدیره
۴۷-تغییر مدیره
۴۸-تغییر مدیره
۴۹-تغییر مدیره
۵۰-تغییر مدیره
۵۱-تغییر مدیره
۵۲-تغییر مدیره
۵۳-تغییر مدیره
۵۴-تغییر مدیره
۵۵-تغییر مدیره
۵۶-تغییر مدیره
۵۷-تغییر مدیره
۵۸-تغییر مدیره
۵۹-تغییر مدیره
۶۰-تغییر مدیره
۶۱-تغییر مدیره
۶۲-تغییر مدیره
۶۳-تغییر مدیره
۶۴-تغییر مدیره
۶۵-تغییر مدیره
۶۶-تغییر مدیره
۶۷-تغییر مدیره
۶۸-تغییر مدیره
۶۹-تغییر مدیره
۷۰-تغییر مدیره
۷۱-تغییر مدیره
۷۲-تغییر مدیره
۷۳-تغییر مدیره
۷۴-تغییر مدیره
۷۵-تغییر مدیره
۷۶-تغییر مدیره
۷۷-تغییر مدیره
۷۸-تغییر مدیره
۷۹-تغییر مدیره
۸۰-تغییر مدیره
۸۱-تغییر مدیره
۸۲-تغییر مدیره
۸۳-تغییر مدیره
۸۴-تغییر مدیره
۸۵-تغییر مدیره
۸۶-تغییر مدیره
۸۷-تغییر مدیره
۸۸-تغییر مدیره
۸۹-تغییر مدیره
۹۰-تغییر مدیره
۹۱-تغییر مدیره
۹۲-تغییر مدیره
۹۳-تغییر مدیره
۹۴-تغییر مدیره
۹۵-تغییر مدیره
۹۶-تغییر مدیره
۹۷-تغییر مدیره
۹۸-تغییر مدیره
۹۹-تغییر مدیره
۱۰۰-تغییر مدیره
۱۰۱-تغییر مدیره
۱۰۲-تغییر مدیره
۱۰۳-تغییر مدیره
۱۰۴-تغییر مدیره
۱۰۵-تغییر مدیره
۱۰۶-تغییر مدیره
۱۰۷-تغییر مدیره
۱۰۸-تغییر مدیره
۱۰۹-تغییر مدیره
۱۱۰-تغییر مدیره
۱۱۱-تغییر مدیره
۱۱۲-تغییر مدیره
۱۱۳-تغییر مدیره
۱۱۴-تغییر مدیره
۱۱۵-تغییر مدیره
۱۱۶-تغییر مدیره
۱۱۷-تغییر مدیره
۱۱۸-تغییر مدیره
۱۱۹-تغییر مدیره
۱۲۰-تغییر مدیره
۱۲۱-تغییر مدیره
۱۲۲-تغییر مدیره
۱۲۳-تغییر مدیره
۱۲۴-تغییر مدیره
۱۲۵-تغییر مدیره
۱۲۶-تغییر مدیره
۱۲۷-تغییر مدیره
۱۲۸-تغییر مدیره
۱۲۹-تغییر مدیره
۱۳۰-تغییر مدیره
۱۳۱-تغییر مدیره
۱۳۲-تغییر مدیره
۱۳۳-تغییر مدیره
۱۳۴-تغییر مدیره
۱۳۵-تغییر مدیره
۱۳۶-تغییر مدیره
۱۳۷-تغییر مدیره
۱۳۸-تغییر مدیره
۱۳۹-تغییر مدیره
۱۴۰-تغییر مدیره
۱۴۱-تغییر مدیره
۱۴۲-تغییر مدیره
۱۴۳-تغییر مدیره
۱۴۴-تغییر مدیره
۱۴۵-تغییر مدیره
۱۴۶-تغییر مدیره
۱۴۷-تغییر مدیره
۱۴۸-تغییر مدیره
۱۴۹-تغییر مدیره
۱۵۰-تغییر مدیره
۱۵۱-تغییر مدیره
۱۵۲-تغییر مدیره
۱۵۳-تغییر مدیره
۱۵۴-تغییر مدیره
۱۵۵-تغییر مدیره
۱۵۶-تغییر مدیره
۱۵۷-تغییر مدیره
۱۵۸-تغییر مدیره
۱۵۹-تغییر مدیره
۱۶۰-تغییر مدیره
۱۶۱-تغییر مدیره
۱۶۲-تغییر مدیره
۱۶۳-تغییر مدیره
۱۶۴-تغییر مدیره
۱۶۵-تغییر مدیره
۱۶۶-تغییر مدیره
۱۶۷-تغییر مدیره
۱۶۸-تغییر مدیره
۱۶۹-تغییر مدیره
۱۷۰-تغییر مدیره
۱۷۱-تغییر مدیره
۱۷۲-تغییر مدیره
۱۷۳-تغییر مدیره
۱۷۴-تغییر مدیره
۱۷۵-تغییر مدیره
۱۷۶-تغییر مدیره
۱۷۷-تغییر مدیره
۱۷۸-تغییر مدیره
۱۷۹-تغییر مدیره
۱۸۰-تغییر مدیره
۱۸۱-تغییر مدیره
۱۸۲-تغییر مدیره
۱۸۳-تغییر مدیره
۱۸۴-تغییر مدیره
۱۸۵-تغییر مدیره
۱۸۶-تغییر مدیره
۱۸۷-تغییر مدیره
۱۸۸-تغییر مدیره
۱۸۹-تغییر مدیره
۱۹۰-تغییر مدیره
۱۹۱-تغییر مدیره
۱۹۲-تغییر مدیره
۱۹۳-تغییر مدیره
۱۹۴-تغییر مدیره
۱۹۵-تغییر مدیره
۱۹۶-تغییر مدیره
۱۹۷-تغییر مدیره
۱۹۸-تغییر مدیره
۱۹۹-تغییر مدیره
۲۰۰-تغییر مدیره
۲۰۱-تغییر مدیره
۲۰۲-تغییر مدیره
۲۰۳-تغییر مدیره
۲۰۴-تغییر مدیره
۲۰۵-تغییر مدیره
۲۰۶-تغییر مدیره
۲۰۷-تغییر مدیره
۲۰۸-تغییر مدیره
۲۰۹-تغییر مدیره
۲۱۰-تغییر مدیره
۲۱۱-تغییر مدیره
۲۱۲-تغییر مدیره
۲۱۳-تغییر مدیره
۲۱۴-تغییر مدیره
۲۱۵-تغییر مدیره
۲۱۶-تغییر مدیره
۲۱۷-تغییر مدیره
۲۱۸-تغییر مدیره
۲۱۹-تغییر مدیره
۲۲۰-تغییر مدیره
۲۲۱-تغییر مدیره
۲۲۲-تغییر مدیره
۲۲۳-تغییر مدیره
۲۲۴-تغییر مدیره
۲۲۵-تغییر مدیره
۲۲۶-تغییر مدیره
۲۲۷-تغییر مدیره
۲۲۸-تغییر مدیره
۲۲۹-تغییر مدیره
۲۳۰-تغییر مدیره
۲۳۱-تغییر مدیره
۲۳۲-تغییر مدیره
۲۳۳-تغییر مدیره
۲۳۴-تغییر مدیره
۲۳۵-تغییر مدیره
۲۳۶-تغییر مدیره
۲۳۷-تغییر مدیره
۲۳۸-تغییر مدیره
۲۳۹-تغییر مدیره
۲۴۰-تغییر مدیره
۲۴۱-تغییر مدیره
۲۴۲-تغییر مدیره
۲۴۳-تغییر مدیره
۲۴۴-تغییر مدیره
۲۴۵-تغییر مدیره
۲۴۶-تغییر مدیره
۲۴۷-تغییر مدیره
۲۴۸-تغییر مدیره
۲۴۹-تغییر مدیره
۲۵۰-تغییر مدیره
۲۵۱-تغییر مدیره
۲۵۲-تغییر مدیره
۲۵۳-تغییر مدیره
۲۵۴-تغییر مدیره
۲۵۵-تغییر مدیره
۲۵۶-تغییر مدیره
۲۵۷-تغییر مدیره
۲۵۸-تغییر مدیره
۲۵۹-تغییر مدیره
۲۶۰-تغییر مدیره
۲۶۱-تغییر مدیره
۲۶۲-تغییر مدیره
۲۶۳-تغییر مدیره
۲۶۴-تغییر مدیره
۲۶۵-تغییر مدیره
۲۶۶-تغییر مدیره
۲۶۷-تغییر مدیره
۲۶۸-تغییر مدیره
۲۶۹-تغییر مدیره
۲۷۰-تغییر مدیره
۲۷۱-تغییر مدیره
۲۷۲-تغییر مدیره
۲۷۳-تغییر مدیره
۲۷۴-تغییر مدیره
۲۷۵-تغییر مدیره
۲۷۶-تغییر مدیره
۲۷۷-تغییر مدیره
۲۷۸-تغییر مدیره
۲۷۹-تغییر مدیره
۲۸۰-تغییر مدیره
۲۸۱-تغییر مدیره
۲۸۲-تغییر مدیره
۲۸۳-تغییر مدیره
۲۸۴-تغییر مدیره
۲۸۵-تغییر مدیره
۲۸۶-تغییر مدیره
۲۸۷-تغییر مدیره
۲۸۸-تغییر مدیره
۲۸۹-تغییر مدیره
۲۹۰-تغییر مدیره
۲۹۱-تغییر مدیره
۲۹۲-تغییر مدیره
۲۹۳-تغییر مدیره
۲۹۴-تغییر مدیره
۲۹۵-تغییر مدیره
۲۹۶-تغییر مدیره
۲۹۷-تغییر مدیره
۲۹۸-تغییر مدیره
۲۹۹-تغییر مدیره
۳۰۰-تغییر مدیره
۳۰۱-تغییر مدیره
۳۰۲-تغییر مدیره
۳۰۳-تغییر مدیره
۳۰۴-تغییر مدیره
۳۰۵-تغییر مدیره
۳۰۶-تغییر مدیره
۳۰۷-تغییر مدیره
۳۰۸-تغییر مدیره
۳۰۹-تغییر مدیره
۳۱۰-تغییر مدیره
۳۱۱-تغییر مدیره
۳۱۲-تغییر مدیره
۳۱۳-تغییر مدیره
۳۱۴-تغییر مدیره
۳۱۵-تغییر مدیره
۳۱۶-تغییر مدیره
۳۱۷-تغییر مدیره
۳۱۸-تغییر مدیره
۳۱۹-تغییر مدیره
۳۲۰-تغییر مدیره
۳۲۱-تغییر مدیره
۳۲۲-تغییر مدیره
۳۲۳-تغییر مدیره
۳۲۴-تغییر مدیره
۳۲۵-تغییر مدیره
۳۲۶-تغییر مدیره
۳۲۷-تغییر مدیره
۳۲۸-تغییر مدیره
۳۲۹-تغییر مدیره
۳۳۰-تغییر مدیره
۳۳۱-تغییر مدیره
۳۳۲-تغییر مدیره
۳۳۳-تغییر مدیره
۳۳۴-تغییر مدیره
۳۳۵-تغییر مدیره
۳۳۶-تغییر مدیره
۳۳۷-تغییر مدیره
۳۳۸-تغییر مدیره
۳۳۹-تغییر مدیره
۳۴۰-تغییر مدیره
۳۴۱-تغییر مدیره
۳۴۲-تغییر مدیره
۳۴۳-تغییر مدیره
۳۴۴-تغییر مدیره
۳۴۵-تغییر مدیره
۳۴۶-تغییر مدیره
۳۴۷-تغییر مدیره
۳۴۸-تغییر مدیره
۳۴۹-تغییر مدیره
۳۵۰-تغییر مدیره
۳۵۱-تغییر مدیره
۳۵۲-تغییر مدیره
۳۵۳-تغییر مدیره
۳۵۴-تغییر مدیره
۳۵۵-تغییر مدیره
۳۵۶-تغییر مدیره
۳۵۷-تغییر مدیره
۳۵۸-تغییر مدیره
۳۵۹-تغییر مدیره
۳۶۰-تغییر مدیره
۳۶۱-تغییر مدیره
۳۶۲-تغییر مدیره
۳۶۳-تغییر مدیره
۳۶۴-تغییر مدیره
۳۶۵-تغییر مدیره
۳۶۶-تغییر مدیره
۳۶۷-تغییر مدیره
۳۶۸-تغییر مدیره
۳۶۹-تغییر مدیره
۳۷۰-تغییر مدیره
۳۷۱-تغییر مدیره
۳۷۲-تغییر مدیره
۳۷۳-تغییر مدیره
۳۷۴-تغییر مدیره
۳۷۵-تغییر مدیره
۳۷۶-تغییر مدیره
۳۷۷-تغییر مدیره
۳۷۸-تغییر مدیره
۳۷۹-تغییر مدیره
۳۸۰-تغییر مدیره
۳۸۱-تغییر مدیره
۳۸۲-تغییر مدیره
۳۸۳-تغییر مدیره
۳۸۴-تغییر مدیره
۳۸۵-تغییر مدیره
۳۸۶-تغییر مدیره
۳۸۷-تغییر مدیره
۳۸۸-تغییر مدیره
۳۸۹-تغییر مدیره
۳۹۰-تغییر مدیره
۳۹۱-تغییر مدیره
۳۹۲-تغییر مدیره
۳۹۳-تغییر مدیره
۳۹۴-تغییر مدیره
۳۹۵-تغییر مدیره
۳۹۶-تغییر مدیره
۳۹۷-تغییر مدیره
۳۹۸-تغییر مدیره
۳۹۹-تغییر مدیره
۴۰۰-تغییر مدیره
۴۰۱-تغییر مدیره
۴۰۲-تغییر مدیره
۴۰۳-تغییر مدیره
۴۰۴-تغییر مدیره
۴۰۵-تغییر مدیره
۴۰۶-تغییر مدیره
۴۰۷-تغییر مدیره
۴۰۸-تغییر مدیره
۴۰۹-تغییر مدیره
۴۱۰-تغییر مدیره
۴۱۱-تغییر مدیره
۴۱۲-تغییر مدیره
۴۱۳-تغییر مدیره
۴۱۴-تغییر مدیره
۴۱۵-تغییر مدیره
۴۱۶-تغییر مدیره
۴۱۷-تغییر مدیره
۴۱۸-تغییر مدیره
۴۱۹-تغییر مدیره
۴۲۰-تغییر مدیره
۴۲۱-تغییر مدیره
۴۲۲-تغییر مدیره
۴۲۳-تغییر مدیره
۴۲۴-تغییر مدیره
۴۲۵-تغییر مدیره
۴۲۶-تغییر مدیره
۴۲۷-تغییر مدیره
۴۲۸-تغییر مدیره
۴۲۹-تغییر مدیره
۴۳۰-تغییر مدیره
۴۳۱-تغییر مدیره
۴۳۲-تغییر مدیره
۴۳۳-تغییر مدیره
۴۳۴-تغییر مدیره
۴۳۵-تغییر مدیره
۴۳۶-تغییر مدیره
۴۳۷-تغییر مدیره
۴۳۸-تغییر مدیره
۴۳۹-تغییر مدیره
۴۴۰-تغییر مدیره
۴۴۱-تغییر مدیره
۴۴۲-تغییر مدیره
۴۴۳-تغییر مدیره
۴۴۴-تغییر مدیره
۴۴۵-تغییر مدیره
۴۴۶-تغییر مدیره
۴۴۷-تغییر مدیره
۴۴۸-تغییر مدیره
۴۴۹-تغییر مدیره
۴۵۰-تغییر مدیره
۴۵۱-تغییر مدیره
۴۵۲-تغییر مدیره
۴۵۳-تغییر مدیره
۴۵۴-تغییر مدیره
۴۵۵-تغییر مدیره
۴۵۶-تغییر مدیره
۴۵۷-تغییر مدیره
۴۵۸-تغییر مدیره
۴۵۹-تغییر مدیره
۴۶۰-تغییر مدیره
۴۶۱-تغییر مدیره
۴۶۲-تغییر مدیره
۴۶۳-تغییر مدیره
۴۶۴-تغییر مدیره
۴۶۵-تغییر مدیره
۴۶۶-تغییر مدیره
۴۶۷-تغییر مدیره
۴۶۸-تغییر مدیره
۴۶۹-تغییر مدیره
۴۷۰-تغییر مدیره
۴۷۱-تغییر مدیره
۴۷۲-تغییر مدیره
۴۷۳-تغییر مدیره
۴۷۴-تغییر مدیره
۴۷۵-تغییر مدیره
۴۷۶-تغییر مدیره
۴۷۷-تغییر مدیره
۴۷۸-تغییر مدیره
۴۷۹-تغییر مدیره
۴۸۰-تغییر مدیره
۴۸۱-تغییر مدیره
۴۸۲-تغییر مدیره
۴۸۳-تغییر مدیره
۴۸۴-تغییر مدیره
۴۸۵-تغییر مدیره
۴۸۶-تغییر مدیره
۴۸۷-تغییر مدیره
۴۸۸-تغییر مدیره
۴۸۹-تغییر مدیره
۴۹۰-تغییر مدیره
۴۹۱-تغییر مدیره
۴۹۲-تغییر مدیره
۴۹۳-تغییر مدیره
۴۹۴-تغییر مدیره
۴۹۵-تغییر مدیره
۴۹۶-تغییر مدیره
۴۹۷-تغییر مدیره
۴۹۸-تغییر مدیره
۴۹۹-تغییر مدیره
۵۰۰-تغییر مدیره
۵۰۱-تغییر مدیره
۵۰۲-تغییر مدیره
۵۰۳-تغییر مدیره
۵۰۴-تغییر مدیره
۵۰۵-تغییر مدیره
۵۰۶-تغییر مدیره
۵۰۷-تغییر مدیره
۵۰۸-تغییر مدیره
۵۰۹-تغییر مدیره
۵۱۰-تغییر مدیره
۵۱۱-تغییر مدیره
۵۱۲-تغییر مدیره
۵۱۳-تغییر مدیره
۵۱۴-تغییر مدیره
۵۱۵-تغییر مدیره
۵۱۶-تغییر مدیره
۵۱۷-تغییر مدیره
۵۱۸-تغییر مدیره
۵۱۹-تغییر مدیره
۵۲۰-تغییر مدیره
۵۲۱-تغییر مدیره
۵۲۲-تغییر مدیره
۵۲۳-تغییر مدیره
۵۲۴-تغییر مدیره
۵۲۵-تغییر مدیره
۵۲۶-تغییر مدیره
۵۲۷-تغییر مدیره
۵۲۸-تغییر مدیره
۵۲۹-تغییر مدیره
۵۳۰-تغییر مدیره
۵۳۱-تغییر مدیره
۵۳۲-تغییر مدیره
۵۳۳-تغییر مدیره
۵۳۴-تغییر مدیره
۵۳۵-تغییر مدیره
۵۳۶-تغییر مدیره
۵۳۷-تغییر مدیره
۵۳۸-تغییر مدیره
۵۳۹-تغییر مدیره
۵۴۰-تغییر مدیره
۵۴۱-تغییر مدیره
۵۴۲-تغییر مدیره
۵۴۳-تغییر مدیره
۵۴۴-تغییر مدیره
۵۴۵-تغییر مدیره
۵۴۶-تغییر مدیره
۵۴۷-تغییر مدیره
۵۴۸-تغییر مدیره
۵۴۹-تغییر مدیره
۵۵۰-تغییر مدیره
۵۵۱-تغییر مدیره
۵۵۲-تغییر مدیره
۵۵۳-تغییر مدیره
۵۵۴-تغییر مدیره
۵۵۵-تغییر مدیره
۵۵۶-تغییر مدیره
۵۵۷-تغییر مدیره
۵۵۸-تغییر مدیره
۵۵۹-تغییر مدیره
۵۶۰-تغییر مدیره
۵۶۱-تغییر مدیره
۵۶۲-تغییر مدیره
۵۶۳-تغییر مدیره
۵۶۴-تغییر مدیره
۵۶۵-تغییر مدیره
۵۶۶-تغییر مدیره
۵۶۷-تغییر مدیره
۵۶۸-تغییر مدیره
۵۶۹-تغییر مدیره
۵۷۰-تغییر مدیره
۵۷۱-تغییر مدیره
۵۷۲-تغییر مدیره
۵۷۳-تغییر مدیره
۵۷۴-تغییر مدیره
۵۷۵-تغییر مدیره
۵۷۶-تغییر مدیره
۵۷۷-تغییر مدیره
۵۷۸-تغییر مدیره
۵۷۹-تغییر مدیره
۵۸۰-تغییر مدیره
۵۸۱-تغییر مدیره
۵۸۲-تغییر مدیره
۵۸۳-تغییر مدیره
۵۸۴-تغییر مدیره
۵۸۵-تغییر مدیره
۵۸۶-تغییر مدیره
۵۸۷-تغییر مدیره
۵۸۸-تغییر مدیره
۵۸۹-تغییر مدیره
۵۹۰-تغییر مدیره
۵۹۱-تغییر مدیره
۵۹۲-تغییر مدیره
۵۹۳-تغییر مدیره
۵۹۴-تغییر مدیره
۵۹۵-تغییر مدیره
۵۹۶-تغییر مدیره
۵۹۷-تغییر مدیره
۵۹۸-تغییر مدیره
۵۹۹-تغییر مدیره
۶۰۰-تغییر مدیره
۶۰۱-تغییر مدیره
۶۰۲-تغییر مدیره
۶۰۳-تغییر مدیره
۶۰۴-تغییر مدیره
۶۰۵-تغییر مدیره
۶۰۶-تغییر مدیره
۶۰۷-تغییر مدیره
۶۰۸-تغییر مدیره
۶۰۹-تغییر مدیره
۶۱۰-تغییر مدیره
۶۱۱-تغییر مدیره
۶۱۲-تغییر مدیره
۶۱۳-تغییر مدیره
۶۱۴-تغییر مدیره
۶۱۵-تغییر مدیره
۶۱۶-تغییر مدیره
۶۱۷-تغییر مدیره
۶۱۸-تغییر مدیره
۶۱۹-تغییر مدیره
۶۲۰-تغییر مدیره
۶۲۱-تغییر مدیره
۶۲۲-تغییر مدیره
۶۲۳-تغییر مدیره
۶۲۴-تغییر مدیره
۶۲۵-تغییر مدیره
۶۲۶-تغییر مدیره
۶۲۷-تغییر مدیره
۶۲۸-تغییر مدیره
۶۲۹-تغییر مدیره
۶۳۰-تغییر مدیره
۶۳۱-تغییر مدیره
۶۳۲-تغییر مدیره
۶۳۳-تغییر مدیره
۶۳۴-تغییر مدیره
۶۳۵-تغییر مدیره
۶۳۶-تغییر مدیره
۶۳۷-تغییر مدیره
۶۳۸-تغییر مدیره
۶۳۹-تغییر مدیره
۶۴۰-تغییر مدیره
۶۴۱-تغییر مدیره
۶۴۲-تغییر مدیره
۶۴۳-تغییر مدیره
۶۴۴-تغییر مدیره
۶۴۵-تغییر مدیره
۶۴۶-تغییر مدیره
۶۴۷-تغییر مدیره
۶۴۸-تغییر مدیره
۶۴۹-تغییر مدیره
۶۵۰-تغییر مدیره
۶۵۱-تغییر مدیره
۶۵۲-تغییر مدیره
۶۵۳-تغییر مدیره
۶۵۴-تغییر مدیره
۶۵۵-تغییر مدیره
۶۵۶-تغییر مدیره
۶۵۷-تغییر مدیره
۶۵۸-تغییر مدیره
۶۵۹-تغییر مدیره
۶۶۰-تغییر مدیره
۶۶۱-تغییر مدیره
۶۶۲-تغییر مدیره
۶۶۳-تغییر مدیره
۶۶۴-تغییر مدیره
۶۶۵-تغییر مدیره
۶۶۶-تغییر مدیره
۶۶۷-تغییر مدیره
۶۶۸-تغییر مدیره
۶۶۹-تغییر مدیره
۶۷۰-تغییر مدیره
۶۷۱-تغییر مدیره
۶۷۲-تغییر مدیره
۶۷۳-تغییر مدیره































عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

### بنام خداوند بخشنده مهربان

خبر درگذشت **حاج عباس تهرانی** باعث تأسّف فراوان گردید؛ ایـن مصیبت وارده را به خاندان محترم تهرانی عموماً به فرزندانـشان خصوصاً تسلیت عرض نموده دوام عمر بازمندگان و رحمت واسعه برای آن فقید سعید را از خداوند متعال خواستار یم. مجلس بزرگداشتی روز جمعه ۱۹۶/۷/۲۸ از ساعت ۳/۳۰ لغایت ۵بعداز ظهر در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد برگزار است.

**هیئت حسینی صنف بزاز تهران**

#### بیاری اهورا مزدا



بمناسبت درگذشت **شاهپهرام سهراب کیانیان** مجلس پرسه و یادبود در روز شهرپور برابر با جمعه ۱۳۹۶/۷/۲۸ از ساعت ۴الی ۶بعدازظهر برگزار می گردد متمنی است با تشریف‌فرمایی خود روح بهشتی روان را شاد و بازمندگان را قرین امتنان فرماید.

**خانواده کیانیان و خانواده‌های وابسته**

#### «بازگشت همه به‌سوی اوست»

درگذشت بانوی پرهیزگار و متقی **حاجیه خانم بتول مهدی پور** را به اطلاع دوستان و کرمانشاهیان مقیم تهران می‌رساند به همین مناسبت مجلس تذکر و یادبودی در روز جمعه مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۸ در مسجد نورواقع در میدان قاضی از ساعت ۱۶الی ۱۷:۳۰ برگزار می گردد.

متمنی است با تشریف‌فرمایی خود روح آن مرحومه را شاد و بازمندگان را قرین امتنان فرماید.

**از طرف فرزندان و نوادگان**

#### بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت ناهنگام **مهندس علی مومنی** را به اطلاع کلیه اقوام و بستگان و آشنایان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ختمی روز پنجشنبه ۱۳۹۶/۷/۲۷ از ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجد حجت‌ابن‌الحسن(عج) واقع در خیابان سهروردی شمالی میدان پالیزی برگزار می گردد. همراهی و همدردی همه عزیزان موجب شادی روح آن مرحوم خواهد بود.

**خانواده‌های: مومنی، عابدیان، فلاح‌زاد، ابراجیان، اخباری، عرب، عموثی، عابدی انارکی، توکلی طبا، زاهدی، بـسرادان انارکی، ولیخانی، حاج مومنی، زاهدیان، کلانتری، احسنی تهرانی و کلیه فامیل‌های وابسته**

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

#### آگهی تغییرات شرکت اطلس سایاط سهامی خاص

**به شماره ثبت ۲۹۰۳۵۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۵۸۴۸۰**

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۸ تصمیبات ذیل اتخاذ شد:
سـمت اعضـاء هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
- احسان رفیعی به شماره ملی ۳۰۵۱۲۸۳۹۲۴ به سمت مدیر عامل - منوچهر رفیعی به شماره ملی ۵۲۴۹۹۳۲۷۲۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره - علی جبرانی به شماره ملی ۷۹۹۷۲۹۳۰۶۶۴۹۱۰۰۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره انتخاب گردیدند.
کلیه اسناد و اوراق بهادار و تمهیدات شرکت از جمله چک، سفته و برات با امضاء مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

**سازمان ثبت اسنادواملاک کشور**  
**اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران**  
**(۸۶۲۹۳)**

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

#### یادبود

**رفتی و رفتن تو آتش نهاد بر دل از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل**



**شادروان «جلیل صومعه‌نشین» «بازنشسته روزنامه اطلاعات»**

روز ۲۶مهر تلخ‌ترین روز زندگیـمان از راه رسید روز ۲۶مهر را هیچوقت از یاد نمی‌بریم روزی بود که دست بی‌رحم روزگار نازنین پدر -برادر- همسرمان را از ما گرفت و همه ما را داغدار کرد.

**جلیل جان** ۵سال است که از پیش ما رفتی و ما را با دریایی از غم و اندوه تنها گذاشتی در این ۵سال هر زمانی که به یادت می‌افتمیم ناخودآگاه نفس در سینه‌مان حبس می‌شود و آهی بلند از ته دل می‌کشیم حتی شکسته‌شدن دل‌هایمان را احساس می‌کنیم افسوس می‌خوریم که‌ای کاش زمان به عقب برمی‌گشت اما افسوس که(دوینا یالان دونیادی)به‌همین مناسبت روز پنجشنبه ۱۳۹۶/۷/۲۷ بر تربت پاکت در بهشت زهرا(س) قطعه ۹۹ ردیف ۱۸۳ شماره ۳۱ با شک‌هایمان مزار پاکت را شستشو می‌دهیم و یاد و خاطره‌های شیرینت را گرامی می‌داریم.

**دل‌های شکسته: صومعه‌نشین -طالبی - گرامی**

بیست و ششم مهرماه مصادف با اولین سالگرد درگذشت همسر مهربان و عزیزم **مرحومه شادروان خانم رفت ادیبی**، می‌باشد.

یکسالی را که با اندوه فراوان بدون او،ولی با یاداو گذراندم.

روحش شاد و یادش گرامی‌باد.

**همسر همیشه داغدارت جهانگیر شارد**

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

## ترحیم

بیست و نهم مهرماه امسال هم با دل‌هایی شکسته، ناآرام و بیقرار، هذهمین سالروز وفات یکی از نازنین‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین پسران دنیا، **مرحوم مغفور زنده‌یاد شادروان باقر خان خالدي** فرزند **مرحوم مغفور، فقید سعید شادروان محمد کاظم خان نصیر دیوان** و همسر بسیار مکرّم و سرشار از عشق مادر نورانی و گرانقدرمان، **مرحومه مغفوره بانو اسماء خالدي** فرزند **مرحوم مغفور زنده‌یاد شادروان محمود خان حشمت‌الملک** را گرامی می‌داریم.
با نهایت تسلیم و رضا به مشیت الهی و استعانت از درگاه با عظمت احدیت، برای روح پاک و پرفروغش، رحمت، مغفرت و علو درجات مسئلت می‌نماییم. ضمناً کلیه هزینه‌های برگزاری مراسم سالگرد صرف امور خیریه خواهد گردید.

**کامبیز، گردیز و گل‌ریز**

## تسلیت

**همکار ارجمند جناب آقای منصور یزدانیان**
با نهایت تأسّف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
**امور مالی - اداره حسابداری ها - بودجه و گزارشات - حقوق و دستمزد - سازمان وصول - اداره اموال و انبارهای موسسه اطلاعات و شرکت ایرناچاپ**

#### جناب آقای مهندس کوشافر

**مدیر عامل محترم و فرزانه**

**مهندسین مشاور ماهر و همکاران**

با نهایت تأسّف و تأثر عمیق عروج ملکوتی خواهر ارجمندتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده واز پیشگاه ایزد متعال برای آن بهشتی روان آرزوش و شادی روح و برای بازماندگان گرانمایه صبر و شکیبایی مسئلت دارند.

**«انجمن سمنانیان مقیم مرکز»**

#### جناب آقای مهندس کوشافر

**مدیریت محترم عامل**

**مهندسین مشاور ماهر و همکاران**

با نهایت تأسّف درگذشت خواهر گرامی را به‌حضرتعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده؛از خداوند متعال غفران و علو درجات برای آن شادروان و صبر و شکیبایی برای جنابعالی مسئلت داریم.

**شرکت ساختمانی پل بند سمنان**

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

**جناب آقای جمال‌الدین نقشبندی**
با نهایت تأثر و تأسّف خبر درگذشت همسر گرامیتان را حضور جنابعالی و فرزندان عزیز تسلیت عرض نموده،از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت و مغفرت و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی آرزو مندّم.

**بیژن فرهی**

**استاد ارجمند جناب آقای دکتر نیلفروزش زاده ریاست محترم انجمن متخصصین پوست ایران**
بدینوسیله ضایعه غمبار درگذشت والده مکرّمه همسر جنابعالی را تسلیت عرض نموده واز خداوند متعال شادی روح آن مرحومه، تسلی خاطر بازماندگان و شکیبایی خانواده محترم را خواستار یم.

**هیأت مدیره انجمن متخصصین پوست ایران**

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری

عباس‌آباد، تهران، ۱۳۰۵ قمری



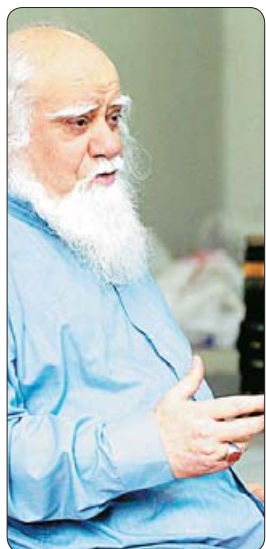




# فرهنگ

چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۶ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و دوم - شماره ۲۶۸۴۵

۳



گفتگو با استاد محمد حکیمی درباره الحیات منطق «الحیات»

۳۳

۵



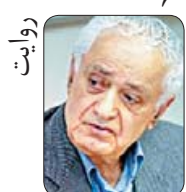
در کوچه باغ اندیشه کنار سفره آدم و حوا

۲



زندگی و آثار علامه محمد قزوینی

۶



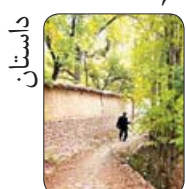
زندگی خودنوشت دکتر کامشاد انگشتی با نگین تابان

۷



استاد ناصر نجمی مورخ بیگانه ستیز

۶



«در باغ معنا» دنیای دیگر



آیت الله سید محمد حسن الهی طباطبایی عارف بی تکرار

علامه طباطبایی: برادر ما مردی باهوش و چیز فهم بود. (مهر تابان، حسینی تهرانی، چاپ دوم ۱۳۷۱، ۴۴، ۳۷۱)

وقتی شروع به تحریر و نگارش شرح حال مرحوم محمد علی ادیب ارتقایی (ادیب العلماء) کردم، فکر نمی کردم که پیش از پایان، زندگی استاد و مراد او مرحوم آیت الله سید محمد حسن الهی طباطبایی نیز بر این کار ضمیمه خواهد شد. باری، این دو شرح حال را همزمان و در عرض هم نوشته ام؛ کلامی درباره مرحوم ادیب نوشته ام، جمله ای مخصوص مرحوم الهی.

تقدیر چنین بود که بین دو گلستان بی خزان در تردد باشم و رامشگر دو جمال بی مثال الهی گردم. مقدر بود که این دو یار همزاد و صمیمی، باهم از خامه ای ناقص اما مشتاق فرو ریزند و از قطره قطره کلمات، صورتشان شکل گیرد و آشکارگی پذیرد. ظن و تصورم این است که حضور در واحه سبز زندگی این دو گلزار معنوی جزو لحظات خوش عمرم بوده است و امید که رشحه ای از رشحات برکات این دو ولی خدا، منجلاب زندگی ها را معطر و منور گرداند.

## دو برادر

وقتی علامه طباطبایی از نجف به ایران برمی گشت، آیت الله کمپانی (شیخ محمد حسین اصفهانی) از آیت الله خویی پرسید که: نظر شما در مورد علمیت ایشان چیست؟ او گفت: مجتهد متجسّزی، ولی من نظرم این بود که آقای طباطبایی چیزی از آقای خویی کم نداشت.

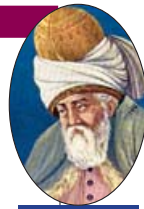
روزی که علامه طباطبایی نجف را به قصد ایران ترک می کرد، در خداحافظی با آیت الله خویی گفته بود: «نجف و ریاستش را برای شما گذاشتم و رفتم». (شمع همیشه فروزان، خاطرات و اسنادی منتشر نشده از آیت الله خویی، به کوشش محمد تقی انصاریان خوانساری، چاپ اول ۹۶، انتشارات انصاریان / ۳۱۶)

آیت الله محمد تقی بهجت بعد از بیان این مطلب، خاطره ای دیگر نقل می کند:

آیت الله خویی خودش را بر دیگران مقدم می دانست، از جمله بر علامه طباطبایی. آقای طباطبایی در نجف مجلس روضه ای داشت که آقای خویی هم می آمد. بعد از روضه، این دو در یک مبحث اصولی وارد بحث شدند که طول کشید ولی آقای طباطبایی کم نیاورد و مثل کوه ایستاد. تا آخر هیچ کدام تسلیم نشدند و علامه طباطبایی کم نیاورد. بعد از فوت آیت الله خویی آیت الله بهجت بعد از نقل این ماجرا گفته بود: شاید هم در آن بحث، حق با علامه طباطبایی بود. (شمع همیشه فروزان / ۳۱۲ و ۳۱۳)

اینها و غیر اینها نشان می دهد که علامه طباطبایی و برادرش در ایام اقامت در نجف جزو وزنه های علمی (یعنی فقهی و اصولی) نجف بودند و اگر در نجف می ماندند، حتما به مقامات بلند از جمله «مرجعیت» نایل می شدند. این قول قدر مسلم است و کسی در حقیقت و امکان وقوعی آن

## آموزه



مولانا

حکمت همچو باران است، بی پایان در معدن خویش اما به قدر مصلحت فرود آید؛ در زمستان و بهار و تابستان و پاییز به قدر او...

## قلم انداز

## امتداد اما بی قاعده

ما تصویری از دنیای غیر حقیقی نداریم و اساساً چنین دنیایی برای ما قابل تصور نیست تا شناخته شود یا ناشناخته بماند.

نتیجه ای که می توان اخذ کرد، این است که آنچه به عنوان دنیای مجازی یا عالم مجازی شناخته می شود، در اصل در مقابل دنیای واقعی قرار ندارد و بیرون از حوزه آن نیست بلکه جنبه ای دیگر از آن است که البته نوپدید است. به تازگی کشف شده و به حسب جنس و سنخ هم تفاوت هایی با دنیای واقعی دارد. این تفاوت ها از هر چیز در گستردگی دنیای مجازی و قابلیت ها و امکانات آن نهفته است که باعث امتداد یافتن عالم حقیقی می شود و مرزهای آن را به شدت توسعه می دهد.

بر خلاف کسانی که صرفاً دنیای سایبری را عالم مجازی می دانند، اصولاً هر چیزی را که مرتبط با موج است و با دست موج در زندگی ما حضور می یابد، باید مجازی بدانیم. طبق این تلقی، علاوه بر فضاهای اینترنتی، فضاهای تصویری نیز شامل دنیای مجازی می شوند که از بازیهای ساده الکترونیکی شروع می شود و به بازیهای پیچیده و آنگاه فیلم های مختلف مخصوص خردسالان و جوانان و بزرگسالان می رسد. چیزی که آشکار است، این است که نمی توان مقوله تصویر را یک بخش عمده از دنیای مجازی ندانست.

اکنون ما به راحتی می توانیم دنیای مجازی را شناسایی کنیم. اگر در هویت تصویر و مختصات آن و آنچه را که به حسب روانی و جامعه شناسی برجای می گذارد، تأمل کنیم و سپس در قدرت ها و قابلیت ها و امکانات حیرت آور در فضای سایبری با گونه های مختلف ارتباطی قابل تصور در آن بیندیشیم، فضا یا دنیای مجازی را دنیایی خواهیم یافت که با جسم در آن حضور نمی یابیم بلکه با بخشی از ذهن خودمان در آن حضور می یابیم و سپس با تمام وجود در آن استقرار پیدا می کنیم.

به عبارت دیگر، دنیای مجازی دنیایی است که برای رسیدن به آن لازم نیست خود را آماده کنیم، استحمام کنیم، لباس بپوشیم و با سرو وضعی مرتب و با اطلاع و برنامه قبلی به آنجا برویم و مناسبات و قواعدی را جهت حضور در آن مراعات کنیم. به عنوان مثال، ما برای تلفن زدن، از روش خاصی استفاده نمی کنیم و برای این کار آیین و منش و مناسبات و شیوه خاصی وجود ندارد.

هم چنین برای گوش دادن به موسیقی یا دیدن فیلم، از قواعد و قوانین خاصی تبعیت نمی کنیم. نیز برای زدن ایمیل و وبلاگ نویسی، هم چنین پست و امثال آن هرگز از مقدمات خاصی پیروی نمی کنیم. به طور کلی، عالم مجازی، عالمی بی قید و بی تشریفات و مهمتر از همه بی قاعده گی است. بدین ترتیب، عالم مجازی، به عنوان امتداد بخش عالم حقیقی، در نخستین صفت خویش بی قاعده است.

بنابراین، انسانها در جستجوی فراتر رفتن از قواعد و مناسبات وارد عالم مجازی می شوند و بی هیچ آداب و تربیتی در آن حضور می یابند اما موضوع به همین حد محدود نمی ماند.





## فرزانگان



## شهیر انصاری

علامه قزوینی یکی از راهبران انجمنی بود که بین سال‌های ۲۰ - ۱۹۱۶ مجله «کاوه» را در برلین به چاپ می‌رساند، که علناً طرفدار دولت آلمان بود. قزوینی در انتشار این مجله سهم بسزایی داشت و یک سری مقالات تحت عنوان «اکاذیب مضحکه» را در کاوه به چاپ رساند و همچنین مقالات دیگری از قبیل نوشتن «فارسی صحیح» و ادبیات فارسی بعد از حمله اعراب در قرن ۷ هجری.

علامه قزوینی در مدت اقامت ۴/۵ ساله خود در برلین بیشتر وقتش صرف مطالعه نسخ عربی و فارسی در کتابخانه سلطنتی برلین بود. وی مشتاق به برگشت به پاریس بود تا بتواند جلد دوم تاریخ جهانگشای جوینی را که ناتمام گذاشته بود را به اتمام برساند. در اواخر سال ۱۹۱۹ بود که محمدعلی فروغی دوست قدیمی قزوینی به پاریس آمد، وی از او خواست تا به او کمک کند تا بتواند ویزای فرانسه را بگیرد.

مرحوم قزوینی در برلین با تعداد بیشماری از شرق‌شناسان معروف و به نام آلمانی آشنا شده و از علوم ایشان استفاده کرد، از جمله پرفسور ادوارد مارکدات مؤلف کتاب «ایران‌شهر» در باب جغرافیای قدیم ایران که زبان‌های پهلوی، فارسی، عربی، ارمنی و سریانی را به خوبی می‌دانست. دیگری پرفسور زاخائو که یکی از مستشرقین مشهور در باب زبان‌های عربی، سریانی و سانسکریت است و تالیفات گرانهای ابوریحان بیرونی را زنده کرده است. دیگر دکتر مورتیز مدیر کتابخانه مدرسه السنه شرقیه در برلین که متخصص در قرائت خطوط مختلفه اسلامی بوده. دیگر پرفسور، مارتین هارتمن مستشرق معروف و متخصص در زبان‌های عربی و ترکی و صاحب تالیفات بسیار بود. وی در سن ۷۰ سالگی در محضر قزوینی به فراگیری زبان فارسی مشغول بوده است.

دیگر پرفسور اسکارمان که فارسی و کردی را بسیار خوب می‌دانسته و چندین تألیف در باب زبان کردی دارد. دیگر پرفسور میتوخ عربی دان معروف و پرفسور فرانک متخصص در زبان سریانی می‌باشند.

و بالاخره پرفسور سباستیان یک مؤلف صرف و نحو مفصلی از زبان فارسی به آلمانی است که با وجود کثرت اشتباهات آن جامعترین نحو صرفی است که تاکنون برای زبان فارسی نوشته شده است.

علامه قزوینی افسوس در مدت اقامتش در آلمان موفق به دیدار با بزرگترین مستشرق آلمان استاد تئودور نولدکه در استراسبورگ اقامت داشته نشد. چون قزوینی در زمان جنگ از شهری به شهر دیگر می‌رفت از این دیدار محروم شد. وی مؤلف کتاب معروف تاریخ ساسانیان است. وی زبانهای عبری، سریانی، پهلوی و فارسی را یخویی می‌دانست. مستشرقین برای جشن تولد ۷۰ سالگی وی کتاب بزرگی در ۲ جلد راجع به شرح حال او نوشتند.

قزوینی می‌گوید: برای مدت ۴/۵ سالی که من تا بعد از خاتمه جنگ در برلین گذراندم باید کتابی از مشقات و سختی‌های دوره جنگ که برای همه شهرنشینان آلمان بود بگویم بنویسم. باری این چندین سال را در مصاحبت دوست قدیمی خود آقای سیدحسن تقی‌زاده بودم.

## برگشت به پاریس

قزوینی ژانویه ۱۹۲۰ از برلین به پاریس آمد و

تا آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹) در آن شهر به سر برد. فروغی توانست برای قزوینی حقوق سالیانه‌ای از طرف دولت ایران برقرار کند. وی همیشه از اینکار دوست قدیمی‌اش فروغی ممنون و سپاسگزار بود که توانست تا اندازه‌ای وضع معیشت و زندگی روزمره قزوینی را تأثیربخش باشد.

وی در این زمان که ۴۵ سال داشت با یک خانم فرانسوی ازدواج کرد که ثمره آن یک دختر بنام ناهید یاسوزان است. قاسم غنی می‌گوید: زرا یک زن بسیار ساده‌ای بود که مناسب با روحیات قزوینی. وی خانه گرم راحتی را برای قزوینی ساخت و به همین دلیل قزوینی توانست به کارهای علمی و تحقیقی خود ادامه دهد. وی روزهای یکشنبه و هر روز نهار و شام را با خانواده صرف می‌کرد.

## زندگی و آثار ۲/۱

## علامه محمد قزوینی

در این زمان مدرسه زبانهای شرقی و کتابخانه ملی و هم چنین کالج دفترس از قزوینی خواستند تا طبعه فرانسه شود و بتواند در این مراکز علمی بکار مشغول شود. وی این پیشنهاد را قبول نکرد و می‌گفت چگونه من می‌توانم یک فرانسوی باشم و اینکار برایش بی‌معنی بود. هر چند که وقتی ادوارد بلوچه کتابدار کتابخانه ملی پاریس در اثر بیماری مجبور به ترک پست خود شد از قزوینی خواستند که اینکار را قبول کند.

علامه قزوینی آپارتمانی خرید و بالاخره موفق شد کتابهای ارزشمندی را که برایش هم خیلی عزیز بودند را به منزل جدیدش ببرد. او بیش از ۴۰۰۰ کتاب بزبانهای فارسی، عربی، ترکی و فرانسوی داشت و معمولاً برای تحقیقات خود به هیچ کتاب دیگری احتیاج نداشت. کتابهای وی امروز خیلی با ارزش هستند بخاطر نُت‌ها و یادداشت‌هایی که در آن کتابها نوشت. گاهی اوقات این نِت‌ها انتقادی و گاهی نویسنده را تحسین کرده است. گاهی نیز علامت سؤال و یا تعجب می‌گذاشت. او همه کتابهایش را با دقت مطالعه کرده و آنها را تصحیح نموده حتی یک کوما یا نقطه‌ای را از قلم نینداخته است. این کتابها هم‌اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

در سال ۱۹۲۵ وقتی که کلاهد هارت فوت کرد وی که در مدرسه زبانهای شرقی پاریس تدریس می‌کرد، این شغل را به اقبال و مینورسکی پیشنهاد دادند ولی هر دو فکر کردند اگر قزوینی این شغل را بپذیرد می‌تواند بدهی را که بابت آپارتماناش دارد بپردازد. این واقعه دوستی عمیق بین قزوینی و دوستان نزدیک وی را نشان می‌دهد. اقبال که از طریق مقاله‌های قزوینی در کاوه وی را می‌شناخته به پاریس رفت و بین این دو دوستی عمیق برگزار می‌شود. اقبال همیشه از مهمان‌نوازی و صحبت‌های جالب علمی قزوینی سخن می‌گفت.

در سال ۱۹۲۸ تیمور تاش وزیر دربار وقت به پاریس آمد و قزوینی را در منزلش ملاقات کرد. او از قزوینی خواست که یکی از کتابهای نایاب نسخ فارسی را تهیه و به ایران بفرستد. بعد قرار شد که سالانه ۱۰۰/۰۰۰ فرانک از ایران برای قزوینی جهت اینکار بزرگ فرهنگی بفرستند. مرحوم قزوینی مجموعاً ۱۸ جلد نسخ عربی و فارسی را

از کتابخانه‌های لندن، برلین، پاریس و لنینگراد و قاهره را کپی کرده و به تهران فرستاد. اینکار را در عرض ۱۰ سال انجام داد تا وقتی که تیمور تاش از کار برکنار شد و این قرارداد بین تیمور تاش و قزوینی فسخ شد.

قزوینی هر ساله یک یا دو کتاب را با مقدمه



مفصل به ایران می‌فرستاد. بعضی از این کتابها توسط محققین دیگر بچاپ رسید. تمام این کتابها در کتابخانه دانشکده ادبیات نگهداری و ضبط شده است.

بعد از چاپ جلد دوم «تاریخ جهانگشا»ی جوینی، ۱۵ سال دیگر طول کشید تا وی جلد سوم آنرا به اتمام برساند. اعضای اوقاف گیب که از این انتظار خسته شده بودند بالاخره دنیس روس را به پاریس فرستادند تا به قزوینی اولتیماتوم دهد که اگر در عرض ۲ سال این جلد را تمام نکند اینکار را به کس دیگری واگذار خواهند کرد.

روس متوجه شد که این تأخیر بخاطر بدست آوردن نسخه اصلی عربی یک دوبیتی است که مرحوم قزوینی ۵ سال دنبال آن بوده است. برآون گفته است که قزوینی هر کاری را می‌خواهد در حد کمال و کامل انجام دهد و از این وسواس قزوینی انتقاد می‌کرد. براون معتقد بود که این کتابهای بارزش و کمیاب که خیلی از آنها در اثر جنگ‌ها و حادثه‌های دیگر از بین نرفته‌اند باید هر چه زودتر بچاپ برسند. ولی قزوینی معتقد بود که هرکاری باید به نحو احسن و کامل انجام شود.

## برگشت به ایران

زنده یاد علامه محمد قزوینی در سال ۱۹۳۹ که مصادف با آغاز جنگ جهانی دوم بود بعد از ۳۶ سال تصمیم به بازگشت به وطن گرفت. وی با انتقال کتابخانه خودش به تهران همه وابستگی‌اش را با اروپا قطع کرد.

او از تاریخ ورودش به ایران در تهران زندگی کرد و هم چنان ادامه به تحقیق و مطالعه داد و بیشتر اوقاتش را با دوست قدیمی خود دکتر قاسم غنی صرف اصلاح «دیوان حافظ» کرد که بعداً به چاپ رسید. همینطور همکار عباس اقبال شد دل‌آزار را تصحیح کرد. این دو کتاب را دانشمندان از بهترین کارهای علمی قزوینی دانسته‌اند.

دانشگاه تهران از وی درخواست کرد تا به تدریس در دانشگاه تهران مشغول شود ولی او این تقاضا را رد کرد و گفت من در کار تدریس هیچ

تجربه‌ای ندارم و تنها چیزی که بلدم تصحیح نسخ قدیمی است. به او خواستند لقب استاد افتخاری بدهند که او آنرا نیز رد کرد. محمد فرخ که نیابت آستان قدس رضوی را در آن دوره داشت مقداری پول برای قزوینی فرستاد تا وی نسخ خطی‌ای که در کتابخانه آستان قدس رضوی بود را اصلاح کند. قزوینی آن مبلغ را برای وی پس فرستاد و گفت من نمی‌دانم که آیا آنقدر زنده خواهم بود که اینکار را به انجام برسانم و نمی‌خواهم که ورثه‌ام زیر دین کسی باشد. قزوینی همین جواب را به وزارت دربار وقت داد که از وی دعوت شده بود برای کتابخانه سلطنتی فهرست راهنما تهیه کند.

پس از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۹۲۵ به کمک ۲۴ تن از دانشمندان ایرانی، فرهنگستان تأسیس شد. (برای اسامی آنان به رشید یاسمی، ادبیات معاصر ایران، تهران انتشارات ابن‌سینا ۱۹۷۳ مراجعه‌شود)

وظیفه اصلی فرهنگستان خالص کردن زبان فارسی از زبان‌های خارجی بود. در واقع هدف این بود که لغت‌های عربی را با لغت‌های قدیمی فارسی جایگزین کنند. این عمل تأثیر بسزایی روی شاعران و ادیبان گذاشت و بسیاری شعرهای جدید با لغات جدید می‌سرورند و تغییرات فاحشی در ادبیات فارسی بوجود آمد. هرچند که قزوینی با این عمل فرهنگستان موافق نبود و معتقد بود که لغت‌های عربی که همه ما با آن آشنائی داریم بهتر از آنست که با لغات قدیمی فارسی جایگزین شود. با این حال او یکی از اعضای دائمی فرهنگستان بود. وی هم‌چنین عضویت شورای کتابخانه ملی تهران را پذیرفته و با سمت ریاست در جلسات آن که ماهی یکبار تشکیل می‌شد در کتابخانه ملی حضور می‌یافت. شاید این تنها دعوتی بود که او برای شرکت در مجامع فرهنگی پذیرفته بود و این را وظیفه خود می‌دانست و با میل و رغبت در جلسات حاضر شده و برای بهبود وضع فنی کتابخانه و مخصوصاً کوشش در امر تسهیل خریداری کتابهای مفید بخصوص نسخه‌های خطی دقیقه‌ای فرو نمی‌گذاشت.

کتابهایی که به همت وی تهیه شده از نفایس این کتابخانه بشمار میرود. در بازگشت به ایران وی با مجله یادگار که توسط اقبال اداره می‌شد همکاری داشت و یک سری مقالات راجع به زندگی بزرگانی که در زمان حیات وی وفات کرده بودند را به نام وفات معاصرین نوشت که در ۳ سال آخر این مجله بچاپ رسید.

## فوت علامه قزوینی

فوت علامه قزوینی باعث تأثر و تألم بسیار میان دوستان، دانشمندان و دانش‌پژوهان شد. عباس اقبال آشتیانی دوست دیرینه وی مقاله‌ای تحت عنوان «ضایعه عظیم جبران‌ناپذیر» در مجله یادگار صفحه اول را به فوت وی اختصاص داد. (یادگار سال ۵ شماره ۸۱۹). وی می‌گوید: قزوینی در روز جمعه ۶ خردادماه (۱۳۲۸) شمسی مطابق با ۲۸ رجب ۱۳۶۸ ق. ه. ۲۷ می ۱۹۴۹ ساعت ۱۰/۵ در کوچه دانش خیابان فروردین تهران بعد از ۳۶ سال دوری از وطن و در غربت زیستن با امید و آرزوهای بسیار که یکی از بهترین آنها مردن در خاک وطن و جان سپردن در میان دوستان و فامیل بود وفات یافت. هرچند که در این هنگام نه برادرش و نه هیچیک از دوستان نزدیکش در تهران نبودند.

جسد وی به مدرسه سپهسالار حمل شد و پس از اجرای آداب مذهبی در مزار شیخ ابوالفتح رازی در حضرت عبدالعظیم در ری به خاک سپرده می‌شود. وی که به شوق خدمت به احیای تاریخ و ادبیات ایران درست نیمی از عمر خود را در غربت به سر برد، تا آخرین لحظات عمر هیچ اندیشه‌ای جز آینده نامعلوم دختر یگانه و همسر غریب خود نداشت.





اشاره: در شماره‌های قبل با مراحل نگارش کتاب «الحیات» آشنا شدید. آنچه می‌خوانید ادامه این داستان از زبان یکی از مولفان گرانقدر این کتاب ارزشمند است.



استاد محمد باقر

«هدف شما از نوشتن الحیات چه بود؟»

ما اجمالاً دردهای بشریت را می‌دانستیم و پاسخ مکاتب را هم که عمدتاً انسان در لیست اقتصادی، سیاسی و تربیت‌شان بود خوانده بودیم و می‌دانستیم. به‌ویژه با پاسخ اقتصادی مارکسیسم آشنا بودیم، این را هم می‌دانستیم اسلام برتر از مکاتب دیگر به نیازهای اصلی بشر پاسخ داده، به این دلیل وارد الحیات شدیم که پاسخ‌ها را تفصیلاً بیاییم و به نیازهای انسان از راه قرآن و

حدیث پاسخ بدهیم.

در برابر مکاتبی که در بهترین حالت باز هم کم‌رنگ‌تر از اسلام ظاهر می‌شوند البته در میانه کار تکامل پیدا می‌کرد به‌خصوص در مورد اقتصاد، ما اقتصاد را در دوره جمهوری اسلامی برای چاپ تدوین کردیم. این جا عینیت نیازها مانند مسئله مالکیت، مالکیت‌های کلان، فقر، بیکاری، کارگری، کشاورزی، صنعت داخلی، وابستگی خارجی بیشتر نمود پیدا کرد. نگاه ما به فرد در پرتو جامعه بود. ایدئولوژی مطلوب شسته رفته‌ای در ذهن ما وجود داشت، ایدئولوژی که در برابر سرمایه‌داری و مارکسیست می‌ایستد.

«الان فکر می‌کنید همان نگاهی که به الحیات داشتید و مسئله و موضوع شما بود، الان هم جواب می‌دهد؟»

دقیقاً همین‌طور است. نگاه ما ربطی به مارکسیسم نداشت؛ نگاه ما براساس تئوری‌ها دینی بود که الان هم در برابر تفکر سرمایه‌داری غرب و آزادی سود و سرمایه که مخالف اسلام است می‌ایستد. ما الان هم معتقد هستیم که نجات بشریت در راه الحیات است یعنی در راه اسلام اصل کاری هست، نه اسلام عربستان و نه اسلام بعضی از آخوندهای قم که نمی‌فهمند حرف اسلام چه چیزی است. مجموعه‌های روایی بی‌پیش از الحیات تدوین مکتبی و ایدئولوژی ندارند. ما در الحیات تربیت فرزندان داریم، بخش تربیت الحیات را بخوانید، بقیه کتاب‌ها تربیتی را هم مطالعه کنید، حتماً اصول اساسی و چهارچوب‌های مثبتش را در الحیات می‌یابید. فکر نکنم کتابی مانند الحیات این‌گونه جامع به انسان پرداخته باشد.

«چرا به کلمه الحیات رسیدید؟»

این اسم را اخوی انتخاب کرد، در آغاز کار من و اخوی علی به نام مجموعه فکر نکردیم، شاید اگر ما اسم برای مجموعه انتخاب می‌کردیم از اسم‌های ترکیبی بزرگ بهره می‌بردیم.

«می‌شود گفت شما از آدم‌هایی مثل شهید صدر برای نوشتن الحیات تأثیر گرفتید؟»

نه، این موضوع را قبول ندارم. کتاب آقای صدر در یک زمینه روی من تأثیر گذاشت و آن این که دیدم یک آخوند نجفی اقتصاد مارکس را خوب خوانده و اقتصاد سرمایه‌داری را هم خوب بلد است. کجاهای اسلام به این موضوعات ربط دارد را هم خوب می‌فهمد و می‌تواند از آن استفاده کند و از برتری‌های اسلام بگوید. این موضوع روی من تأثیر گذاشته بود. با خواندن کتاب آقای صدر در حرف‌های خودمان قرص شدیم که یک فقیه نجفی هم از این حرف‌ها می‌زند. بیش‌تر از این جهت نوشته آقای صدر برای من ارزشمند بود که یک فقیه نجفی هم به حرف‌های ما رسیده است بیلی به کمر مالکیت‌های زمین زده، درباره زدايش فقر حتی در صورت گرفتن اموال سرمایه‌دار سخن گفته است.

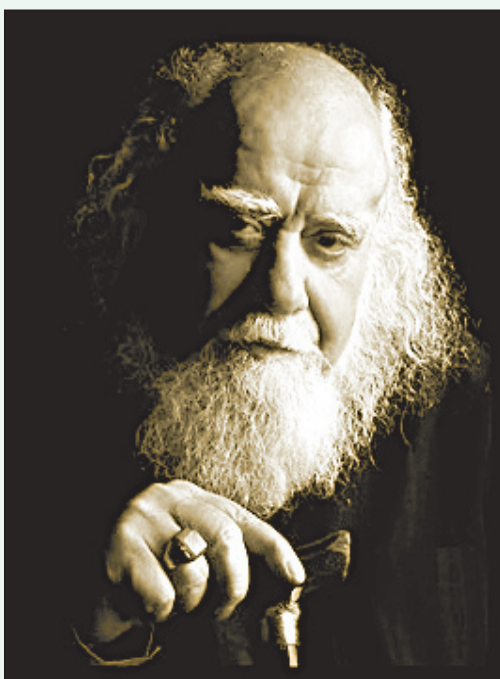
«بازخوردهای علمی و اجتماعی نسبت به الحیات چه بود؟ چه کسی از کار انتقاد کرد؟ آسیب‌شناسی نمود؟ کار را تحسین کرد.»

متأسفانه در جامعه ما به خاطر این که در حوزه‌ها حدیث کم‌تر مطرح بود، نهج‌البلاغه هم مطرح نبود و الان هم نیست، به صحیفه توجه نمی‌شد. ما از همه ادعیه برای ابواب الحیات استفاده کردیم، در اسراف و سطح زندگی از صحیفه سجادیه بهره بردیم، همه ادعیه را دوره کردیم، ابوحزمه ثمالی را مطالعه نمودیم، دعای عرفه امام حسین (ع) را خط به خط خواندیم. ما مضامین را نگاه می‌کردیم، با چهارچوب‌های دین اگر همخوانی داشت قبول می‌کردیم.

«شما به اصالت محتوا اعتقاد دارید؟»

بله، ما به اصالت محتوا اعتقاد داریم. آقای سیستانی در جلسه آخری که من نجف بودم گفتند: احادیث را باید با روح اسلام سنجید! این حرف بسیار خوبی بود و در ذهن من ماند. همه ادعیه و روایات ذیل آیات به کار برده می‌شوند یا هم مضمون آن مطلب یا حدیث را داریم. اگر حدیثی در صحیفه سندیت ندارد ما برای آن هم‌مضمون داریم که آن حدیث هم مضمون سندیت دارد و سندش درست است. چهارچوب‌های کلی و نگرش‌های آیه‌ای و حدیثی باهم مورد بررسی قرار می‌گیرد. ما از کسی بازخوردی دریافت نکردیم، فقط

## گفتگو با استاد محمد حکیمی - ۳ منطق «الحیات»



علامه محمدحسین مکارم شیرازی

در مورد استثمار به معنای بهره‌کشی گیر کرده بودیم که به صورت معجزه آسا چند تا حدیث خوب پیدا کردیم که به کارمان آمد. ما آن را کم بها دادن به کار و کالای مردم ترجمه کردیم که بهترین ترجمه است، استثمار حرف دوم انبیا است. اول کار این‌ها به ذهن‌مان نرسید، کم‌کم در بحث‌های اقتصادی این موضوعات به ذهن‌مان رسید. بحث اول انبیا اول پرستیدن خدا است و دوم استثمار نکنید، مشکلی که بشریت الان هم گرفتارش است.

«فکر می‌کنید الحیات که طبق فرمایش شما خط اعتدال در نگاه به دین است، توانسته آن طرز تفکر را در جامعه تکان بدهد یا دیگران را تحت تأثیر قرار بدهد. بازخوردهایی در این زمینه داشتید؟»

خیر، ما روابط اجتماعی‌مان بسیار محدود است و در میان مسئولان و مردم نیستیم. اقتضای تألیف این است که آدم ملاقات‌هایش را حذف کند. من ندیدم مسئولان یا سررشته‌داران تحت تأثیر الحیات قرار گرفته باشند یا خبر نداریم یا نیست. الحیات هم آن‌طور که باید و شاید نشر نشده چون به هر حال کسانی پیدا نمی‌شوند که این مجموعه را بخردند و نشر بدهند و یا به صورت ارزان در اختیار همگان قرار بدهند. هنوز نشر همگانی نصیب الحیات نشده، مهم‌ترین دلیلش هم این است که ما معتقدیم این کتاب نباید به یک جریان یا یک حکومت وصل شود چون که اسلام است و اسلام هم جهانی هست. این کتاب باید به صورت گسترده منتشر شود، دولتمردان که می‌توانند میلیاردری خرج کنند و کتاب را بخردند به دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها، سخنرانان، علما، اشخاص، شخصیت‌ها و... هدیه بدهند که آن‌ها هم چنین کاری نمی‌کنند. اگر هم بخواهند چنین کاری بکنند باید بدون نام این کار را انجام بدهند. به نظر ما چون این کتاب اسلام است و اسلام را با این کتاب می‌شود شناخت، نه با چیزهای دیگر، بحار مجلسی را اگر بخوایم گسترش بدهیم، چیزهایی در کتاب نوشته شده که نمی‌شود در اختیار همگان قرار داد. اسلام الحیات آن جور که باید و شاید عرضه نشده، دست کم در کشور ما باید هشت تاده میلیون، نه پنج میلیون نفر از حوزویان، دانشگاهیان و فضالای این طرف و آن طرف می‌توانند از این کتاب استفاده کنند ولی از این کتاب پنج میلیون نسخه چاپ نشده. هیچ‌کس زحمت نشر و گسترش فکر

و فرهنگ این کتاب را متحمل نشده، من چندین کلاس الحیات در مشهد و قم داشتم، اول بیست تا سی طلبه در کلاس حاضر می‌شوند و در آخر فقط پنج شش نفر باقی می‌مانند. ذهن‌ها چهارچوب ندارد، این کتاب مجهول‌القدر است، همه جا هم از اسمش استفاده می‌کنند. الحیات به خاطر نبود تفکر و دانش لازم برای مطالعه کنندگانش آن‌گونه که باید و شاید شناخته نشده، یکی از آرزوهای ما این بود که کسی برالحیات مستدرک بنویسد ولی چه کسی باید مستدرک بنگارد؟ کسی که از این سه مؤلف به فرهنگ روز دقیق‌تر واردتر و آشناتر باشد. با مسائلی مثل سکولاریزم، فمینیسم، تکثرگرایی و... را بداند، به روایات مسلط باشد، الحیات و روایات را بخواند تا بتواند برالحیات مستدرک بنویسد ولی چنین مغزهایی نداریم، اگر هم داریم حوصله وارد شدن به چنین بحث‌هایی را ندارند، باید بحار و دویست جلد کتاب دیگر را بخواند، اگر این‌گونه باشد می‌تواند پنجاه جلد مستدرک هم بنویسد.

«شما چه اندازه به اتقان کار علمی خودتان در زمینه حدیث‌شناسی، رجال‌شناسی، سندشناسی و بحث‌های این چنینی معتقد هستید؟»

ما بخشی از این ریزه‌کاری‌ها را در سندشناسی اصلاً قبول نداریم. با همان سبک قدمای اصحاب حدیث مانند شیخ‌نوری حالا متأخر، وسائل یا خود کافی کار را انجام دادیم. علمای بزرگ ما مانند کلینی، شیخ‌نوری، شیخ حر عاملی، شیخ مفید و شیخ صدوق مضمون شناس و محتواشناس بودند، خیلی موشکافی نمی‌کردند، این درست است که راویان جاعل و جعال هم داشتیم، لذا گفته شده اگر کسی ضابط نبود، حدیثش را قبول نکن چون پرت و پلا می‌گوید ولی اگر انحراف عقیده داشت چون آدم خوبی است، حدیثش را قبول کن. پس معلوم می‌شود ملاک این است که حدیث مورد نظر از امام هست یا نیست، این ملاک کار ما بود که ملاک شیخ صدوق هم به شمار می‌رفت ملاک، ملاک شیخ‌نوری در مستدرک الوسائل است. آن‌ها روی سندهای‌شان خیلی پافشاری نمی‌کردند. ما بیش‌تر به محتوا اهمیت می‌دهیم به اضافه روح اسلام و چهارچوب‌های اصلی، بیشتر باب‌های ما یک آیه قرآن دارد، ما آیات قرآن را ملاک گرفتیم، ما عقلانیت حاکم بر دین اسلام و روایات را ملاک قرار دادیم. مضمون حدیث اگر با کلیت دین، با چهار تا حدیث دیگر و با آیه می‌سازد ولو ضعیف باشد، معتبر است.

«برادران حکیمی بسا کلمه و موضوع مکتب تفکیک گره خوردید، الحیات خروجی یک عمر علمی شما و اعتقادی شما است، آیا در این تناسبی وجود دارد؟ آیا تفکر مکتب تفکیکی شما در الحیات ظهور و بروز پیدا کرده، الحیات می‌تواند نماد تفکر تفکیکی شما باشد؟»

تفکیک بیش‌تر در محورهای توحید و معاد کاربرد دارد، همان اصولی که فلسفه یونانی و انواع و اقسامش یک تفکری در تولید دارند و بقای بعد از مرگ و معاد و اسلام یک تفکری دارد، خدای اسلام با خدای ارسطو فرق دارد، تفکیک بیش‌تر به این‌گونه چیزها ناظر است. ولی به طور کلی عقلانیت دینی، طلب و استخراج نیازهای انسان عاقل امروز از متن دین جوهر تفکیک است. ما این زلال دین را خواستن و نیازها را برآورده کردن ما از آقا شیخ مجتبی آموختیم. آقا شیخ مجتبی بود که گفت دین را با خود دین مطالعه کنید، تطبیق و تأویل نکنید. آقا شیخ مجتبی با تأویل خیلی بد بود، می‌گفت آن‌ها یک چیزی در فلسفه‌شان هست که به زور بعضی آیات را با آن تطبیق می‌دهند. تفسیر قرآن با حدیث درست است. این چیزها را ما از مکتب تفکیک گرفتیم ولی حالا در تألیف این کتاب این‌گونه نبوده که ما چهارچوب‌های غیر تفکیکی را بگوییم یا تفکیک را سبز کنیم.

«آن عقلی که در تفکیک به دنبالش هستید با عقلی که بر الحیات حاکم است، یکی به شمار می‌آید؟»

عقل ناب انسانی با این که تعریف واقعیتش را نمی‌دانیم و از نظر ما یک جوهری در روح است، یک نیروی اضافه‌ای هست که به روح داده شده است، روح عاقل نیست، به کمک او روح می‌فهمد، ممکن است کسی بگوید خود روح است، کاری به آن ندارم، سلول‌های مغزی هم ابزارش است. ما کلیات را درک می‌کنیم، کلیات وجود ندارد، همین عقل معیار کار ما در الحیات بوده است، در مقوله عقل و معقولات تفکیک با مکاتب دیگر دارای وحدت نیست. تباین دارد، تنافی ندارد. موجودات طبق اصل علیت، علت دارند، ما به این قائل هستیم، فلسفه‌های الهی و مادی هم به این موضوع قائل هستند. مادی‌گرایی علت را ماده می‌داند، این علیتی که ما می‌گوییم مبدا اصلیش خدا است، آن‌ها می‌گویند علت العلل هست. این با آن از زمین تا آسمان فرق می‌کند. دیگر دعا در علت العلل مفهوم ندارد. تغییر سرنوشت مفهوم نیست ولی برای ما مفهوم دارد. پایان



## فرهنگی

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۳۳۰ **اظهاریات**

ادامه از صفحه اول



میرزا حسین

نقل می‌کرد: سیدعلی آقا قاضی، پدرم، این دو برادر را می‌خنداند که زیاد ضمه نخورند ولسی آن دو از روی ادب نمی‌خندیدند. وقتی موضوع شنیدیم می‌شد، آقا سیدحسن می‌رفت بیرون می‌خندید و برمی‌گشت. البته ارتحال پدر من حدود ۱۵ سال قبل از عمومیم علامه طباطبایی بود. ازدیاد محبت عمو بعد از مرگ پدر برای من کاملاً محسوس بود (گفتگوی نگارنده با معظم له)

مهندس عبدالباقی طباطبایی، فرزند بزرگ علامه رابطه دو برادر را «عاشقانه» توصیف می‌کند: دو برادر عاشقانه با هم برخورد می‌کردند. معاشر نشان همیشه لطیف و زیبا و خندان بود. خیلی به هم علاقمند بودند. از هم سیر نمی‌شدند و برخوردشان عاشقانه بود. (الاهی (۷۷) ادامه می‌دهد: آقای الهی فردی بود با برخوردی ششاد و زیبا. خوش اخلاق و خلیق بودند. برخوردشان نرم و ملایم بود. همه از برخورد ایشان لذت می‌بردند . (همان/ ۸۱)

این هم جالب است که آیت الله الهی در یکی از مصنفات خطی اش، شعری از برادرش علامه طباطبایی را

با خط خودش درج کرده است با این تعبیر: از نتایج طبع

شریف آقای اخوی دامت ایام افاضاتهم در بلده قم:

از دل آن روز که مسن زاده ام

باغ ده دل بوده و دل‌داده ام

تا بیه ره افتاده ام از کودکی

هیچ نیاسوده دلم اندکی

شهر و ده و سینه دریا و کوه

گشتم و بگذشتم و دل در ستوه

بعد از این مقدمات، چیزی که موضوع این گفتار

است، فضل ناشناخته و فضیلت ناگفته مرحوم آیت‌الله‌سید

محمدحسن الهی طباطبایی است که به‌شکلی باورنکردنی در نیم قرن گذشته ناگفته و نانوشته مانده است و چوَنان رازی، پوشیده و مستور افتاده است.

**جهان فکری یک متفکر**

سخن را درباره سید محمد حسن الهی طباطبایی می‌توان از اینجا شروع کرد که گفته است: «من چه امتیازی نسبت به دیگران دارم؟ وقتی من برای تحصیل به نجف رفتم، اگر یک پهلوی هم همراه من در کلاس‌هایی که من در آنها حاضر بودم، حضور می‌یافت و همان درس‌ها و کتاب‌ها را او هم می‌خواند، همین مقدار که من می‌دانم، او هم می‌دانست و همین می‌شد که من شده ام!» می‌گفت و اضافه می‌کرد: «هیچ فرقی بین من و آن پهلوی فرضی نبود، جز اینکه او پهلوی بود و من مسلمان! حالا، آیا چرا نباید فرقی بین من و یک پهلوی وجود داشته باشد؟»

سید محمدحسن الهی، سخنن را از اینجا آغاز می‌کرد که فرقی بادیگری ندارد و داشتن تحصیلات فقهی و اصولی و فلسفی و عرفانی، فی نفسه امتیاز محسوب نمی‌شود. امتیازی اگر هست و باید باشد، بعد از خوانده‌ها و شنیده‌ها و دانسته‌ها و دانسته‌ها شروع می‌شود. از این رو، او حتی افتخار سیادت را هم امتیازی برای خود نمی‌شمرد، و هرگز اجتهاد مسلّمش را مایه فخر و تفوق نمی‌دانست. بی‌جهت نبود که مطلقاً شاگرد سیدعلی قاضی بودن را بر پیشانی زندگی اش حک نکرده بود. آنگونه که پیداست سید محمد حسن الهی، دیده‌ها و شنیده‌ها و دانسته‌هایش را مبدا چیزی و کاری نمی‌دانست. او از اینجا آغاز می‌کرد که «الآن چیستم» و «که هستم» و صد البته این تفکر و اینگونه اندیشیدن جزو نوادر است.

در منظومه فکری سیدمحمد حسن الهی طباطبایی، نمونه‌های زیادی می‌توان یافت که حول همین محور می‌چرخد. وقتی در اندیشه‌هایش تأمل می‌کنیم، می‌بینیم به ریشه‌ها نظر داشت و از ریشه شروع می‌کرد، نه از میانه

و نه از جایی که همه شروع می‌کنند. نمونه اش حرف

عجیبی است که درباره خود گفته و بر زبان آورده است:

«من و امثال من اگر به ایران نمی‌آمدیم، باید در موطن اجدادی مان «عربستان» می‌ماندیم و اگر در عربستان سعودی شده می‌ماندیم، یا کشته می‌شدیم و زنده نبودیم، یا در جایی بی‌نام و نشان عمله و کارگری بیش بودیم. احتمالاً چارو می‌کشیدیم و باید کارهای سخت انجام می‌دادیم تا زنده بمانیم. نهایتش این بود که اگر خیلی ترقی می‌کردیم، به‌مقام رانندگی نایل می‌آمدیم و شوفر تاکسی می‌شدیم، در حالی که ما در ایران، جایی که الآن کشور ماست، به «سرورای رسیده‌ایم و «آقای» می‌کنیم. چرا نباید اعتراف کنیم این کشور و مردمانش به‌من و امثال من، آقایی و بزرگی و سروری داده است. با این وصف، آیا ما نباید قدر این مردم و این کشور را بدانیم؟» (*گفتگوی نگارنده با سید محمد الهی*)

مرحوم الهی این حرف را زمانی می‌گفت که هنوز خبر و اثری از انقلاب اسلامی نبود و به زعم بسیاری از اهل علم، شرایط برای عالمان و روحانیان مضیق و دشوار بود.

درست در زمانی که موج نارضایتی‌های بسیار، جسم و جان روحانیت را در خود فرو برده بود و همین زمینه سراز مبارزه و مقابله و تنش و جشش و اعتراض بود، مردی به نام سید محمد برجسته سید علی قاضی، محمدحسین طباطبایی و شاگرد برجسته سید علی قاضی، در نگاهی کاملاً متفاوت خود را مدیون می‌دید و مدیون می‌دانست، مدیون ایران و ایرانی، ملتی که از قرن‌ها قبل به او و دیگر بازماندگان و اولاد پیامبر (ص) پناه داده بود. در یک کلام، او خودش را دقیقاً یک پناهنده می‌دانست، نه سرور. او به واقع، خودش را مدیون می‌دانست نه مالک.

سخن درباره سید محممالهی را از همین جا باید شروع کرد، از تفکرهای خاص و متفاوتی که داشت و کسی نمی‌دانست. تفکرات متمایزی که ابراز می‌کرد و کسی نمی‌شنید. اندیشه‌های مخصوصی که وجودش از آنها لبریز بود و هر بار که لازم می‌شد، زبان به بیان می‌گشود و می‌گفت. صدها افسوس که نه تفکرات او شناخته شده، نه تفاوت‌هایش مورد بررسی قرار گرفته است.

اشاره به نمونه‌ای کوچک و ظریف بی‌فایده نیست.

در ایام ماه مبارک رمضان، در روزنامه‌های تبریز

خبری منتشر شد که فلان جراح اروپایی گفته است :

«من خدا را در زیر جاقوسری جراحی ندیده‌ام و چون ندیدام وجود خدا را قبول نمی‌کنم». این خبر در ان ایام به سوژه‌ای تبدیل شد تا علما به قول و قائل حمله کنند. از هر سو بانگ برخاست که کور است و نمی‌بیند. بشکند دهانی که چنین حرفی می‌زند و کور باد چشمی که خدا را نمی‌بیند.

در یکی از همان روزها، در یکی از محافل خصوصی علماهمین موضوع را مطرح کرده و اظهار نظر کردند. سید حسن الهی سکوت کرد و چیزی نگفت. شخصی نظر او را جویا شد. جوابی کوتاه داد: اگر کسی خدا را نمی‌بیند، می‌توانیم به او عینک بدهیم که به چشم بزند و ببیند و این موضوعی سهل است، اما چه کنیم با کسانی که نمی‌بینند و مدعی دین اند؟ رو کرد به علما و گفت: آقایان! بفرمایید با کسانی که نمی‌بینند و می‌گویند! می‌بینم چه باید کرد؟

**فرستی که از دست رفت!**

سید محمد حسن الهی و ما ادراک سید محمد حسن الهی!.. مردی که می‌توانست یکی از بزرگترین متفکران و مصلحان ایران و جهان تشیع و دنیای اسلام شناخته شود اما اساساً شناخته نشد و دانسته نشد که کیست و چیست، تفکر و متفکری پیشکش. هرگز نقاب از رخ نیفتند و بی‌هیچ بروز و تبرزی در گوشه‌ای از تبرزش از دنیا رفت. او اثباتا متفکری ژرف اندیش بود اما هرگز و هرگز مجال ظهور و بروز نیافت. تنگنای شرایط و ناسامانی اوضاع و احوال، راهها را چنان بست و بسته نگاه داشت که در نهایت، شعله استعدادی برجسته و درخشان در کوران ناملایمات روزگار به طرزی دردناک و اسف‌انگیز برای همیشه خاموش شد و حرارتی که می‌توانست علامت خورشید باشد، دست در گریبان، به سردی گرایید و سرد ماند.

بی‌جهت نبود علامه طباطبایی بعد از مرگ ناپهنگام، او متأثر تر از هر زمان، می‌گفت: او از آقایان فعلی قم چیزی کم نداشت. صدور این سخن از کسی همچون علامه طباطبایی معانی بلندی دارد. علامه طباطبایی کسی نبود که برادرش را در حد مرجعیت بالا بررد یا مرجعیت

را در حد برادرش تنزل دهد. گذشت زمان کاشف از آن

است که علامه سید محمد حسین طباطبایی می‌دانست

چه می‌گوید و البته درست می‌گفت.

باری، دست تلخ ناملایمات، شععی را خاموش کرد که می‌توانست چوَنان خورشید بدرخشد و بر تاریکی‌های متراکم نور حیات بپاشد.. مردی که پدید آمدنش، حاصل گسردش و چرخش آگاهانه و هدفدار

کاینات آسمان و زمین بود، به سادگی و به قول عوام «کاملاً ببخود و بی‌جهت» زایل شد و این بی‌تردید فاجعه بود

## آیت‌الله سید محمدحسن الهی طباطبایی عارف بی‌تکرار



آیت‌الله سید محمدحسن الهی

و از شما چه پنهان که هنوز هم فاجعه است و بهتر است بگوییم: فاجعه به قوت خود باقی است.

قرنها باید می‌گذشت تا مردی در این تراز پدید آید و چنین هم شد اما او که به مثابه فرصتی نادر بود، چنان سهل و ساده و راحت از دست بشد که عقل در مقابل این فرصت سوزی عجیب دچار دهشت می‌شود. بر ما نمی‌ماند جز اینکه بگوییم: با فقدان سید محمدحسن الهی طباطبایی، جهان مردی بی‌مانند، متکثری استوار و متفکری بزرگ و دقیق اندیش را از دست داد تا در غیاب همچون اویی، جهان فکر و فلسفه و اندیشه در دست و پنجه کشانی که کل عمرشان حاوی یک آن از آنات وجودی سید نبود، دچار سنخه ناک‌ترین مجاله شدن‌ها گردد.

باری، در یک کلام، سید حسن‌الهی طباطبایی فرصتی از فرصت‌های شگفت و عمیق جهان تفکر بود که به صورتی کاملاً واهی از دست رفت، بعد از اینکه بیش از ۳۰ سال، حاشیه نشین حرمان شده بود. بی‌جهت نیست که او در یکی از نامه‌هایش درمendam می‌نویسد: «یحمدلله فراع حاصل است» و بدینگونه نارضایتی خود را از اینکه در تبرزش فرومانده و فرو افتاده بود، اعلام می‌دارد.

بی‌شک با مرگ سید محمدحسن‌الهی در سنین میانسالی، جهان تاله سروی بلندقامت و جهان معنویت قلبی تپنده و آگاه را از کف داد. او شارحی روشن بین و فقه‌ری تیزبین بود که می‌توانست برای آیین و اندیشه آبروهایی عزیز و حیثیت‌هایی ارجمند و ارزشمند به‌ارغان بیاورد اما افسوس که در ایام حیاتش نه دیده شد، نه شنیده شد، نه شناخته شد و نه فهمیده شد. به گمان من، سید حسن الهی می‌توانست متفکری بالاتر از برادرش علامه طباطبایی باشد اما چه باید گفت که فرصتی بزرگ و بزرگترین فرصت کاملاً بی‌دلیل از بین رفت.

زندگی، نشسو و نما، تحصیل و حیات و سلوک و وفات سیدحسن‌الهی طباطبایی، آینه‌ای است که بخش حتی یک دقیقه‌ی عمرش را صرف این قضایا کند و در این

استاداهای محضه، شکوفایی شخصی و عدم شکوفایی

و باروری اجتماعی.

آنچه در زندگی آیت الله الهی طباطبایی مشهود و

مکشوف است، فراتر از علم و معنویت او – که امری

است محرز – «زمان شناسی» و «فهم دقیق» و «زود هنگام»

و اتفاق‌های روزگار است.

و زمانی که دیگران شبهه می‌کردند که کاروان تمدن به

ناکجا آباد می‌رود و نمی‌رود، او یقین داشت که تمدن راه

خودش را طی می‌کند و خواهد کرد.

درست در زمانی که دیگران برای نیل به درک

حضرت ولیعصر(ع) روایات آخرالزمان را به تکرار و تکرر

می‌خواندند و پناه بردن به کوه و بیابان را «ایگانه‌راه و وصول»

می‌پنداشتند، او از تکامل ذهن بشری حرف می‌زد و اینکه

مشکل ما ظهور امر زمان نیست، مشکل ما غیبت ماست.

درست در بხო‌حه زمانی که دیگران نمی‌دانستند

چگونه باید بین روایات مختلف و متخالف ظهور جمع

کرد، او از «ظهور است» به جای «ظهور امام» و «ظهور

جمعی» به جای «ظهور فردی» حرف می‌زد و در انتظار

دولت خورشید بود. سید محمدحسن‌الهی، از عصر ظهور

حرف می‌زد، چوَنان کسی که در شهر گنگ‌ها خواب

دیده باشد، همانگونه که شمس تبریز دیده و سروده بود:

من گنگ خواب دیده و خلقی تمام کر

من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش

داستان سید محمد حسن الهی، داستان شمس تبریز

است، بی‌جهت نبود که به شمس تبریزی عشق می‌ورزید

و زمانی که هنوز تحقیقات جدید پرده از رخ و رخسار

شمس تبریز برینداخته بود، از شمس تبریزی و عالم خاص

و یگانه اش حرف می‌زد و مولانا را حلق و حنجره او می

دانست. باید توجه کرد که او زمانی این حرف‌ها را می

زد که هنوز جهان نه مولانا را می‌شناخت و نه شمس را

می‌دانست. هنوز صیت و آواز مولانا شناسان دانشگاهی،

نظیر عبدالباقی، گولپینارلی و بدیع الزمان فروزانفر و دنباله

روان آن دو بلند نشده بود و کسی چیزی از تاریخ و

جغرافی استاد و شاگرد تبریز و قونیه اطلاع موثق نداشت.

جالب است که سید محمد حسن الهی، به عنوان

فقیه و اصولی مکتب نجف، نسبت به مرجعیت «بی‌دست

و پا» انتقادهای جلدی و بنیادین داشت. عملکرد او به

گونه‌ای بود که نشان می‌داد زیر بار هیمنه‌های دروغین

دینی و اجتماعی نمی‌رود. همه اینها، با وجود بهره‌مندی

از عرفانی اصیل و معنوبتی سرشار بود و اتصال تام و تمام

به غیب که البته رازش بعدها معلوم شد و اسرارش ده‌ها

بعد از پرده برآون افتاد.

نکته قابل تأملی است که او روشنفکر بود. این همان

چیزی است که در برادر بزرگترش علامه طباطبایی هم

وجود داشت و برخی بزرگان را سخت دچار اعجاب کرد تا

به آن حد که بعد از نیم قرن، گفتارشان این است که: راز آن

حد از آزاداندیشی معلوم نیست! استاد دکتر ابراهیم دینانی در

پاسخ به این سؤال که «با توجه به اینکه علامه طباطبایی درس

خوانده نجف بود، چطور به این درجه از آزاداندیشی رسیده

بود»، اظهار می‌دارد که این سؤال فاقد جواب متعارف است

و به ناگزیر باید به «کرامت» متوسل شد:

یکی از سسؤالاتی که جواب متعارف ندارد و خود

من هم نمی‌دانم و باید بناچار به «کرامت» تمسک بجویم،

همین است. این سؤال را بارها من از خودم پرسیده‌ام که

چطور می‌شود مردی از تبریز به نجف برود و دوباره

به تبریز برگردد و اینقدر آزاد اندیش باشد؟ (*سروش و*

*سروش نوشت / ۲۳۳)*

عین این گفتار در مورد سید محمدحسن‌الهی هم

صادق است و سؤال همین است و جواب هم همین. راز

روشنفکری و آزاداندیشی دو برادر دانسته نیست هرچند

که اصل آن محرز و مسلم است.

درست زمانی که مردم برای گذاشتن فرزندان

پسرشان به مدارس جدید تردید داشتند، او دخترانش را به

مدرس‌های تازه می‌فرستاد.

درست زمانی که بر پا کردن نعلین علامت علم و

عالم و تقید به سنت بود، او آخرین نعلینش را در نجف

گذاشته بود و در کوچره و بازار تبریز «کفش» بپا می‌کرد

و نعلینش نداشت.

درست در زمانی که تردید اهل دیانت درباره «مدرس»

و «ماتشین» و «تراکتور» و «اتوبوس» و «ساعت» و «دوش

حمام» و «ساعت مچی» و «آب» و «برق» و «لامپ» و

«چراغ» و «بلندگو» غوغاها به پا کرده بود، او حاضر نبود

حتی یک دقیقه‌ی عمرش را صرف این قضایا کند و در این

خصوص‌ها کلمه‌ای بر زبان جاری کند.

درست زمانی که حاشیه‌زدن بر «عروه الوثقی» و

تعلیق‌ه‌زدن بر «کفایه‌الاصول» علامت علمیت و اعلمیت و

تشخص علمی بود، او به تحقیق در موسیقی روی آورده

بود و از تأثیر اسواج بر روی روح و روان حرف می‌زد

و زمانی که دیگران شبهه می‌کردند که کاروان تمدن به

ناکجا آباد می‌رود و نمی‌رود، او یقین داشت که تمدن راه

خودش را طی می‌کند و خواهد کرد.

درست در زمانی که دیگران برای نیل به درک

حضرت ولیعصر(ع) روایات آخرالزمان را به تکرار و تکرر

می‌خواندند و پناه بردن به کوه و بیابان را «ایگانه‌راه و وصول»

می‌پنداشتند، او از تکامل ذهن بشری حرف می‌زد و اینکه

مشکل ما ظهور امر زمان نیست، مشکل ما غیبت ماست.

درست در بხო‌حه زمانی که دیگران نمی‌دانستند

چگونه باید بین روایات مختلف و متخالف ظهور جمع

کرد، او از «ظهور است» به جای «ظهور امام» و «ظهور

جمعی» به جای «ظهور فردی» حرف می‌زد و در انتظار

دولت خورشید بود. سید محمدحسن‌الهی، از عصر ظهور

حرف می‌زد، چوَنان کسی که در شهر گنگ‌ها خواب

دیده باشد، همانگونه که شمس تبریز دیده و سروده بود:

من گنگ خواب دیده و خلقی تمام کر

من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش

داستان سید محمد حسن الهی، داستان شمس تبریز

است، بی‌جهت نبود که به شمس تبریزی عشق می‌ورزید

و زمانی که هنوز تحقیقات جدید پرده از رخ و رخسار

شمس تبریز برینداخته بود، از شمس تبریزی و عالم خاص

و یگانه اش حرف می‌زد و مولانا را حلق و حنجره او می

دانست. باید توجه کرد که او زمانی این حرف‌ها را می

زد که هنوز جهان نه مولانا را می‌شناخت و نه شمس را

می‌دانست. هنوز صیت و آواز مولانا شناسان دانشگاهی،

نظیر عبدالباقی، گولپینارلی و بدیع الزمان فروزانفر و دنباله

روان آن دو بلند نشده بود و کسی چیزی از تاریخ و

جغرافی استاد و شاگرد تبریز و قونیه اطلاع موثق نداشت.

جالب است که سید محمد حسن الهی، به عنوان

فقیه و اصولی مکتب نجف، نسبت به مرجعیت «بی‌دست

و پا» انتقادهای جلدی و بنیادین داشت. عملکرد او به

گونه‌ای بود که نشان می‌داد زیر بار هیمنه‌های دروغین

دینی و اجتماعی نمی‌رود. همه اینها، با وجود بهره‌مندی

از عرفانی اصیل و معنوبتی سرشار بود و اتصال تام و تمام

به غیب که البته رازش بعدها معلوم شد و اسرارش ده‌ها

بعد از پرده برآون افتاد.

نکته قابل تأملی است که او روشنفکر بود. این همان

چیزی است که در برادر بزرگترش علامه طباطبایی هم

وجود داشت و برخی بزرگان را سخت دچار اعجاب کرد تا

به آن حد که بعد از نیم قرن، گفتارشان این است که: راز آن

حد از آزاداندیشی معلوم نیست! استاد دکتر ابراهیم دینانی در

پاسخ به این سؤال که «با توجه به اینکه علامه طباطبایی درس

خوانده نجف بود، چطور به این درجه از آزاداندیشی رسیده

بود»، اظهار می‌دارد که این سؤال فاقد جواب متعارف است

و به ناگزیر باید به «کرامت» متوسل شد:

یکی از سسؤالاتی که جواب متعارف ندارد و خود

من هم نمی‌دانم و باید بناچار به «کرامت» تمسک بجویم،

همین است. این سؤال را بارها من از خودم پرسیده‌ام که

چطور می‌شود مردی از تبریز به نجف برود و دوباره

به تبریز برگردد و اینقدر آزاد اندیش باشد؟ (*سروش و*

*سروش نوشت / ۲۳۳)*

عین این گفتار در مورد سید محمدحسن‌الهی هم

صادق است و سؤال همین است و جواب هم همین. راز

روشنفکری و آزاداندیشی دو برادر دانسته نیست هرچند

که اصل آن محرز و مسلم است.

درست زمانی که مردم برای گذاشتن فرزندان

پسرشان به مدارس جدید تردید داشتند، او دخترانش را به

مدرس‌های تازه می‌فرستاد.

درست زمانی که بر پا کردن نعلین علامت علم و

عالم و تقید به سنت بود، او آخرین نعلینش را در نجف

گذاشته بود و در کوچره و بازار تبریز «کفش» بپا می‌کرد

و نعلینش نداشت.



## فرهنگی

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۳۳۰ **اظهاریات**

ادامه از صفحه اول



میرزا حسین

نقل می‌کرد: سیدعلی آقا قاضی، پدرم، این دو برادر را می‌خنداند که زیاد خصه نخورند ولسی آن دو از روی ادب نمی‌خندیدند. وقتی موضوع شنیدیم می‌شد، آقا سیدحسن می‌رفت بیرون می‌خندید و برمی‌گشت. البته ارتحال پدر من حدود ۱۵ سال قبل از عمومیم علامه طباطبایی بود. ازدیاد محبت عمو بعد از مرگ پدر برای من کاملاً محسوس بود (گفتگوی نگارنده با معظم له)

مهندس عبدالباقی طباطبایی، فرزند بزرگ علامه رابطه دو برادر را «عاشقانه» توصیف می‌کند: دو برادر عاشقانه با هم برخورد می‌کردند. معاشر‌نشان همیشه لطیف و زیبا و خندان بود. خیلی به هم علاقمند بودند. از هم سیر نمی‌شدند و برخوردشان عاشقانه بود. (الاهی (۷۷) ادامه می‌دهد: آقای الهی فردی بود با برخوردی ششاد و زیبا. خوش اخلاق و خلیق بودند. برخوردشان نرم و ملایم بود. همه از برخورد ایشان لذت می‌بردند . (همان/ ۸۱)

این هم جالب است که آیت الله الهی در یکی از مصنفات خطی اش، شعری از برادرش علامه طباطبایی را

با خط خودش درج کرده است با این تعبیر: از نتایج طبع

شریف آقای انخوی دامت ایام افاضاتهم در بلده قم:

از دل آن روز که مسن زاده ام

دخ باغ ده دل بوده و دل‌داده ام

تا بیه ره افتاده ام از کودکی هیچ نیاسوده دلم اندکی شهر و ده و سینه دریا و کوه گشتم و بگذشتم و دل در ستوه بعد از این مقدمات، چیزی که موضوع این گفتار است، فضل ناشناخته و فضیلت ناگفته مرحوم آیت‌الله‌سید محمدحسن الهی طباطبایی است که به‌شکلی باورنکردنی در نیم قرن گذشته ناگفته و نانوشته مانده است و چونان رازی، پوشیده و مستور افتاده است.

**جهان فکری یک متفکر**

سخن را درباره سید محمد حسن الهی طباطبایی می‌توان از اینجا شروع کرد که گفته است: «من چه امتیازی نسبت به دیگران دارم؟ وقتی من برای تحصیل به نجف رفتم، اگر یک پهلوی هم همراه من در کلاس‌هایی که من در آنها حاضر بودم، حضور می‌یافت و همان درس‌ها و کتاب‌ها را او هم می‌خواند، همین مقدار که من می‌دانم، او هم می‌دانست و همین می‌شد که من شده ام!» می‌گفت و اضافه می‌کرد: «هیچ فرقی بین من و آن پهلوی فرضی نبود، جز اینکه او پهلوی بود و من مسلمان! حالا، آیا چرا نباید فرقی بین من و یک پهلوی وجود داشته باشد؟»

سید محمدحسن الهی، سخنن را از اینجا آغاز می‌کرد که فرقی بادیگری ندارد و داشتن تحصیلات فقهی و اصولی و فلسفی و عرفانی، فی نفسه امتیاز محسوب نمی‌شود. امتیازی اگر هست و باید باشد، بعد از خوانده‌ها و شنیده‌ها و دانسته‌ها و دانسته‌ها شروع می‌شود. از این رو، او حتی افتخار سیادت را هم امتیازی برای خود نمی‌شمرد، و هرگز اجتهاد مسلّمش را مایه فخر و تفوق نمی‌دانست. بی‌جهت نبود که مطلقاً شاگرد سیدعلی قاضی بودن را بر پیشانی زندگی اش حک نکرده بود. آنگونه که پیداست سید محمد حسن الهی، دیده‌ها و شنیده‌ها و دانسته‌هایش را مبدا چیزی و کاری نمی‌دانست. او از اینجا آغاز می‌کرد که «الآن چیستم» و «که هستم» و صد البته این تفکر و اینگونه اندیشیدن جزو نوادر است.

در منظومه فکری سیدمحمد حسن الهی طباطبایی، نمونه‌های زیادی می‌توان یافت که حول همین محور می‌چرخد. وقتی در اندیشه‌هایش تأمل می‌کنیم، می‌بینیم به ریشه‌ها نظر داشت و از ریشه شروع می‌کرد، نه از میانه

و نه از جایی که همه شروع می‌کنند. نمونه اش حرف عجیبی است که درباره خود گفته و بر زبان آورده است:

«من و امثال من اگر به ایران نمی‌آمدیم، باید در موطن اجدادی مان «عربستان» می‌ماندیم و اگر در عربستان سعودی شده می‌ماندیم، یا کشته می‌شدیم و زنده نبودیم، یا در جایی بی‌نام و نشان عمله و کارگری بیش بودیم. احتمالاً چارو می‌کشیدیم و باید کارهای سخت انجام می‌دادیم تا زنده بمانیم. نهایتش این بود که اگر خیلی ترقی می‌کردیم، به‌مقام رانندگی نایل می‌آمدیم و شوفر تاکسی می‌شدیم، در حالی که ما در ایران، جایی که الآن کشور ماست، به «سرورای رسیده‌ایم و «آقای» می‌کنیم. چرا نباید اعتراف کنیم این کشور و مردمانش به‌من و امثال من، آقایی و بزرگی و سروری داده است. با این وصف، آیا ما نباید قدر این مردم و این کشور را بدانیم؟» (گفتگوی نگارنده با سید محمد الهی)

مرحوم الهی این حرف را زمانی می‌گفت که هنوز خبر و اثری از انقلاب اسلامی نبود و به زعم بسیاری از اهل علم، شرایط برای عالمان و روحانیان مضیق و دشوار بود. آری، درست در زمانی که موج نارضایتی‌های بسیار، جسم و جان روحانیت را در خود فرو برده بود و همین زمینه سراز مبارزه و مقابله و تنش و جشش و اعتراض بود، مردی به نام سید محمد برجسته سید علی قاضی، محمدحسین طباطبایی و شاگرد برجسته سید علی قاضی، در نگاهی کاملاً متفاوت خود را مدیون می‌دید و مدیون می‌دانست، مدیون ایران و ایرانی، ملتی که از قرن‌ها قبل به او و دیگر بازماندگان و اولاد پیامبر (ص) پناه داده بود. در یک کلام، او خودش را دقیقاً یک پناهنده می‌دانست، نه سرور. او به واقع، خودش را مدیون می‌دانست نه مالک.

سخن درباره سید محممالهی را از همین جا باید شروع کرد، از تفکرهای خاص و متفاوتی که داشت و کسی نمی‌دانست. تفکرات متمایزی که ابراز می‌کرد و کسی نمی‌شنید. اندیشه‌های مخصوصی که وجودش از آنها لبریز بود و هر بار که لازم می‌شد، زبان به بیان می‌گشود و می‌گفت. صدها افسوس که نه تفکرات او شناخته شده، نه تفاوت‌هایش مورد بررسی قرار گرفته است.

اشاره به نمونه‌ای کوچک و ظریف بی‌فایده نیست. در ایام ماه مبارک رمضان، در روزنامه‌های تبریز خبری منتشر شد که فلان جراح اروپایی گفته است: «من خدا را در زیر جاقوس‌ی جراحی ندیده‌ام و چون ندیدام وجود خدا را قبول نمی‌کنم». این خبر در ان ایام به سوژه‌ای تبدیل شد تا علما به قول و قائل حمله کنند. از هر سو بانگ برخاست که کور است و نمی‌بیند. بشکند دهانی که چنین حرفی می‌زند و کور باد چشمی که خدا را نمی‌بیند.

در یکی از همان روزها، در یکی از محافل خصوصی علامه‌هین موضوع را مطرح کرده و اظهار نظر کردند. سید حسن الهی سکوت کرد و چیزی نگفت. شخصی نظر او را جویا شد. جوابی کوتاه داد: اگر کسی خدا را نمی‌بیند، می‌توانیم به او عینک بدهیم که به چشم بزند و ببیند و این موضوعی سهل است، اما چه کنیم با کسانی که نمی‌بینند و مدعی این‌اند؟ رو کرد به علما و گفت: آقایان! بفرمایید با کسانی که نمی‌بینند و می‌گویند! می‌بینم چه باید کرد؟

**فرستی که از دست رفت!**

سید محمد حسن الهی و ما ادراک سید محمد حسن الهی!.. مردی که می‌توانست یکی از بزرگترین متفکران و مصلحان ایران و جهان تشیع و دنیای اسلام شناخته شود اما اساساً شناخته‌نشود و دانسته‌نشد که کیست و چیست، تفکر و متفکری پیشکش. هرگز نقاب از رخ نیفتند و بی‌هیچ بروز و تبرزی در گوشه‌ای از تبریز از دنیا رفت. او اثباتا متفکری ژرف اندیش بود اما هرگز و هرگز مجال ظهور و بروز نیافت. تنگنای شرایط و ناسامانی اوضاع و احوال، راهها را چنان بست و بسته نگاه داشت که در نهایت، شعله استعدادی برجسته و درخشان در کوران ناملایمات روزگار به طرزی دردناک و اسف‌انگیز برای همیشه خاموش شد و حرارتی که می‌توانست علامت خورشید باشد، دست در گریبان، به سردی گرایید و سرد ماند.

بی‌جهت نبود علامه طباطبایی بعد از مرگ ناپهنگام، او متأثر تر از هر زمان، می‌گفت: او از آقایان فعلی قم چیزی کم نداشت. صدور این سخن از کسی همچون علامه طباطبایی معانی بلندی دارد. علامه طباطبایی کسی نبود که برادرش را در حد مرجعیت بالا بررد یا مرجعت

را در حد برادرش تنزل دهد. گذشت زمان کاشف از آن است که علامه سید محمد حسین طباطبایی می‌دانست چه می‌گوید و البته درست می‌گفت. باری، دست تلخ ناملایمات، شععی را خاموش کرد که می‌توانست چونان خورشید بدرخشد و بر تاریکی‌های متراکم نور حیات بپاشد.. مردی که پدید آمدنش، حاصل گسردش و چرخش آگاهانه و هدفدار کاینات آسمان و زمین بود، به سادگی و به قول عوام «کاملاً ببخود و بی‌جهت» زایل شد و این بی‌تردید فاجعه بود

## آیت‌الله سید محمدحسن الهی طباطبایی عارف بی‌تکرار



آیت‌الله سید محمدحسن الهی

و از شما چه پنهان که هنوز هم فاجعه است و بهتر است بگوییم: فاجعه به قوت خود باقی است.

قرنها باید می‌گذشت تا مردی در این تراز پدید آید و چنین هم شد اما او که به مثابه فرصتی نادر بود، چنان سهل و ساده و راحت از دست بشد که عقل در مقابل این فرصت سوزی عجیب دچار دهشت می‌شود. بر ما نمی‌ماند جز اینکه بگوییم: با فقدان سید محمدحسن الهی طباطبایی، جهان مردی بی‌مانند، متکبری استوار و متفکری بزرگ و دقیق اندیش را از دست داد تا در غیاب همچون او،ی، جهان فکر و فلسفه و اندیشه در دست و پنجه کشانی که کل عمرشان حاوی یک آن از آنات وجودی سید نبود، دچار سنخه ناک‌ترین مجاله شدن‌ها گردد.

باری، در یک کلام، سید حسن‌الهی طباطبایی فرصتی از فرصت‌های شگفت و عمیق جهان تفکر بود که به صورتی کاملاً واهی از دست رفت، بعد از اینکه بیش از ۳۰ سال، حاشیه نشین حرمان شده بود. بی‌جهت نیست که او در یکی از نامه‌هایش درمendam می‌نویسد: «بجملله فمری حاصل است» و بدینگونه نارضایتی خود را از اینکه در تبریز فرومانده و فرو افتاده بود، اعلام می‌دارد.

بی‌شک با مرگ سید محمدحسن‌الهی در سنین میانسالی، جهان تاله سروی بلندقامت و جهان معنویت قلبی تپنده و آگاه را از کف داد. او شارحی روشن بین و فراهی تیزبین بود که می‌توانست برای آیین و اندیشه آبروهایی عزیز و حیثیت‌هایی ارجمند و ارزشمند به‌ارغان بیاورد اما افسوس که در ایام حیاتش نه دیده شد، نه شنیده شد، نه شناخته شد و نه فهمیده شد. به گمان من، سید حسن الهی می‌توانست متفکری بالاتر از برادرش علامه طباطبایی باشد اما چه باید گفت که فرصتی بزرگ و بزرگترین فرصت کاملاً بی‌دلیل از بین رفت.

زندگی، نشسو و نما، تحصیل و حیات و سلوک و وفات سیدحسن الهی طباطبایی، آینه‌ای است که بخش حتی یک دقیقه‌ی عمرش را صرف این قضایا کند و در این

استاداهای محضه، شکوفایی شخصی و عدم شکوفایی و باروری اجتماعی.

آنچه در زندگی آیت الله الهی طباطبایی مشهود و مکشوف است، فراتر از علم و معنویت او – که امری است محرز – «زمان شناسی» و «فهم دقیق» و «زود هنگام» و «واقع‌های روزگار است.

این مهم در متن و منظومه زندگی او به گسترده‌گی و فراوانی دیده می‌شود و در غیر او یا هیچ دیده نمی‌شود یا بسیار کم به نظر می‌رسد.

خصوص‌ها کلمه‌ای بر زبان جاری کند.

درست زمانی که حاشیه‌زدن بر «عروه الوثقی» و تعلیق‌ه‌زدن بر «کفایه‌الاصول» علامت علمیت و اعلمیت و تشخیص علمی بود، او به تحقیق در موسیقی روی آورده بود و از تأثیر اسواج بر روی روح و روان حرف می‌زد و زمانی که دیگران شبهه می‌کردند که کاروان تمدن به ناکجا آباد می‌رود و نمی‌رود، او یقین داشت که تمدن راه خودش را طی می‌کند و خواهد کرد.

درست در زمانی که دیگران برای نیل به درک حضرت ولیعصر(ع) روایات آخرالزمان را به تکرار و تکرر می‌خواندند و پناه بردن به کوه و بیابان را «یگانه‌راه و وصول» می‌پنداشتند، او از تکامل ذهن بشری حرف می‌زد و اینکه مشکل ما ظهور اهل زمان نیست، مشکل ما غیبت ماست. درست در بچو‌خه زمانی که دیگران نمی‌دانستند چگونه باید بین روایات مختلف و متخالف ظهور جمع کرد، او از «ظهور امام» به جای «ظهور امام» و «ظهور جمعی» به جای «ظهور فردی» حرف می‌زد و در انتظار دولت خورشید بود. سید محمدحسن‌الهی، از عصر ظهور حرف می‌زد، چونان کسی که در شهر گنگ‌ها خواب دیده باشد، همانگونه که شمس تبریز دیده و سروده بود: من گنگ خواب دیده و خلقی تمام کر

من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش داستان سید محمد حسن الهی، داستان شمس تبریز است، بی‌جهت نبود که به شمس تبریزی عشق می‌ورزید و زمانی که هنوز تحقیقات جدید پرده از رخ و رخسار شمس تبریز برینداخته بود، از شمس تبریزی و عالم خاص و یگانه اش حرف می‌زد و مولانا را حلق و حنجره او می‌دانست. باید توجه کرد که او زمانی این حرف‌ها را می‌زد که هنوز جهان نه مولانا را می‌شناخت و نه شمس را می‌دانست. هنوز صیت و آوازه مولاناشناسان دانشگاهی، نظیر عبدالباقی، گولپینارلی و بدیع الزمان فروزانفر و دنباله روان آن دو بلند نشده بود و کسی چیزی از تاریخ و جغرافی استاد و شاگرد تبریز و قونیه اطلاع موثق نداشت. جالب است که سید محمد حسن الهی، به عنوان فقیه و اصولی‌مکتب نجف، نسبت به مرجعت «بی‌دست و پا» انتقادهای جلدی و بنیادین داشت. عملکرد او به گونه‌ای بود که نشان می‌داد زیر بار هیمنه‌های دروغین دینی و اجتماعی نمی‌رود. همه اینها، با وجود بهره‌مندی از عرفانی‌اصل و معنوبتی سرشار بود و اتصال تام و تمام به غیب که البته رازش بعدها معلوم شد و اسرارش ده‌ها بعد از پرده برآون افتاد.

**«نشانی» به جای «نشانه»**

فرزند سید علی قاضی نقل می‌کند: یکبار به ایشان گفتیم: آخر احضار ارواح چگونه ممکن است؟ به من گفتند: احضار ارواح که جای خود دارد، شما احضار احیا را از من بخواه. گفتیم: ششینی را که دیروز در فلان مجلس با ما بود، احضار کنید! خیلی خج. شروع به عمل‌هایی کرد و گفت: بروید بیرون خانه، رقت دیدم همان شیخ امدی می‌گوید. آقای الهی داخل همین کوچه شد: امامی دادم منزش کدام است. گفتیم: آقا بفرمایید داخل…

همین است و سؤال همین است و جواب هم همین. راز روشنفکری و آزاداندیشی دو برادر دانسته نیست هرچند که اصل آن محرز و مسلم است.

درست زمانی که مردم برای گذاشتن فرزندان پسرشان به مدارس جدید تردید داشتند، او دخترانش را به مدرسه‌های تازه یافته، علی‌التحقیق یکی از شگفتی خارج شده و در کتابها ثبت شده است، غیر از نامه‌های بلند و بالای استاد کل سید علی قاضی، غیر از توثیق‌ها و اقرازهای اهل فن، این موضوع دلایلی دیگر دارد و در زمره آن دلایل است، نوشته‌های مختصریغری که از آن بزرگ به یادگار آمده است. در این میان، یکی از دخترهای برجای مانده از او، پدیده‌ای بی‌مانند و بی‌نظیر است که نمی‌توان نمونه‌ای دیگر برایش سراغ کرد.

آری، آنچه در دفتر بی‌نام به خامه سید محمد حسن‌الهی نگارش یافته، علی‌التحقیق یکی از شگفتی‌های آفرینش است که می‌توان آن را علامت بلند ایمان و رایت استوار غیبت تلقی کرد. آنچه او در اوراقی کم و کوچه به قلم آورده، میراثی گرانبها و بی‌مانند است که در هیچ کجای عالم و در هیچ دوره‌ای نمونه‌دومی برایش مصور نیست.

حسین‌الهی نگارش یافته، علی‌التحقیق یکی از شگفتی‌های آفرینش است که می‌توان آن را علامت بلند ایمان و رایت استوار غیبت تلقی کرد. آنچه او در اوراقی کم و کوچه به قلم آورده، میراثی گرانبها و بی‌مانند است که در هیچ کجای عالم و در هیچ دوره‌ای نمونه‌دومی برایش مصور نیست. اگر دیگران از سایه و شعل غیب حرف زده‌اند و سخنشان از «ظن» و «احتمال» و «شیخ غیب حرف‌اند» و «هی‌گونه‌اند» فراتر نرفته است، او خود غیب را به زمین آورده و نهال معنا را در گوشه‌ای از زمین کاشته و به یادگار گذاشته است. اگر دیگران «نشانه» یافته‌اند، او **کریم فیضی**

«نشانی» داده است، آنهم بعد از رفتن و رسیدن و دیدن و شنیدن و دانستن و داشتن. این را بنگارید، در کنار اشخاصی که در کسوت عالم زیسته‌اند و در وجود و کلامشان، ذره‌ای اطمینان به غیب نمی‌توان یافت و حکایت‌حاشان حکایت همان مختصری است که رو به‌قبله فنادراز کشیده بود و خاطره و داستان قدیمی «حمام منجابه» را بازخوانی می‌کرد. (اجمال داستان این است که مردی بر در خانه اش نشسته بود. زنی در زد و پرسید: حمام منجابه کجاست؟ مرد به جای نشان دادن آدرس حمام، درون خانه را نشان داد و گفت همین جاست! زن بعد از وارد شدن، به قصد ششوم آن مرد پی برد. خود را متمایل نشان داد و گفت: من هم کمال اشتیاق را دارم، ولی چون کیفی هستم و گرسنه، مقداری عطر و غذا تهیه کن تا با هم بخوریم… مرد قبول کرد و به خارج خانه رفت و عطر و غذا تهیه کرد و برگشت ولی زن را در خانه ندید. او بسیار ناراحت شد و آرزوی آن زن در دلش ماند و همواره این شعر را می‌خواند:

يَا رَبِّ قَائِلُهُ وَقَدْ تَعَبْتُ
أَيْنَ الطَّرِيقِ إِلَى حَمَامٍ مَنُجَابٍ
چه شـد زنی که خسته شده بود، و می‌پرسید راه حمام منجابه کجاست؟ مدتی از این ماجرا گذشت تا اینکه در بستر مرگ افتاد. آشنایان به پالین او آمدند و کلمه «لا اله الا الله» و محمد رسول الله» را به او تلقین می‌کردند، اما او به جای این ذکر، همان شعر را در حسرت آن زن می‌خواند و می‌خواند تا آن دنیارفت!

باری، سید محمدحسن‌الهی، یکی از آیات باهر خداوند متعال است که زیر خروارها گرد و خاک دفن شده و مدفون مانده است اما اگر نیک تأمل کنیم، این دیگرانند که دفن شده‌اند، نه او. گرد و خاک کجا می‌تواند زندس‌های بیدارگر چون او را در خود دفن کند. اینک این اوست که زنده دلان را بیدار می‌کند با شیمی‌ای زروایح کتمان‌ناپذیر حق و معنا.

تمام توان و وزنی را که برادرش علامه طباطبایی در تفسیر قرآن و معارف دینی و فلسفی داشت، او هم داشت. باین حال، علامه طباطبایی بیش از ۳۰ عنوان کتاب از خود به یادگار گذاشت، اما او چیزی ننوشت و اثری منتشر نکرد. از او در تفسیر قرآن هیچ اثری به یادگار نماند. او متوغل در عرفان و عرفانیت بود و میراث قلمی برجای مانده از او، به وضوح شاهد بر این معاست که تمام توان و تمرکز و وقت و طاقتش را صرف مسائل عرفانی کرده بود و با قدرت و قاطعیت پیش می‌رفت و به حقایقی مهم و اصلی دست می‌یافت. از انتشار یافته‌ها و دریافت‌ها و اصولی که از خامه او بر صفحه کاغذ ریزش کرده است، تصویر عالمی نمایان خواهد شد که در کشف زوایا و خیایای حقایق عرفانی بی‌مانند است. او غالب نسخه‌های اصل و اصلی علوم فخریه را دیده بود و جالب اینکه بر غالب آنها تعلیق‌ه‌زده و بیشتر آنها را بازنویسی نموده و برای نسل‌های بعدی به یادگار نهاده است.

**مظلومیت وفقدان**

سألهای پائینی زندگی سید محمد حسن آقای الهی سالهایی است مملو از دشواری و تنگناهای جدی و فاحش. از یک سو فشار اقتصادی روی شانه‌هایش شدید می‌شود. از سوی دیگر رفیقی قدیمی و یاری همیشگی را از دست می‌دهد.

از یک سو بخش مهم حمایت‌های معنوی خالص‌ترین فرد زندگی اش کلمسته می‌شود از سوی دیگر دخترو جوانش در ۲۳ سالگی از دنیا می‌رود. از یک سو درسش در قم، پا نگرفته تعطیل می‌شود و از سوی دیگر برنامه اش برای هجرت با شکست مواجه می‌گردد. باتر از همه اینها ناراحتی جدی که قلبش را باضعیف‌ترین حالت ممکن می‌رساند.

مردی بزرگ در چتره مشکلاتی بزرگ مورد هجوم قرار می‌گیرد. فقری نامحسوس و بیماری محسوس و تنهایی غیرقابل بیان به صورت مهربان بر او می‌تازند و آماج هجوم و حمله‌اش قرار می‌دهند.

مظلومیت کاهمی بی‌حد و بی‌پایان می‌شود. بی‌پایانی مظلومیت آنگاه که بی‌حد شود، با هیچ امری قابل قیاس نیست. مظلومیت بی‌حد قابل تحمل نیست مگر با عنایات خاصه الهی. و الهی مظلوم خاص بود. مظلوم تر آن که بتوان تصور کرد و به قلم آورد.

چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۶ – سال نودودوم – شماره۲۸۴۵

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۳۳۰ **اظهاریات**

**لوح/ کریم فیضی**

**در کوچه باغ اندیشه – ۵۷**

# کنار سفره آدم و حوا

حاکمان نالایق عدلشان هم ظلم است، چه برسد به ظلمشان!

واقعیّت بسپارد، سر از حقیقت در می‌آورد، برخلاف کسی که متوجه واقعیّت نمی‌شود و در طلب و سودای حقیقت است.

کسی که به مرتبه انحلال نرسد و نتواند ملغی و منحل کند، در پنجه قضایا و الفاظ و حتی معانی محسوس خواهد بود، تا روزی که حکم انحلال را دریافت و نسیمی آن امر مبارک بر صورتش وزیدن بگیرد.

کسی که به مرتبه فهم برسد، در شاهراه حیات مستقر می‌شود

و معبری می‌شود که حقایق و واقعیّت‌ها از او و بر او می‌گذرند

برخلاف کسی که به این مرتبه نرسیده است. کسی که به مرتبه فهم نرسیده باشد، حقیقت و واقعیّت را درک نخواهد کرد، حتی اگر هر روز هزار بار بر او بگذرند.

روز آهمی بدون اضطراب شب نمی‌شود تا بداند آنچه را که باید بداند. در «اضطراب» دقایقی وجود دارد که جز شخص دقیق النظر کسی به کنه آن راه نمی‌یابد.

خداوند هرگز کسی را از درگاهش نمی‌راند. عده‌ای خودشان رانده می‌شوند که جای بحث ندارد اما آن را که خدا می‌راند، جای بحث بسیار دارد. آن که خدا می‌راند، در او بحث است و حرف. او کسی است که مشغول عنایت حق شده است. این عنایت عین رحمت و اسعاده است که دیر با زود نمایان خواهد شد.

آنچه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.

آنکه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.

آنکه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.

آنکه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.

آنکه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.

آنکه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.

کسی که خود را بی‌دغدغه به رود خروشان واقعیّت بسپارد، سر از حقیقت در می‌آورد، برخلاف کسی که متوجه واقعیّت نمی‌شود و در طلب و سودای حقیقت است.

کسی که به مرتبه انحلال نرسد و نتواند ملغی و منحل کند، در پنجه قضایا و الفاظ و حتی معانی محسوس خواهد بود، تا روزی که حکم انحلال را دریافت و نسیمی آن امر مبارک بر صورتش وزیدن بگیرد.

کسی که به مرتبه فهم برسد، در شاهراه حیات مستقر می‌شود

و معبری می‌شود که حقایق و واقعیّت‌ها از او و بر او می‌گذرند

برخلاف کسی که به این مرتبه نرسیده است. کسی که به مرتبه فهم نرسیده باشد، حقیقت و واقعیّت را درک نخواهد کرد، حتی اگر هر روز هزار بار بر او بگذرند. روز آهمی بدون اضطراب شب نمی‌شود تا بداند آنچه را که باید بداند. در «اضطراب» دقایقی وجود دارد که جز شخص دقیق النظر کسی به کنه آن راه نمی‌یابد.

خداوند هرگز کسی را از درگاهش نمی‌راند. عده‌ای خودشان رانده می‌شوند که جای بحث ندارد اما آن را که خدا می‌راند، جای بحث بسیار دارد. آن که خدا می‌راند، در او بحث است و حرف. او کسی است که مشغول عنایت حق شده است. این عنایت عین رحمت و اسعاده است که دیر با زود نمایان خواهد شد.

آنچه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.

آنکه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.

آنکه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.

آنکه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.

آنکه از خدا بخواهد، مصاب است. خواستن از خدا عین وصول است. از اینجاست که می‌گوییم آنکه به مقام دعا وقوف ندارد، به خدا وقوف ندارد.

مقام دعا در تزار مقام خداست. مقام خدا بی‌پایان و غیر قابل تصور است. با این حال، آنکه چشم به رفعت مقام دعا گشوده باشد، او می‌داند که دعا نزدیکترین مقام به مقام خداوند متعال است. وقوف به مقام حق تعالی جز با وقوف به مقام دعا میسر نیست.





## روایت

**اشاره:** دکتر حسن کامشاد از مترجمان پرکار و موفق ایران است با کارنامه‌ای متنوع. آنچه می‌خوانید زندگی‌خودنوشت/این مترجم برجسته است که با نام «حدیث نفس» توسط نشر نی منتشر شده و مورد استقبال قرار گرفته است.

در یکی از روزها در حالی که می‌دویدم چیزی براق در میان خاک و خاشاک توجهم را جلب کرد. مکث کردم، و در حالی که دیگران به شتاب گذشتند، دیدم انگشتی است با نگینی تابان. تنگ آن را در مشت فشردم و پیش بچه‌ها چیزی به روی خود نیاوردم. در خانه بر سر انگشت میان خانواده اختلاف افتاد. پدرم معتقد بود انگشت را باید به کلاتری محل تحویل داد، شاید صاحبش پیدا شود. مادر کشف مرا کار خدا می‌دانست و می‌خواست که آن را برای نامزدی و همسر آتی‌ام نگاه دارم. خودم اصرار داشتم باد آورده را به فروش رسانم و با پولش کتاب بخرم.

سرانجام من پیش بردم و به اتفاق مادر نزد زرگری آشنا رفتم، او انگشت را به محک زد، پس از معاینات دقیق با ذره‌بین، به مبلغ شصت تومان خرید که برای شاگردی دبیرستانی پول کمی نبود. پول‌ها را مادرم در یخدانش نگه داشت و به تدریج به دخل آشیخ عبدالرزاق رفت. در عوض من صاحب کتابخانه‌ای شدم. کتاب‌ها را روی تاقچه‌های اتاقم ردیف به ترتیب قد چیدم.

پدرم به این کتاب‌ها نزدیک نمی‌شد؛ این‌ها با پول «حرام» خریداری شده بود، همه را نجس می‌شمرد و به هیچ یک دست نمی‌زد. و این به تعبیری مایه خوشوقتی بود چه اگر درباره کتاب‌ها کنجکاوی می‌کرد، لای هر کدام را که می‌گشود مطالبش بی‌شک در نظرش «ضاله» می‌نمود.

باری، من در میان دوستان شهرت کتاب‌داری پیدا کردم و بسیاری از همشاگردی‌ها، برای عاریه گرفتن کتاب، سر به آستانه‌خانه ما می‌ساییدند. (اخیراً در نیویورک به یکی از هم‌دوره‌ای‌های آن زمان اصفهان برخوردم. او به مدرسه دیگری می‌رفت و هم‌دیگر را نمی‌شناختم. ولی وقتی معرفی شدیم و اندکی صحبت کردیم، حسن میرمحمد صادقی یادش آمد و گفت نشان مشخص تو آن بود که همیشه کتابی زیر بغل داشتی.)

باری، در این ایام سودای شاعری هم به جانم افتاده بود. در خانه ساعت‌ها در به روی خود می‌بستم و در خلوت اتاقم زور می‌زدم شعر بسازم. حاصل چیزی بی‌ملاحظ بود، بویی از ذوق و قریحه

نبرده بود. هوس شعر سرودن خیلی زود دست از سرم برداشت.

سال‌های جنگ جهانی دوم بود و بازار سیاست بسیار داغ. متفقین ایران را اشغال کرده بودند و کله‌ها همه بوی قرمه‌سبزی می‌داد. رادیوی برلن و رادیوی لندن هر شب با آب و تاب سخن‌پراکنی می‌کردند و تبلیغات جنگی خود را به خورد مردم

با مشتوک طلائی برای خود روشن می‌کرد. اولی بلاگردان دومی بود.

آقا محمودخان آدمی گوشه‌گیر بود و اغلب مست. انواع مشروبات فرنگی در اتاقش روی میزی چیده بود. هیكلی لاغر و باریک داشت و هر روز عصر یکه و تنها، پیلی‌پیلی خوران و عصازنان، خیابان چهارباغ را پایسن و بالا می‌رفت. یکی از



زندگی‌خودنوشت دکتر حسن کامشاد - ۳ انگشتی با نگین تابان

می‌دادند. حلقه تنگ دوستان ما، مانند اکثر ایرانیان، همه طرفدار آلمان نازی بودند، به جز علی مراد که سفت و سخت سنگ انگلستان را به سینه می‌زد. پدر علی مراد، آقا محمودخان، در بانک «شاهی» متعلق به انگلیسی‌ها کار می‌کرد و پسر هم، به پیروی از پدر، هواخواه انگلیس بود. تصوراتی اغراق‌آمیز درباره قدرت و کفایت آن ملت داشت و به آداب و رسوم آنها حرمت می‌نهاد.

علی مراد از دوازده‌سالگی سیگاری شده بود، سیگار گران‌بهای Goldflake انگلیسی می‌کشید. جایی شنیده بود که پادشاه انگلستان، پیش از روشن کردن سیگار خود، قوطی سیگار زربینش را میان حاضران می‌گرداند و سیگاری به هر یک تعارف می‌کند. او هم، با آن‌که می‌دانست هیچ‌کدام ما سیگاری نیستیم، دست از این نزاکت انگلیسی برنمی‌داشت.

روزی یکی از دوستان جرأت به خرج داد و برای آزمون سیگاری دود کرد. رفته‌رفته دومی و سومی هم تعارف او را پذیرفتند و کار به جایی رسید که دیگر هیچ‌کس دست او را رد نمی‌کرد. رسم پادشاه انگلستان بسیار گران تمام می‌شد!

پس علی مراد تدبیری اندیشید. هر وقت هوس سیگار می‌کرد، ابتدا جعبه‌ای سیگار «اشنو» بین حاضران دور می‌گرداند و سپس یک گولدفلیک

نخستین کسانی بود که در اصفهان صاحب رادیو شد. رادیوی فیلیپس گول‌پیکر او صفحه‌ای مسطح داشت و آقا محمودخان برای سهولت مراجعه بر یک‌یک ایستگاه‌های فارسی خارجی - لندن، برلن، مسکو، دهلی‌نو - نخود و لوبیا و ماش و عدس چیده بود و ماگاه، در غیاب او، از سر شیطنت، جای حیوانات را تغییر می‌دادیم و او وقتی به خانه می‌آمد، و به جای بی‌بی‌سی محبوبش، صدای گوشخراش بهرام شاه‌رخ را از رادیو برلن می‌شنید، فریادش به آسمان می‌رفت.

### امتحان دیلم

روزها سهل و ساده می‌گذشت، اما امتحان دیلم پنج متوسطه شوخی‌بردار نبود؛ باید فکری برای درس‌ها کرد. پس من و علی مراد و عسکر پسرخاله‌اش و شاپور، یکی دیگر از دوستان، معلم خصوصی گرفتیم. آقای تراشندگان آموزگار مبرز بود، درس‌های کلاس پنج متوسطه (فیزیک، شیمی، طبیعی، هیئت، تاریخ، جغرافی، حساب، جبر، هندسه، مثلثات و...) را فوت آب بود. عصرها به خانه علی مراد می‌آمد و تندتند چیزهایی بلغور می‌کرد، که ما هیچ نمی‌فهمیدیم، و با عجله می‌رفت که به درس‌های خصوصی دیگرش برسد. و آقا معلم از در خارج نشده ما چهار تن درس و مشق و کتاب را کنار می‌گذاشتیم و سرگرم ورق‌بازی

می‌شدیم. گذر از سسد عظیم دیلم پنج متوسطه، آن روزها کار ساده‌ای نبود، سؤال‌های امتحان از مرکز می‌آمد و نشست‌های امتحان در اصفهان، به سبب شمار شرکت‌کنندگان از همه مدارس شهر، زیر گنبد بزرگ مسجدشاه (مسجد امام) برگزار می‌شد. امتحان نخست، فیزیک و شیمی بود و قرار بود آقای تراشندگان زودتر بیاید و سراسر دو کتاب را برای امتحان روز بعد با ما «دوره» کند. وقتی آمد و نشستیم و دست به کار شدیم، هنوز چند صفحه پیش نرفته، علی مراد به میان سخن آقا معلم دوید و گفت: «آقای تراشندگان به نظر من شب امتحان بهتر مغزمان را با جزئیات پریشان نکنیم. خواهش می‌کنم زبده مطالب را افشوده برای‌مان بگویید».

تراشندگان نگاهی مردد به او انداخت و قیافه جدی‌اش را که دید، گفت «بسیار خوب» و شروع کرد به تندتر ورق‌زدن و پیش رفتن. باز طولی نکشید که علی مراد حرف او را قطع کرد و گفت «من دو بخش از فیزیک و شیمی را اصلاً نمی‌فهمم. اگر دوستان موافق باشند این‌ها را برای‌مان توضیح دهید». ما هاج و واج از رفتار علی مراد همدیگر را نگرستیم. اما مخالفتی نکردیم. آقای تراشندگان هم خواه ناخواه آن دو فصل را به تفصیل مرور کرد و سؤال‌های متعدد علی مراد را پاسخ گفت.

چند دقیقه بعد علی مراد باز وسط حرف آقا معلم دوید و گفت: «امشب بس است، بیش از این خود را خسته نکنیم». و آقای تراشندگان آشفته حال رفت. همه پریدیم به جان علی مراد، و اعتراض که «اگر خودت ... گشادی چرا مانع کار دیگران می‌شوی!» و او خونسرد توصیه کرد که نگران نباشیم، برویم و آن دو فصل را به دقت بخوانیم و خوب استراحت کنیم، فردا خدا بزرگ است!

فردا خدا بزرگ بود و وقتی زیر گنبد مسجد شاه بر جایگاه خودنشستیم و ورقه سؤالات را سرگشودیم، عینا همان‌هایی بود که علی مراد شب قبل پیش کشیده و جزئیات آن‌ها را پرس‌وجو کرده بود. باورکردنی نبود، و بعد هرچه از او توضیح خواستیم، فقط در پاسخ گفت «الهام، الهام». عصر، تراشندگان مات و مبهوت از راه رسید. زبانش از تعجب بند آمده بود. پی در پی می‌گفت «معجزه! معجزه!» فردا امتحان جبر و مثلثات داشتیم و در وسط کار دفعتاً علی مراد دو مسئله کتاب را نشان داد و گفت با این‌ها مشکل دارد و درخواست از آقامعلم که آن‌ها را حل و فصل کند و جزء به جزء روی کاغذ آورد و سپس درس و مشق را خاتمه داد و ما هم جیک نزدیم. فردا زیر گنبد مسجد شاه سروورقه را که با دلهره باز کردیم. یاللعجب! باز همان سؤال‌های شب پیش علی مراد بود!

ادامه دارد

ولی کسی را آنجا ندید. آسیمه‌سر پرسید: «ولی من که کسی را اینجا نمی‌بینم، مطمئنی که حالت خوب است؟»

مرد کشاورز با تعجب نگاهی به همسرش انداخت: «چطور او را نمی‌بینی؟ این جوان که چهره‌اش مانند گل سوسن، سپید و درخشان است، او اکنون همین‌جا کنار من روی نیمکت نشسته». زن دست‌هایش لرزید...

جوان به مرد کشاورز گفت: «او نمی‌تواند مرا ببیند، یعنی هنوز نمی‌تواند، اما زمانش که فرا برسد، او نیز مرا خواهد دید». مرد کشاورز زیر لب گفت: «ولی من نمی‌توانم او را تنها بگذارم»، و بعد به چهره نگران و غمگین همسرش نگاه کرد و ادامه داد: «می‌دانی، ما با هم قراری گذاشته‌ایم. ما تصمیم گرفتیم که هیچ یک بدون دیگری سفر آسمانی را نپیمایم. او بعد از من چگونه درباره قضایات خواهد کرد؟ فکر نمی‌کنی مرا به بی‌وفایی و عهدشکنی متهم کند؟ از تو خواهش می‌کنم بگذار او نیز تو را ببیند».

و این کلمات که آهنگ عشق داشت، از قلب مرد به قلب جوان رسید و تکانش داد.

و لحظه‌ای بعد همسر مرد کشاورز، هنگامی که جوان را کنار همسرش دید، زیر لب گفت: «درست می‌گفتی، چهره میهمان ما چقدر مانند گل سوسن، سپید و درخشان است، آه چه عطر خوشی!».

و سیب سرخی که در دست داشت از دستانش به پایین فروغلتید. ادامه دارد

هستی؟» جوان لبخند زد و گفت: «آنچه هم اکنون در ذهنت گذشت، من همانم».

کشاورز با آرامش گفت: «پس بالاخره زمانش فرا رسیده...» سپس آهی کشید و ادامه داد: «چه می‌شود کرد، ولی من کمی نگرانم».

جوان پاسخ داد: «نگران نباش، من با تو هستم، از هیچ چیز ترس». مرد کشاورز گفت: «اشتباه نکن، نگرانی من بابت خودم نیست و از هیچ چیز برای خودم نمی‌ترسم، من به همسر می‌اندیشم، نمی‌دانم او بدون من چه خواهد کرد. آه... بعد از من حتماً به او خیلی سخت خواهد گذشت؛ می‌دانی ما چهل سال در کنار یکدیگر بودیم. دوشادوش هم در باغ و مزرعه‌مان کار کردیم. در همه این سال‌ها بدون هم جایی نرفتیم و حالا...».

و حرف‌هایش نیمه‌کاره ماند، زیرا در همین هنگام، همسرش با سبلی پر از میوه و با چهره‌ای خندان به سوی او می‌آمد. سبد را روی میز نهاد و به مردش خیره شد: «حالت خوب است؟ چرا رنگت پریده؟ امروز حسابی خسته شدی، هوای غروب هم کمی سرد است، بهتر نیست برگردیم داخل کلبه؟»

مرد کشاورز گفت: «بنشین، میهمان داریم». زن با تعجب گفت: «میهمان؟ چه کسی قرار است بیاید؟» مرد کشاورز به جوان اشاره کرد که کنارش روی نیمکت نشسته بود و گفت: «این جوان، میهمان ماست». زن حیرت‌زده و نگران به جایی که مرد اشاره کرده بود نگرست،

جوان در حالی که به بوته‌های سوسن سپید اشاره می‌کرد، گفت: «او این گل‌ها، گل‌هایی که انگار از آسمان آمدند، سپیدی، پاکی و عطر جادویی و ملایم آنها مرا به یاد دنیای دیگر می‌اندازد. این‌طور فکر نمی‌کنی؟»

مرد کشاورز پاسخ داد: «بله، همین‌طور است. همه می‌گویند: گل سوسن سپید یعنی گل مرگ، ولی من هیچ‌وقت نتوانستم بفهمم چرا؟ این همه طراوت، این همه سپیدی و درخشندگی، این همه زیبایی چه شباهت و تناسبی با مرگ دارد؟»

جوان لبخندی زد و گفت: «شاید به خاطر همه اینهایی که گفتی، گل سوسن، یادآور بهشت خداوند باشد. راستی تو

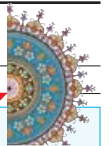
هیچ‌گاه به مرگ فکر کرده‌ای؟»

مرد کشاورز چشم‌هایش را کمی تنگ کرد و با دقت به جوان نگرست و با خود اندیشید: «او چقدر شبیه گل سوسن است، چهره جوان، سپید و درخشان بود و عطری که از او می‌تراوید چقدر پوی عطر گل سوسن را می‌داد. با کمی تردید و ترس پرسید: «تو واقعاً که

دنیای دیگر

«در باغ معنا» / شکوفه رچیز زاده - ۲





حسین عسکری

استاد ناصر نجمی (۱۲۹۷-۱۳۸۲ ش) تاریخ‌پژوه و روزنامه‌نگاران مخالف حکومت پهلوی و طرفدار نهضت ملی ایران بود. پدرش حاج مرتضی نجم‌آبادی از مالکان روستای نجم‌آباد از توابع استان البرز و پدر مادرش از



افسران سرشناس ژاندارمری کلنل محمدتقی پسیان (م ۱۳۰۰ ش) بود. مصطفی نجمی (م ۱۳۷۶ ش) آهنگ‌ساز و نقاش مکتب کلاسیک کمال‌الملکی، برادر او است. ناصر نجمی درباره خاستگاه خود می‌نویسد: «ما را ابتدا نجم‌آبادی می‌گفتند، چون علاوه بر تهران و سنگلج که خانه‌های ریز و درشتی داشتیم، در نجم‌آباد ساوجبلاغ هم ملک مزروعی و باغاتی دارا بودیم. بعدها نام نجم‌آبادی به نجمی تبدیل شد.»

پس از گذراندن تحصیلات اولیه، در رشته‌های معقول و منقول (الهیات) و تاریخ، لیسانس گرفت. از شانزده سالگی و به هنگام تحصیل در دبیرستان البرز تهران، نویسندگی را با نگارش طنزی در مجله «توفیق» آغاز کرد. به جهت علاقه به تاریخ ایران و جهان، در هجده سالگی کتابی درباره «ژرژ کلمانسو» نخست‌وزیر فرانسه به‌هنگام جنگ جهانی اول را ترجمه کرد و در پی آن پس از حمله متفقین (روس و انگلیس) به ایران، کتاب «دانتون، بزرگترین قهرمان انقلاب کبیر فرانسه» را ترجمه کرد که به وسیله بنگاه انتشاراتی معرفت به چاپ رسید.

نجمی درباره فعالیت‌های سیاسی و مسلحانه‌اش در واقعه اشغال ایران به هنگام جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸-۱۳۲۴ ش) می‌گوید: «آغاز جنگ جهانی دوم و حمله سربازان انگلیسی و شوروی، ضربه سختی بر پیکر جامعه ایرانی وارد آورد و در میان قشرهای مردم عکس‌العمل‌های سخت پدید آمد. نان که قوت لایموت و خوراک اصلی مردم ما است کمیاب شد و همه چیز از شن و خاک آزه گرفته تا اشیای دیگر در نان پیدا می‌شد به جز ماده اصلی آن که آرد بود. قحطی تدریجاً چهره کریه و وحشتناک خویش را به مردم ما نشان می‌داد...»

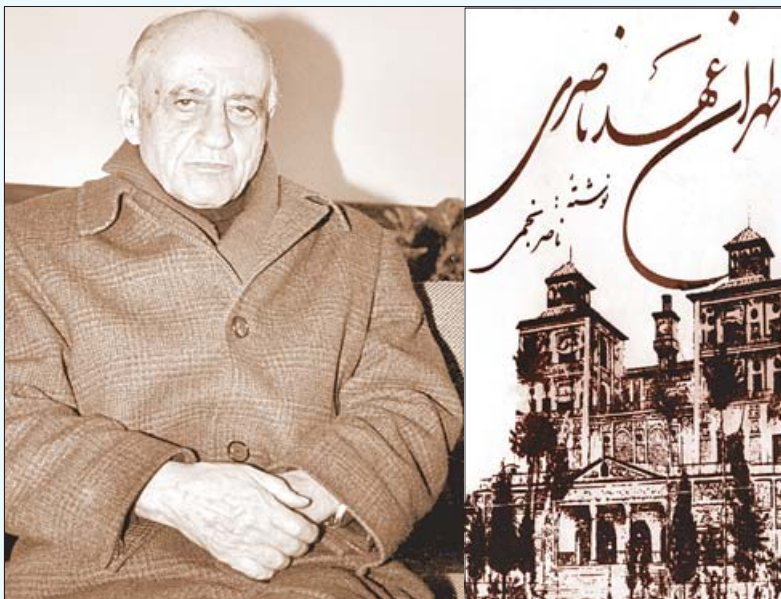
در همان اوایل که هنوز تهران در زیر چکمه سربازان روس و انگلیس ناله سر می‌داد و احزاب هنوز به ایجاد سازمان‌های خود نپرداخته بودند. من به اتفاق تنی چند از یاران جدی و مصمم که غالباً در سال‌های پیش، اوقات خود را در شکارگاه‌ها می‌گذرانیدیم و کم و بیش تفنگ‌هایی داشتیم که مخصوص شکار حیوانات بود، تحت تأثیر جو نگران‌کننده و جریحه‌دار شده احساساتمان، اقدام به تشکیل یک گروه مبارز نهضت زیرزمینی کردیم... آن روز (سوم شهریور ۱۳۲۰) مشاهده آن سربازان [ایرانی] تیره‌روز، از دیدگان خیلی از جوانان، اشک غم و اندوه سرازیر کرد. سرشک گرمی که بر گونه‌های تبار مافرو می‌ریخت، التهاب و تلاطمی در دل‌هایمان به تموج درآورد، به طوری که من وقتی وارد خانه شدم و ماجرا را به پدرم گفتم، او به من و برادرانم گفت: تفنگ‌های خود را بردارید و خود را به کوه‌ها بزنید، از سربازان متجاوز روس و انگلیس هر چه می‌توانید بکشید و بعد در کوه‌ها مخفی شوید. این افکار و احساسات غیورانه پدر هشتاد ساله ما بود که ما را بر آن داشت که به جای پیشنهاد ایشان، راه‌حل دیگری را تعقیب کنیم و آن هم تشکیل گروه مسلح زیر زمینی، علیه نیروهای بیگانه بود.»

او از یاران دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر ملی و مخالف حکومت پهلوی بود. در سال

۱۳۲۰ ش با پدیدار شدن آزادی نسبی، به فعالیت روزنامه‌نگاری در نشریات کیهان و اطلاعات پرداخت. هماهنگ با روشنگری‌های روزنامه «امروز» و سپس «باختر روز» به مدیریت دکتر سید حسین فاطمی (م ۱۳۳۳ ش) وزیر امور خارجه دولت مصدق، به عنوان یک روزنامه‌نگار نقش فعالی در ملی شدن صنعت نفت ایران ایفا کرد.

استاد ناصر نجمی

## مورخ بیگانه‌ستیز



در دی ۱۳۲۰ ش به همراه گروهی از نیروهای ملی، حزب مهین‌پرستان را بنیاد نهاد. در سال ۱۳۲۳ ش از ائتلاف این حزب و احزاب استقلال، پیکار و آزادیخواهان، حزب مهین تشکیل شد. پس از ملی شدن صنعت نفت به عنوان مدیر اداره انتشارات و روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران و مدیر روزنامه «خبرهای روز» در شهر آبادان مشغول به کار شد و تا روزی که این شهر و دیگر مناطق نفت‌خیز جنوب به جهت تهدیدهای نظامی انگلستان تخلیه نشده بود، به فعالیتش ادامه داد.

او درباره ارتباطش با نهضت ملی ایران می‌گوید: «من در تمام دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق، دوش به دوش او حرکت کردم و در نهضت ملی شدن نفت در کنارش بودم. برای اولین بار دکتر مصدق را به میدان بهارستان آوردم و در دفتر روزنامه، میکروفون گذاشتم تا برای جمعیت حاضر در بهارستان سخنرانی بکند. در همان روز شهید فاطمی و دکتر [کریم] سنجابی (م ۱۳۷۴ ش) و دکتر [سید علی] شایگان (م ۱۳۶۰ ش) هم حضور داشتند و از من خواستند فرصتی در اختیار آنان بگذارم تا صحبت کنند. می‌خواهم بگویم که من در خیلی از موارد، شاهد زنده رویدادها و حوادث تاریخ معاصر ایران بوده‌ام و به طور مستند در کتاب از سید ضیاء تا بازگان این مسائل را نوشته‌ام.»

دکتر مصدق در ۱۷ آبان ۱۳۲۷ ش پس از دریافت یکی از آثار ناصر نجمی، خطاب به او می‌نویسد: «قرابات شوم؛ موقعی که عزم رفتن ده [احمدآباد] دارم کتاب مرحمتی رسید و از اهدای آن به خودم که هیچ‌گونه شایسته و لیاقت آن را ندارم متشکرم. آن را با خود می‌برم و از مطالعه آن مستفیض خواهم شد و از خدای متعال مسألت می‌نمایم که شما جوانان حساس وطن‌پرست را به خدمت مهین کامیاب و موفق بدارد.

درد بسیار است و طیب نیست، باشد که از بین شما کسی بتواند کشتی بلا دیده ما را به

مزا جی‌اش اجازه می‌داد برای دیدن بنده‌گردشکنان به آن حدود می‌آمد و متأسف بود که توانایی این کار را ندارد.

این کارت جوابیه برای صدمین بار از نزاکت و ادب و انسانیت و بزرگواری مصدق حکایت‌ها داشت که من و دوستانم بارها آن را آزموده بودیم. البته در روزهای عادی و اکنون این قهرمان در بند شده علیرغم کسالت مزاج بیماری، خود را مقید و پای‌بند آن اصول عالی می‌دید.

بله، این آخرین ارتباط و مرآه من با مخدوم مهربانم آن انسان متعالی و بزرگوار بود تا آنگاه که خبر درگذشتش را شنیدم و همه در سوگ و ماتم شدیم. خبری که فقط دو سه سطر از صفحات روزنامه‌آن هم صفحات وسط را اشغال می‌کرد که خود نشان‌دهنده این معنی بود که محمدرضا پهلوی حتی از پیکر بی‌جان او بیم و هراس و وحشت داشت.»

نجمی از سال ۱۳۲۴ ش در اداره کل تبلیغات و رادیو به عنوان رئیس اداره اخبار رادیو مشغول به کار شد و مدت شش سال از رادیو تهران برنامه «یادی از گذشته» را نوشته و اجرا کرد. آخرین فعالیت اجرایی او، مدیرکل روابط عمومی وزارت کشور در سال ۱۳۵۷ ش بود. او در ۱۰ خرداد ۱۳۸۲ ش درگذشت.

شمار آثار نجمی را نبود عنوان کتاب نوشته‌اند:

ببر فرانسه، ژرژ کلمانسو نخست‌وزیر فرانسه در زمان جنگ اول بین‌الملل (ترجمه و نگارش)؛ دانتون، بزرگترین قهرمان انقلاب کبیر فرانسه (ترجمه)؛ یعقوب لیث، شیرمرد سیستان؛ دارالخلافه طهران؛ طهران عهد ناصری؛ چهره امیر (کاوشی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوره امیرکبیر)؛ دولتهای ایران از سوم اسفند ۱۲۱۹ تا انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷؛ از سید ضیا تا بازگان؛ ایران قدیم و طهران قدیم؛ سرگذشت حسن صباح و قلعه الموت؛ امواج خون‌آلود (ترجمه)؛ کمال‌الملک؛ حوادث تاریخی ایران از سوم شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (خاطرات سیاسی نویسنده)؛ وزیران مقتول از جعفر برمکی تا دکتر حسین فاطمی؛ مولانا (جلال‌الدین رومی)؛ واسموس آلمانی در میان دلاوران تنگستانی و قشقایی؛ قهرمانان ناکام ایران از ابو مسلم خراسانی تا کلنل محمدتقی پسیان؛ فاتح هرات؛ عباس میرزا نایب‌السلطنه و جنگ‌های ایران با روسیه تزاری؛ سلحشوران شمشیر شکسته؛ شعله جاویدان؛ انقلاب کبیر فرانسه؛ قیام بابک خرم‌دین؛ نهضت سرخ علم‌های مازندران؛ آریوبرزن، آخرین سردار هخامنشی مدافع دلاور تخت جمشید؛ جلال‌الدین خوارزمشاه؛ با دکتر مصدق و دکتر فاطمی؛ سرزمین جاوید؛ بازیگران عصر محمدرضا شاه؛ پاسداران ایران‌زمین؛ چهره‌های درخشان عصر قاجار؛ تهران در گذرگاه زمان؛ خواجه مخوف (آقامحمد خان قاجار)؛ ترکان خاتون ملکه خونریز خوارزم؛ نادرشاه افشار؛ لطفعلی خان زند؛ سورنا، بزرگترین سردار اشکانی؛ مصدق بر مسند قدرت؛ تاریخ استعمار انگلیس در ایران؛ خورشید دیلمان؛ فرمانروای خوفناک؛ داستان‌های تاریخی حماسه‌سازان ایران؛ وثوق‌الدوله و قرارداد ننگین ۱۹۱۹؛ یادداشت‌های محرمانه ادوارد براون؛ مازیار؛ ایران میان توفان؛ مدرس؛ مبارز بزرگ؛ مصدق؛ طهران در یک قرن پیش؛ فرمانروای الموت (حسن صباح)؛ ملکشاهون شیرزن دیالمه.

منابع: محمد ترکمان، نامه‌های دکتر مصدق، ج ۱، ص ۱۰۱؛ ناصر نجمی، با مصدق و دکتر فاطمی، ص ۱۴۵؛ حسین عسکری، دشتی به وسعت تاریخ، ص ۳۱۲؛ ماهنامه تصویر ساوجبلاغ، ش ۳۵، ص ۸؛ کیهان فرهنگی، ش ۲۰۱، ص ۵۱؛ محسن مدیرشانه‌چی، فرهنگ احزاب و جمعیت‌های سیاسی ایران، ص ۹۷؛ روزنامه ایران، ش ۲۲۷۲، ص ۳۲.



